

بسم الله الرحمن الرحيم

هزینه استفاده از این جزوه، برای دانش‌آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیت پدر و مادر مرحومم است.

همه می‌دانیم امکانات آموزشی در همه جای کشور یکسان نیست. می‌دانیم در شهرهای کوچک و مناطق محروم امکانات آموزشی ضعیف است. در فضای مجازی پیام‌هایی از دانش‌آموزان روستایی دریافت کرده‌ام که از ناتوانی مالی برای خرید کتاب و جزوه و ... حکایت می‌کرد. تعارف که نداریم؛ خوب می‌دانیم این اوضاع اقتصادی حال شهری‌ها را هم خراب کرده است. از نابرابری‌ها و بالاختص نابرابری‌های آموزشی هر چه بگویم کم گفته‌ام. با این حال من یک دبیرم و آنچه از دست من برمی‌آید جزوات بنده است که به طور رایگان در اختیارتان قرار می‌گیرد.

۱ - با مطالعه بخش‌بخش و جزء‌جزء این جزوات خواهید فهمید که این جزوات کامل‌ترین درس‌نامه‌ها را دارند. برای بنده خیلی راحت و اقتصادی‌تر بود که این جزوات را در اختیار موسسه و انتشاراتی قرار دهم و از مزایای مادی و معنوی آن برخوردار شوم. ولی در این صورت اجازه نداشتم که این جزوات را در کانال قرار دهم تا همه افراد به صورت رایگان از پی‌دی‌اف آن استفاده کنند.

۲ - قطعا برای تالیف هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. با نگاهی سطحی بر این جزوه و دیگر جزوات بنده خواهید دید که برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجهی هزینه کرده‌ام.

۳ - پارسال دبیری پیام داد و گفت: «با اجازه شما این جزوات را داده‌ام تایپ کرده‌اند و در انتهای جزوه از شما یاد خواهم کرد!!!» به چند دلیل این کار دور از انصاف و ناصحیح بوده‌است؛ اول اینکه بنده اصلا چنین اجازه‌ای به هیچ دبیری نداده‌ام. دوم اینکه با این تایپ و صفحه‌بندی زیبا چه لزومی داشت مجدد تایپ شود جز اینکه قضیه‌ای در کار بوده باشد؟ سوم اینکه بسیاری افراد به اعتبار علمی یک مؤلف آن اثر را می‌خوانند و با حذف نام بنده از هر صفحه و انتقال آن به آخر جزوه، عملا با یک غلط‌گیر - توسط هر فردی - این اثر بی‌شناسنامه خواهد شد. چهارمین دلیل که از دلایل دیگر بسیار مهمتر است این است که صادقانه و حقیقتا خدمتتان عرض می‌کنم که پس از تایپ این جزوات توسط تایپست‌های گران‌قیمت موسسات مطرح، برای ویرایش و صفحه‌بندی هر کدام، حداقل بیش از ۳ ماه وقت گذاشته‌ام (اگر ملاحظه کنید می‌بینید در تمام این جزوه حتی «تشدید» و «نیم‌فاصله» و دیگر علائم ویرایشی رعایت شده است تا زیبایی جزوه، مطالعه را برای دانش‌آموز دلنشین‌تر کند). تالیف این جزوات، اینطور نبوده که پس از تایپ با یک ویرایش خدمتتان ارائه شده باشد. اگر آن دبیر محترم، نهایت انصاف را به خرج دهد و نام بنده را هم در هر صفحه جزوه بیاورد، باز هم در حق من جفا کرده است، چرا که قطعا قطعا جزوه‌ای خواهد بود با هزار غلط تایپی و ...

با توجه به ۳ مورد فوق، از دبیران ارجمند، صمیمانه خواهشمندم، برای ارج‌نهادن به تالیف و کار بنده، از کپی‌کردن جزوات اینجانب، بدون نام بنده خودداری کنند و از همین پی‌دی‌اف استفاده کنند.

معرفی و سوابق علمی و آموزشی

ابوذر احمدی پُرگو؛ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی: دانشگاه علامه طباطبائی (سراسری)، کارشناسی ارشد: دانشگاه خوارزمی (سراسری)، دکتری: اراک (سراسری)
۱۷ سال سابقه تدریس دروس عمومی و تخصصی زبان و ادبیات فارسی، تالیف (۵ جلد) و همکاری (در بیش از ۱۵ جلد) کتاب کمک آموزشی، طراحی سوالات نرم افزار آموزشی «مُنتا»، طراحی سوال سابق آزمون های مدرّسان شریف در مقطع کارشناسی ارشد و ...

مدرّس دبیرستان های برتر تهران از جمله: دبیرستان ماندگار البرز، دبیرستان رشد، دبیرستان فرهنگ، دبیرستان خوارزمی، دبیرستان سلام، دبیرستان شاهد، دبیرستان سرای دانش (قلمچی) و دیگر مدارس برتر تهران و مدرّس کلاس های کنکور موسّسات و مدارس تهران و شهرستان ها.

شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و استاد کلاس ها و کارگاه های شعر و ترانه

***توجه:** این جزوات برای پاسخ گویی به سوالات سخت کنکوری تألیف شده اند اما دانش آموزان غیر کنکوری و علاقه مندان به ادبیات فارسی نیز می توانند از آن بهره ببرند.

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار تومان و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می رسد (به همراه آموزش عروض سماعی). در صورت تمایل می توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را با کمترین هزینه تهیه کنید. این فیلم ها در تلگرام ارسال می شود و در سریع ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم ها و به روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

موفق و سربلند باشید

دکتر ابوذر احمدی

مهر ماه ۱۴۰۰

فهرست مطالب

فارسی دهم

پیشگفتار اهمیت دستور زبان فارسی	۵
درس یکم اجزای جمله و نقش کلمات	۶
درس دوم حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی / زمان افعال	۱۶
درس سوم گروه اسمی / وابسته‌های پیشین و پسین	۲۱
درس چهارم درس آزاد	۲۷
درس پنجم تفاوت معنایی یک فعل	۲۸
درس ششم نقش ضمیر پیوسته / جهش ضمیر	۳۰
درس هفتم واژگان دوتلفظی	۳۳
درس هشتم واژگان در گذر زمان	۳۴
درس نهم واو عطف و ربط	۳۵
درس دهم انواع جمله (ساده و مرکب)	۳۷
درس یازدهم شیوه بلاغی	۳۹
درس دوازدهم بازگردانی به نثر ساده / شبکه معنایی / دو حرف اضافه برای یک متمم	۴۱
درس سیزدهم تغییر شکل نوشتاری بعضی از کلمات / شکل تاریخی افعال	۴۴
درس چهاردهم انواع را (مفعولی / حرف اضافه / فک اضافه) / پسوندهای شباهت	۴۵
درس پانزدهم درس آزاد	۴۸
درس شانزدهم نقش کلمات و زمان افعال	۴۸
درس هفدهم رابطه تناسب و مترادف	۴۸
درس هجدهم منادا و نشانه ندا	۴۸

فارسی یازدهم

درس یکم معنای واژه (روابط معنایی واژگان: مترادف، تضاد، تناسب و تضمن) / جمله مرکب	۵۰
درس دوم فعل و جمله مجهول	۵۲
درس سوم قید مشترک با اسم / قید مشترک با صفت	۵۴
درس چهارم درس آزاد	۵۵
درس پنجم واژگان هم‌آوا	۵۶
درس ششم شیوه بلاغی و جهش ضمیر	۵۷
درس هفتم انواع جمله ساده و مرکب	۵۷
درس هشتم نقش‌های تبعی (معطوف، بدل و تکرار)	۵۷
درس نهم اجزای جمله	۶۰

درس دهم	روابط معنایی / نقش کلمات	۶۰
درس یازدهم	صفت بیانی	۶۰
درس دوازدهم	واژگان در گذر زمان	۶۰
درس سیزدهم	درس آزاد	۶۰
درس چهاردهم	گروه اسمی	۶۰
درس پانزدهم	حذف شناسه به قرینه فعل قبلی	۶۰
درس شانزدهم	گروه اسمی	۶۰
درس هفدهم	واو عطف و ربط / روابط معنایی واژگان / اسم و صفت مشترک با قید	۶۰
درس هجدهم	زمان افعال / گروه اسمی	۶۰

فارسی دوازدهم

درس یکم	جهش ضمیر / حذف فعل به قرینه / هم‌آوا	۶۱
درس دوم	تغییر معنای افعال	۶۱
درس سوم	نقش واژه / حذف به قرینه	۶۱
درس چهارم	درس آزاد	۶۱
درس پنجم	گروه اسمی	۶۱
درس ششم	واژگان در گذر زمان / تغییر معنای افعال	۶۱
درس هفتم	اجزای جمله	۶۱
درس هشتم و نهم	وابسته‌های وابسته	۶۱
درس دهم	هم‌آوا / واو عطف و ربط	۶۶
درس یازدهم	ضمیر و مرجع ضمیر	۶۶
درس دوازدهم	تغییر معنای افعال / روابط معنایی واژگان	۶۷
درس سیزدهم	گروه اسمی	۶۷
درس چهاردهم	اجزای جمله / نقش‌های تبعی	۶۷
درس پانزدهم	درس آزاد	۶۷
درس شانزدهم	نقش کلمات / انواع جمله (ساده و مرکب)	۶۷
درس هفدهم	مفهوم «ان» (پسوند «ان»)	۶۷
درس هجدهم	حذف فعل به قرینه	۶۸
ساختمان واژه		۶۹
تست جامع و جمع‌بندی		۷۲

دستور زبان فارسی دهم

پیشگفتار

دستور زبان فارسی یکی از مباحث مهم ادبیات است و ۴ نمره از سوالات پایان ترم و ۵ سوال (۲۰٪) کنکور را به خود اختصاص داده است. در این جزوه سعی شده، تمام مباحث دستوری که از پایه تا پایان کتاب دوازدهم آمده است، آموزش داده شود. بدیهی است بعضی از مباحث مهم‌ترند و در سوالات پایان ترم و کنکور بیشتر آمده‌اند، اما در این جزوه حتی کم‌اهمیت‌ترین مباحث دستوری را پوشش داده‌ام تا آموزش، ضمن مانع‌بودن از ورود مباحث غیر ضروری، جامع نیز باشد.

در بین مباحث دستوری، موضوعاتی مانند: اجزای جمله، نقش کلمات، ترکیبات وصفی و اضافی، هسته و گروه اسمی، نقش‌های تبعی، حذف به قرینه، وابسته‌های وابسته و تغییر معنا در افعال، ارزش کنکوری و امتحانی بیشتری دارند. اما دستور مجموعه‌ای در هم تنیده است که نخواندن، رهاکردن و یادنگرفتن یک مبحث، قطعاً در مباحث دیگر خلل ایجاد خواهد کرد. لذا پیشنهاد می‌شود که جزوه را به طور کامل بخوانید. دستور نه تنها مبحثی سخت و خشک و نجسب نیست، بلکه در صورت خواندن باحوصله و یادگرفتن، بسیار لذت‌بخش نیز خواهد بود. اکیدا توصیه می‌شود، در صورتی که مبحثی را یاد نگرفتید، ناامید نشوید و دست از تلاش برندارید و در دفعات متعدد سراغ آن مبحث بروید. بدون شک در یکی از این تلاش‌های شما، سیم ارتباطی تان وصل خواهد شد و آن مبحث سخت یا مبهم را خواهید فهمید. در بسیاری از جزوات، مثال‌ها بسیار ساده‌اند، و با سوالات کنکور یا امتحان بسیار متفاوت. اما در این جزوه سعی شده است تا مثال‌ها از سوالات کنکور باشد، تا هم با سوالات کنکور بیشتر آشنا شوید و هم مثال‌ها به آنچه که در کنکور می‌آید شبیه‌تر باشد تا به طور جدی‌تری محک بخورید.

با توجه به اینکه آزمون‌های آزمایشی، درس به درس می‌باشند و مبحثی نیستند، مباحث این جزوه نیز به ترتیب دروس کتاب‌های فارسی دهم، یازدهم و دوازدهم تدوین شده است. و با توجه به رویکرد کنکوری این جزوه، تمام نکات مربوط به یک مبحث، یک جا و در بار اول آموزش داده شده است، لذا مبحثی که در سال دهم و سال‌های بعد تکرار شده، در همان سال دهم به طور کامل درس داده شده است.

پس از هر مبحث، برای جالفتادن و تثبیت آموزش، چندین تست آمده است. توصیه می‌شود این تست‌ها را یک روز پس از مطالعه بزنید تا تست‌زنی شما واقعی‌تر باشد و معلوم شود مبحث را حفظ نکردید و یاد گرفته‌اید. همچنین در پایان سوالات آزمون سراسری ۱۴۰۰، ۹۹، ۹۸ و سوالات تالیفی آمده است. جواب تشریحی تست‌ها را نیاورده‌ام تا دانش‌آموز تلاش کند و خود به جواب تشریحی برسد و بتواند تست‌ها را تحلیل کند. با توجه به اینکه این تست‌ها از آخرین کنکور سراسری می‌باشند، مهمترین سوالات موجود در این مبحث‌اند. لذا توصیه می‌شود قبل از پاسخگویی، به هیچ وجه پاسخ‌نامه را نبینید تا این تست‌های مهم را از دست نداده باشید.

درس یکم: مقدمه‌ای بر دستور زبان فارسی (اجزای جمله و نقش کلمات)

***توجه:** این درس مقدمه‌ای بر دستور زبان فارسی است و بسیار مهم است. لطفاً با دقت و با حوصله خوانده شود و

پیش از آموختن آن به مباحث بعدی نروید.

دستور زبان فارسی در اولین نگاه به دو بخش **صرف** و **نحو** تقسیم می‌شود.

صرف: صرف مربوط به **ساختمان کلمه** است. یعنی با جایگاه و نقش کلمه در جمله سر و کار نداریم. در مثال زیر واژه

«دانش‌آموز» یک «اسم» است.

دانش‌آموز در کلاس حاضر شد.

نحو: نحو مربوط به **نقش کلمه** در جمله است. و جایگاه واژه در جمله بررسی می‌شود. در مثال فوق «دانش‌آموز» در نقش

«نهاد» است. اکنون به مثال‌های زیر توجه کنید تا به طور دقیق‌تر تفاوت صرف و نحو را دریابید.

۱-	من آمدم.	از نظر صرف: ضمیر	و از نظر نحو: نهاد
۲-	خانه کوچک بود.	از نظر صرف: صفت	از نظر نحو: مسند
۳-	علی از گریه می‌ترسد.	از نظر صرف: اسم	از نظر نحو: متمم
۴-	علی شب آمد.	از نظر صرف: اسم	از نظر نحو: قید
۵-	مداد دانش‌آموز شکست.	از نظر صرف: اسم	از نظر نحو: مضاف‌الیه
۶-	علی درس می‌خواند .	از نظر صرف: فعل	از نظر نحو: فعل
۷-	دیوار بلند خانه فرو ریخت.	از نظر صرف: صفت	از نظر نحو: صفت

همان‌طور که در مثال‌های ۱ تا ۵ مشاهده می‌کنید یک واژه از **نظر صرفی** و **نحوی** دو اصطلاح متفاوت دارد.

در مثال‌های ۶ و ۷ اصطلاح به کار رفته برای «می‌خواند» و «بلند» از نظر صرفی و نحوی یکسان است. دلیل این اتفاق این

است که این دو اصطلاح هم در صرف وجود دارند و هم در نحو. اکنون که تا حدودی تفاوت صرف و نحو را آموختیم، تمام موارد

صرفی و نحوی را که قرار است، یاد بگیریم در ادامه می‌آورم تا ابتدا با نام آن‌ها آشنا شوید و یک‌جا همه را ببینید. سپس در

ادامه هر یک را به طور کامل شرح خواهم داد.

نحو: نهاد، مفعول، متمم، مسند، مضاف‌الیه، صفت، قید، منادا، شاخص، بدل، معطوف، تکرار و فعل، نقش‌هایی هستند که با آن‌ها

سر و کار خواهیم داشت.

صرف: اسم، صفت، ضمیر، قید، حرف، شبه جمله، فعل و تمام مباحثی که مربوط به این هفت مورد می‌شود، از جمله ساختمان

واژه، مفرد و جمع و ... مواردی هستند که از نظر صرفی بررسی می‌شوند.

به این مثال توجه کنید: ←

«دانش آموز درس می‌خواند.»

یک بار دیگر توضیح می‌دهم که اگر واژه «دانش آموز» در جمله‌ای بود و گفتیم نقش آن نهاد است یا مفعول و چیز دیگر، ما یک کار نحوی انجام داده‌ایم. اما اگر گفتیم که این واژه «اسم» است یا این که گفتیم «وندی - مرکب» است یا گفتیم «مفرد» است، یک کار صرفی انجام داده‌ایم. در مورد «می‌خواند» هم اگر گفتیم «فعل» است هم از نظر صرفی فعل است و هم از نظر نحوی، با این تفاوت که وقتی از نظر صرفی می‌گوئیم «فعل» است، اسم یا ضمیر و... نیست اما وقتی از نظر نحوی می‌گوئیم «فعل» است یعنی مفعول یا نهاد و... نیست. یا وقتی می‌گوئیم «فعل مضارع» است یک کار صرفی انجام داده‌ایم.

برای این که مبحث صرف و نحو بهتر بهتر برایتان جا بیفتد چند نکته در مورد نوع سؤالات مطرح می‌شود. مثلاً سؤال «ساختمان واژه» مربوط به حوزه صرف است. زیرا ما با خود واژه کار داریم نه نقشی که گرفته است. یا «مفرد و جمع بودن» واژه نیز همین‌طور است و حوزه بررسی ما از واژه خارج نمی‌شود. اما مباحثی مانند «نقش کلمات» مربوط به نحو است. زیرا آن نقش باید در جمله بررسی شود و جایگاه و ارتباط آن با واژه‌های دیگر بررسی شود. سؤالات دستوری معمولاً یکی از این دو زمینه صرف یا نحو را هدف قرار می‌دهند. ولی در بعضی موارد، سؤال به گونه‌ای است که هم از نظر صرفی و هم نحوی باید آگاهی داشته باشیم. مثلاً در سؤالی آمده است، هسته‌ی کدام گروه اسمی یک «یک اسم مرکب» است؟ مشخص است که مبحث «اسم» یا «مرکب» مربوط به صرف و مبحث «هسته‌ی گروه اسمی» مربوط به نحو است.

با توجه به صحبت‌های بالا باید قبول کنیم که خواندن و یادگرفتن هر دو زمینه، واجب و ضروری است. و کوچک‌ترین مبحث را هم بی‌اهمیت ندانیم. زیرا ممکن است با مبحث مهم‌تری ترکیب شود و یک سؤال کنکور باشد.

کلیات

همان‌طور که گفتیم دستور یعنی صرف و نحو. همه چیز در صرف و نحو است. گفتیم سؤالات از این مباحث مطرح می‌شود. اما این صرف و نحو کجا اتفاق می‌افتد؟ در پاسخ باید گفت: جمله. «جمله، بزرگ‌ترین واحد زبانی است که اتفاقات دستوری در آن رخ می‌دهد.» گفتیم سؤالات صرف در سطح واژه و کلمه هستند و سؤالات نحو، در سطح جمله بررسی می‌شوند. دانش‌آموزان به این نکته توجه کنند که جمله همان عبارت یا مصراع یا بیت نیست! ممکن است عبارت، مصراع یا بیت، از چند جمله ساخته شوند. در واقع ما هر سؤال دستوری را در یک جمله بررسی می‌کنیم. بنابر این بهتر است با جمله و اجزای آن بیشتر آشنا بشویم.

جمله: مجموعه کلماتی است که مقصودی را می‌رساند و حداقل دارای دو بخش نهاد و گزاره است.

همان‌طور که در تعریف آمده است، هر جمله دو بخش اصلی دارد: نهاد و گزاره.

نهاد: کلمه یا گروهی از کلمات که درباره آن خبری می‌دهیم.

گزاره: خبری است که در مورد نهاد می‌دهیم.

جمله‌ها با توجّه به گزاره‌هایشان با هم فرق دارند. یعنی در قسمت گزاره‌ی بعضی جمله‌ها نقش‌های متفاوتی وجود دارد.

(در ادامه در می‌یابیم که اجزای گزاره چه ارتباطی با فعل دارند.)

به جمله‌های زیر توجّه کنید.

۱- علی آمد.	۵- علی کتاب را به حسین داد.
۲- علی کتاب را آورد.	۶- علی حسین را دانا می‌پندارد.
۳- علی از گربه می‌ترسد.	۷- علی به حسین دانا می‌گوید.
۴- علی بیهوش است.	۸- علی دیوار را رنگ زد.

در جمله‌های بالا «علی» نهاد و باقی عبارت گزاره است. ما می‌دانیم: کلمه‌ای که قبل «را» آمده است، **مفعول**، کلمه‌ای که بعد

حرف اضافه باشد **متمّم** و کلمه‌ای که با فعل اسنادی بیاید و چیزی را به نهاد نسبت بدهد، **مسند** است.

اینکه چرا بعضی جمله‌ها مفعول دارند چرا بعضی متمّم و یا دو تا از این نقش‌ها را دارند یا چرا اصلاً هیچ

کدامشان را ندارند، موضوعی است که دقیقاً به فعل جمله بستگی دارد.

در زبان فارسی ۸ ساختار برای جمله‌ها وجود دارد. به جدول زیر دقت کنید.

نهاد	گزاره	نهاد	گزاره
۱- علی نهاد	آمد. فعل	۵- علی نهاد	کتاب را به حسین داد. مفعول متمّم فعل
۲- علی نهاد	کتاب را آورد. مفعول فعل	۶- علی نهاد	حسین را دانا می‌داند. مفعول مسند فعل
۳- علی نهاد	از گربه می‌ترسد. متمّم فعل	۷- علی نهاد	به حسین دانا می‌گوید. متمّم مسند فعل
۴- علی نهاد	بیهوش است. مسند فعل	۸- علی نهاد	دیوار را رنگ می‌زد. مفعول مفعول فعل

در جدول بالا **۸ نوع جمله‌ی موجود در زبان فارسی** را با اجزای اصلی آن‌ها می‌بینید. اکنون با دقت به ۸ ساختار فوق، موارد زیر

را در می‌یابیم.

۱: نهاد و فعل در همه‌ی جمله‌ها وجود دارند.

۲: نقشی به نام «گزاره» اصلاً وجود ندارد.

۳: این ۸ جمله یا ۲ جزء اصلی دارند یا ۳ جزء اصلی یا ۴ جزء اصلی.

۴: همان‌طور که می‌بینیم نقش‌هایی مثل مضاف‌الیه، صفت، قید و... در این ۸ ساختار وجود ندارد.

***توجه:** این ۸ ساختار، ساده‌ترین نوع ساختار جمله‌ها هستند. اما باید بدانیم که در کنکور سراسری یا امتحانات نهایی ما با این جمله‌ها سر و کار نداریم. معمولاً یک سری نقش‌های دیگر هم به آن‌ها اضافه می‌شود که آن‌ها را نقش‌های وابسته و تبعی و وابسته‌ی وابسته می‌گویند و همچنین ممکن است این نقش‌ها جا به جا شوند و با این ترتیب نیایند.

به جدول زیر دقت کنید:

نقش‌های اصلی	منادا، نهاد، مفعول، متمم، مسند و فعل
نقش‌های وابسته	مضاف‌الیه، صفت
نقش‌های تبعی	بدل، معطوف و تکرار
نقش‌های وابسته‌ی وابسته	مُمیز، صفت مضاف‌الیه، مضاف‌الیه مضاف‌الیه، صفت صفت، قید صفت

***توجه:** مضاف‌الیه و صفت اصلی‌ترین نقش‌های غیر اصلی می‌باشند. در درس سوم فارسی دهم با آن‌ها آشنا می‌شوید.

***توجه:** بدل، معطوف و تکرار «نقش‌های تبعی» هستند. با نقش‌های تبعی در درس هشتم فارسی یازدهم آشنا می‌شوید.

***توجه:** نقش‌های وابسته، خود نیز وابسته می‌گیرند که به آن‌ها «وابسته‌ی وابسته» می‌گویند و ۵ مورد می‌باشند: مُمیز، قید صفت، صفت صفت، صفت مضاف‌الیه و مضاف‌الیه مضاف‌الیه. با وابسته‌های وابسته در درس‌های هشتم و نهم فارسی دوازدهم آشنا می‌شوید.

***توجه:** قید نیز جزء نقش‌های غیر اصلی است که می‌تواند جمله یا یکی از نقش‌های جمله را مقید کند.

انواع نقش

معمولاً ۲ مورد از سوالات خیلی مهم و پُر تکرار کنکور و امتحانات مربوط به نقش واژه‌ها و اجزای جمله است. پس بهتر است با نقش‌ها بیشتر آشنا بشویم.

منادا: کلمه‌ای که معمولاً با حرف ندا (ای، یا، ا و ...) می‌آید و مورد خطاب قرار می‌گیرد. (منادا می‌تواند بدون حرف ندا بیاید و از لحن متوجه آن شد. مانند: علی، درس‌هایت را خوب بخوان.)

نهاد: کلمه یا گروهی از کلمات که درباره‌ی آن خبر می‌دهیم. نهاد، در حالت عادی و معیار و غیر ادبی، اول جمله می‌آید.

فعل: کلمه‌ای است که در حالت عادی در انتهای جمله می‌آید و یا خودش به نهاد نسبت داده می‌شود (علی آمد) یا کلمه‌ای را به نهاد نسبت می‌دهد. (علی کتاب را آورد. علی خوب است و...)

مفعول: کلمه‌ای یا گروهی از کلمات که یا بعد از آن «رای مفعولی» وجود دارد یا می‌توان بعد از آن «را» قرار داد.

متمم: کلمه یا گروهی از کلمات که پس از حرف اضافه می‌آید. و در نظم و نثر امروزی و معیار و غیر ادبی، یک حرف اضافه دارد

که پیش از متمم می‌آید. (حروف اضافه: از، به، در، برای، چو، چون، مثل، الا، الی، اندر، با، بدون، بر، بهر، بی، تا، جز، غیر، مانند، مگر)

مسند: کلمه‌ای است که به کمک فعل‌های اسنادی «است، بود، شد، و هم معنی‌هایشان؛ مانند: گشت و گردید» به نهاد نسبت داده می‌شود. (در ادامه خواهیم دید که بعضی از فعل‌های غیر اسنادی نیز مسند می‌گیرند).

مضاف‌الیه: اسم یا ضمیری که بعد از اسم و با نقش‌نمای اضافه «-ِ یا یِ» می‌آید و به آن اضافه می‌شود. کتابِ علی، کتابِ من، نظرِ خود، پدرم و ...

صفت: صفت انواعی دارد که مهمترین آن‌ها «صفت بیانی» است که بعد از موصوف و با نقش‌نمای اضافه «-ِ یا یِ» می‌آید و ویژگی و حالتی را به موصوف اختصاص می‌دهد. (مردِ دانا آمد).

قید: کلمه یا گروهی از کلمات است که فعل یا کلمات دیگر را به مفهومی مقید می‌کند و به راحتی قابل حذف از جمله است. و حذف آن به ساختار جمله خللی ایجاد نمی‌کند. (و به راحتی در جمله جابه‌جا می‌شود).

***توجه:** نهاد، مفعول، متمم، مسند و فعل، نقش‌های اصلی و مضاف‌الیه، صفت و قید، نقش‌های فرعی یا وابسته هستند.

نکته‌های ۸ ساختار

۱- بعضی فعل‌ها به تنهایی نهاد را پوشش می‌دهند و معنای جمله را کامل می‌کنند. مثل «آمد» در مثال «علی آمد». به این فعل‌ها، «فعل‌های ناگذر» می‌گویند. و بعضی فعل‌ها به تنهایی نهاد را پوشش نمی‌دهند و به کلمه‌ی دیگری نیاز دارند. به این گونه فعل‌ها، «فعل‌های گذرا» می‌گویند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف) علی می‌آورد.	ب) علی می‌ترسد.	ج) علی است.
در مثال (الف) باید مفعول وجود داشته باشد تا معنای جمله کامل شود. در مثال (ب) به متمم نیاز است و در (ج) به مسند.		
در واقع «می‌آورد» گذرا به مفعول، «می‌ترسد» گذرا به متمم و «است» گذرا به مسند است.		

اکنون به مثال‌های زیر دقت کنید.

الف) علی، کتاب را خرید.	ب) علی، حسین را می‌داند.
ج) علی، به حسین می‌گوید.	د) علی، دیوار را می‌زد.
در مثال (الف) با وجود مفعول باز معنای جمله کامل نیست و به متمم (از بازار) نیاز دارد. در مثال (ب) نیز با وجود مفعول جمله کامل نیست و به مسند (دانا) نیاز دارد و در مثال (ج) نیز جمله با وجود متمم به مسند (قهرمان) نیاز دارد و در مثال (د) نیز با وجود یک مفعول جمله کامل نیست و به مفعول دیگری (غذا) نیاز دارد.	

از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم:

فعل‌های ناگذر: فقط جمله‌های دو جزئی می‌سازند.

فعل‌های گذرا: ۳ مورد جمله سه‌جزئی و ۴ مورد جمله چهارجزئی می‌سازند.

***نکته:** در سال‌های قبل آموخته بودیم که مسند با فعل اسنادی می‌آید، اما باید بدانیم **ممکن است مسند با فعل اسنادی نیاید**، مانند ساختارهای ۶ و ۷. در واقع این‌طور می‌توانیم بگوئیم که **اگر فعل، اسنادی بود، حتماً مسند وجود دارد اما اگر مسند داشتیم شاید فعل اسنادی نداشته باشیم.**

***نکته:** در جمله‌هایی که ساختار «**نهاد + مفعول + مسند + فعل**» یا «**نهاد + متمم + مسند + فعل**» دارند، دانش‌آموزان گاه در تشخیص نوع جمله و یا مسند دچار اشتباه می‌شوند. باید توجه کنید که:

اولاً: فعل‌های این جمله‌ها محدود و انگشت‌شمارند که در مثال‌های زیر آمده‌اند.

مردم به علی دانا می‌گویند.	من علی را زیرک می‌شمارم.	مردم او را عاقل به حساب می‌آورند.
مردم علی را دانا می‌نامند.	مردم رستم را زیرک می‌نگرد.	من او را قهرمان می‌بینم.
مردم پوریای ولی را پهلوان می‌خوانند.	مردم علی را قهرمان می‌پنداشتند.	علی خودش را عاقل می‌داند.
من او را آگاه ساختم.	من علی را هم‌راز می‌گرفتم.	باران هوا را سرد گرداند.
استاد علی را آگاه کرد.	من علی را آگاه می‌کنم.	تو علی را آگاه کن.

ثانیاً: در ساختار این جمله‌ها، یک جمله‌ی «سه جزئی با مسند» وجود دارد. به مثال‌های زیر که مسند، با مفعول یا متمم آمده است دقت کنید.

مردم به حسین قهرمان می‌گویند. متمم مسند	متمم + مسند + است ← حسین قهرمان است.
مردم علی را شجاع می‌نامیدند. مفعول مسند	مفعول + مسند + است ← علی شجاع است.

همان‌طور که می‌بینیم این جمله‌ها در اصل «سه جزئی با مسند» بوده‌اند که جزء دیگری به آن‌ها اضافه شده است. گویی واژه‌ای به جمله سه جزئی اضافه شده است. مانند مثال‌های زیر:

هوا سرد است. ← باران، هوا را سرد کرد.
حسین زیرک است. ← علی، حسین را زیرک می‌نامد.
او شیردل است. ← مردم، به او شیردل می‌گویند.

***نکته:** در مورد فعل اسنادی در جمله‌های سه جزئی با مسند باید دقت کنیم که «است، بود، شد»، سه فعل اسنادی اصلی هستند و «گشت و گردید» هم اگر در معنای «شدن» و «هم‌معناهای آن» باشند فعل اسنادی می‌باشند و مسند می‌گیرند.

گشت: فعل اسنادی است و مسند می‌گیرد.	هوا سرد گشت. ←
گشت: فعل اسنادی نیست و مسند نمی‌گیرد.	علی دور میدان گشت. ←
گردید: فعل اسنادی است و مسند می‌گیرد.	هوا سرد گردید. ←
گردید: فعل اسنادی نیست و مسند نمی‌گیرد.	علی دور میدان گردید. ←

***نکته:** همچنین فعل «شد» گاه در معنای «رفتن» می‌باشد که فعل لازم است و اسنادی نیست و مسند نمی‌گیرد.

بشد تیز رهام با خود و گبر
یقین، مرد را دیده، بیننده کرد

***نکته:** فعل «شد» گاه در معنای «گذشت و سپری شد» به کار می‌رفته است.

شد آنکه اهل نظر بر کناره می‌رفتند
شد آن زمانه که رویش به سان دیبا بود

***نکته:** فعل اسنادی گاه شبیه به «شناسه» می‌آید. ولی «فعل» است و شناسه محسوب نمی‌شود.

تویی رزاق هر پیدا و پنهان | گفت در این معرکه یکتا منم | که نیم، کوهیم ز صبر و حلم و داد

***نکته:** فعل اسنادی (و حتی مسند آن) گاه از جمله حذف می‌شود. (به قرینه لفظی یا معنوی).

همه تیغ و ساعد ز خون بود، لعل
دل خاک در زیر نعل، خروشان بود. «بود» از مصراع دوم حذف شده است و «خروشان» مسند است.

***نکته:** گاه فعلی با شکل دیگر، معنای فعل اسنادی می‌دهد و مسند می‌گیرد.

چو در وقت بهار آبی پدیدار
«آبی» در معنای «بشوی» آمده است و فعل اسنادی است. بنابر این نقش «پدیدار» مسند است.

***نکته بسیار مهم:** کلاً در تشخیص فعل اسنادی توجه به معنا بسیار اهمیت دارد. بسیاری افعال دیگر هستند که می‌توانند فعل اسنادی باشند و مسند بگیرند ولی ظاهراً فعل اسنادی نیستند. در تشخیص فعل اسنادی، باید به معنای آن‌ها توجه کنیم. افعال زیر با توجه به معنایشان اسنادی نیستند.

مثال	معنی	فعل
در خانه آب هست / هیچ میوه‌ای در یخچال نیست.	وجود داشتن / وجود نداشتن	هست
علی در جبهه است / علی در مدرسه نیست.	حضور داشتن / حضور نداشتن	حضور
رهام به نبرد شد / شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند	رفتن / گذشتن و سپری شدن	شد
در کشور آزادی بود / در روستا امکانات نبود.	وجود داشتن / وجود نداشتن	بود
ما در جنگ بودیم / ما در خانه نبودیم.	حضور داشتن / حضور نداشتن	بود
علی دور خیابان گشت، گردید علی همه جا را به دنبال او گشت، گردید	چرخیدن جستجو کردن	گشت / گردید

***نکته‌ی بسیار مهم:** گفتیم یکی از نقش‌های اصلی متمّم است. اما **چند نوع متمّم داریم** که در عملکرد و نقش بسیار با هم متفاوت هستند. به دو جمله‌ی زیر دقت کنید:

علی به دماوند می‌نگرد.

علی به تهران آمد.

«به تهران» و «به دماوند» هر دو متمّم هستند زیرا با حرف اضافه «به» آمده‌اند، اما در واقع تفاوتی بین آن‌ها وجود دارد. «به تهران» **قابل حذف است** و با حذف آن به جمله ایرادی وارد نمی‌شود. و «به دماوند» **قابل حذف نیست** و با حذف آن در جمله خلل ایجاد می‌شود و جمله از نظر ساختاری ناقص می‌شود. تفاوت در این جاست که «می‌نگرد» فعلی گذراست که به متمّم نیاز دارد و **حرف اضافه اختصاصی «به»** دارد، ولی «آمد» فعلی ناگذرست و به متمّم نیاز ندارد و حرف اضافه اختصاصی هم ندارد. و در واقع «به تهران» یک «**قید**» است که به صورت متمّم آمده است و به آن «**متمّم قیدی**» می‌گویند و مانند سایر قیدها به راحتی از جمله قابل حذف است. اما «به دماوند» را نمی‌توان حذف کرد، چون معنای جمله ناتمام و ناقص می‌ماند.

ممکن است بگوئید اگر «به تهران» را حذف کنیم آن جمله هم ناقص می‌شود! باید بگویم، این‌طور نیست. مثلاً جمله‌هایی مانند: علی به تهران آمد. علی با اتوبوس آمد. علی از مدرسه آمد. و ... را ما بارها شنیده‌ایم بدون این‌که بگوئیم ناقص هستند. پس همان‌طور که می‌بینیم، فعل «آمد» با سه متمّم «به تهران» «با اتوبوس» و «از مدرسه» آمده است، و به هیچ‌کدام به طور قطعی نیاز ندارد. دلیل این ادعا هم این است که به راحتی می‌توان آن‌ها را حذف کرد. اما در جمله‌ی «علی به دماوند می‌نگرد»، حرف اضافه «به» به همراه متمّم بعد از خود اصلاً و ابداً قابل حذف نیست.

***توجه:** نوع دیگری از متمّم به نام «**متمّم اسمی**» وجود دارد، که ضرورتی برای تدریس آن وجود ندارد. لذا برای جلوگیری از سر در گمی دانش‌آموزان آن را مطرح نکردم.

***نکته:** افعالی که حرف اضافه اختصاصی دارند، حتماً «متمّم» می‌گیرند.

ترسیدن ← از

گنجیدن ← در

نازیدن ← به

جنگیدن ← با

چند مصدر با حرف اضافه‌ی اختصاصی

***نکته:** جمله‌های چهار جزئی با دو مفعول در اصل وجود ندارند و یکی از مفعول‌ها در واقع متمّم است که با حرف اضافه «را» آمده است. به جز یکی دو مثال غلط مانند (علی کودک را غذا داد، نقاش دیوار را رنگ زد و ...) مثال دیگری برای آن نیست!!!

۱- در کدام بیت ساختار «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده نمی‌شود؟

- (۱) خبـــــر از عیش ندارد که ندارد یاری
(۲) دل، خـــــرابی می‌کند دلدار را آگه کنید
(۳) شیوۀ چشمـــــت فریب جنگ داشت
(۴) تحصیل عشق و رندی، آسان نمود اول
- ۲- در کدام گزینه نقش دستوری «متمم» دیده می‌شود؟
- (۱) وان همه هنگامه دریا بدید
(۲) داده تنش بر تن ساحل یله
(۳) تاج سر گلبن و صحرا منم
(۴) دید یکی بحر خروشنده‌ای

۳- نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه درست است؟

- (۱) به دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر
(۲) دل، خـــــرابی می‌کند دلدار را آگه کنید
(۳) گر تشنگان بادیه را جان به لب رسید
(۴) نیست دلی جز درون لاله پُر از داغ
- ۴- نقش کلمه مشخص شده، در کدام گزینه درست است؟
- (۱) چنان عشقش پریشان کرد ما را
(۲) لب چون غنچه را بلبل نوا کرد
(۳) ســـــپاه صبر ما بشکست چون او
(۴) چو نفس خویش را گردن شکستیم

۵- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده، به ترتیب در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه درست آمده است؟

- (۱) همه کارم ز خـــــودکامی به بدنای کشید آخر
(۲) می‌خواستم که میرمـــــش اندر قدم چو شمع
(۳) هرکـــــسی را دل به صحرایی و باغی می‌رود
(۴) دوستی را گفتم اینک عمر شد گفت ای عجب
- ۶- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده، به ترتیب در کدام گزینه تماماً درست است؟
- (۱) تنها نه از برای من این شور و شر فتاد (مسند- مضاف الیه)
(۲) او خود گذر به ما چو نسیم سحر نکرد (مضاف الیه- بدل)
(۳) هر کس از سویی به در رفتند و عاشق سوی دوست (مضاف الیه- نهاد)
(۴) طُرفه می‌دارم که بی دلدار چون بردی به سر؟ (متمم- مسند)

- (۱) بسیار کس شدند اســـــیر کمند عشق
(۲) گـــــر افتدت گذری بر وجود کشته عشق
(۳) امشب به راستی شب ما روز روشن است
(۴) سعدی نظر بپوشان، یا خرقة در میان نه

۷- کدام واژه مشخص شده نقش دستوری متفاوتی دارد؟

- (۱) مرا ز خطه شـــــروان برون فکن مـــــلکا
(۲) گرت سودای ایـــــن راه است ســـــلیمان
(۳) هر آن کـــــو قلم را نورزید و تیغ
(۴) دوش در خیل غلامان درش می‌رفتم
- که فرضه‌ای اســـــت در او صد هزار بحر بلا
ز خـــــود بـــــگذر که اوّل منزل آن است
بر او گـــــر بـــــمیرد مگـــــو ای دریغ
گفت ای عاشق بیچاره تو باری چه کسی؟

۸- در چند مورد نقش دستوری واژه به درستی مشخص شده است؟

- (۱) تو را بهتر آید که فرمان کنی
 (۲) دانش کاویخت گرد آفرید
 (۳) ز کس جز خداوندشان بیم نیست
 (۴) می نمود آن مرغ را هر گون شگفت
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۹- نقش واژه‌های مشخص شده در همه گزینه‌ها به جز گزینه به ترتیب، درست آمده است.

- (۱) فکر شنبه، تلخی دارد جمعه اطفال را
 (۲) ما گوشه‌نشینان چمن‌آرای خیالیم
 (۳) تشنه آغوش دریا را تن‌آسانی بلاست
 (۴) قیاس کن که دلیم را چه تیر عشق رسید

۱۰- در کدام گزینه به اجزای اصلی جمله زیر اشاره شده است؟

«پژوهشگران و تحلیل‌گران حوزه‌ی ادبیات پس از بررسی و بازخوانی متون کهن، تحلیل تطبیقی افسانه‌ها را مهمترین و مناسب‌ترین راه برای رسیدن به معانی پنهان اجتماعی آن‌ها می‌دانند.»

- (۱) چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم
 (۲) سه جزئی گذرا به مفعول
 (۳) چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند
 (۴) سه جزئی گذرا به متمم

۱۱- عبارت «مدایح انوری، نمونه‌های بارز مبالغات دور از منطق و در عین حال حاوی مضامین غرور انگیز ستایشی محسوب می‌شوند.» چند جزئی است؟

- (۱) سه جزئی گذرا به مسند
 (۲) سه جزئی گذرا به مفعول
 (۳) چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند
 (۴) چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

۱۲- عبارت «ابیات دیوان بیدل دهلوی در مقایسه با سایر شاعران فارسی‌زبان پیچیده و معماگونه‌اند.» از جهت اجزای اصلی آن، با کدام عبارت هماهنگ است؟

(۱) شرح و تحلیل‌های پژوهشگران، خواندن متون ادبی را ساده‌تر کرده است.

(۲) در آثار گذشته‌ی ادب فارسی، ادبیات تعلیمی، نام‌های دیگری چون حکمت، وعظ و تعلیم داشته است.

(۳) تنوع و گونه‌گونی در ادبیات داستانی گذشته‌ی ما چشم‌گیر و چشم‌نواز است.

(۴) عده‌ای یوهان ولفگانگ گوته را برجسته‌ترین چهره‌ی ادبیات غرب دانسته‌اند.

۱۳- عبارت زیر از جهت اجزای اصلی آن با کدام عبارت هماهنگ است؟

«خداوند با ذکر قصه‌ی پیامبران و حفظ نام نیکوکاران، خود را دوست‌دار محسنین و تحقیرکننده‌ی منافقین می‌داند.»

(۱) این مایه شفقت و مهربانی و خاکساری، دوستان و دشمنان او را در حق وی به اعجاب و تسلیم وا می‌داشت.

(۲) آثاری با ماهیت داستانی و تخیلی، چون قصه‌ها، رمان و انواع وابسته به آن را ادبیات داستانی می‌گویند.

(۳) بنا بر تحقیقات روشن، ترجمه در سنت گذشته و حال ما همیشه به عنوان یک رکن اساسی، نقش مهمی داشته است.

(۴) ادبیات داستانی، ما را در بازشناخت ادب و فرهنگ ایرانی و تأثیرپذیری آن از فرهنگ اروپایی در سده‌ی اخیر یاری خواهد کرد.

درس دوم: حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی

در زبان ادبی بنا بر دلایلی مانند پرهیز از تکرار یا بلاغت کلام، قسمتی از جمله، مخصوصاً فعل را نمی‌آورند و حذف می‌کنند، به این کارکرد «حذف به قرینه» می‌گویند. این حذف‌ها دو نوع‌اند:

۱- حذف به قرینه لفظی: هرگاه واژه یا واژگان حذف شده از جمله در جمله قبل یا بعد یا در کلام وجود داشته باشد.

مَنْتَ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

(به شکر اندرش مزید نعمت است)، «است» از جمله دوم حذف شده است و چون آن لفظ در جمله‌ی قبل وجود دارد، حذف به قرینه لفظی می‌گویند.

بفرمود گنجینه‌ی گوهرش فشانند در پای و زر بر سرش

(زر بر سرش فشانند)، «فشانند» از پایان آن حذف شده است و چون در جمله قبل لفظ «فشانند» وجود دارد، حذف به قرینه لفظی است.

از مقام تا ثریا هم‌چنان کز ثریا تا ثری فرق است و بین

از مقام تو تا ثریا همان قدر تفاوت است که از ثریا (پروین) تا ثری (خاک) فرق است و بین (تفاوت) است. «است» از جمله آخر حذف شده است.

گرفتار کمند خوبرویان نه از مدحش خبر باشد نه از دَم

کسی که گرفتار کمند خوبرویان شده است، نه از مدح کردنش با خبر است، نه از دَم و نکوهش کردنش با خبر است.

***توجه:** در واقع هر نقشی ممکن است حذف شود ولی غالباً منظور از حذف در کنکور، حذف فعل یا قسمتی از جمله است که فعل در آن باشد. در مثال زیر حذف فعل وجود ندارد ولی نهاد محذوف است.

گویند مگو سعدی، چندین سخن از عشقش

آن‌ها می‌گویند... «آن‌ها» نهاد است که حذف شده است ولی کنکور معمولاً این حذف را در نظر نمی‌گیرد.

۲- حذف به قرینه معنوی: هرگاه واژه یا واژگان حذف شده در کلام وجود نداشته باشد.

من آبروی نخواهم ز بهر نان دادن که پیش طایفه‌ای مرگ به که بیماری

برای که پیش طایفه‌ای مرگ از بیماری بهتر است. «است» از جمله حذف شده است و چون در کلام وجود ندارد و از راه معنی به آن پی می‌بریم، آن را حذف به قرینه معنوی می‌گویند.

نه هر چه به قامت مهتر، به قیمت بهتر.

فعل «است» از هر دو جمله عبارت فوق حذف شده است و چون در کلام وجود ندارد حذف به قرینه معنوی است.

نه هر چه به قامت مهتر است، به قیمت بهتر است!

***نکته:** فعل اسنادی، مخصوصاً «است»، در بسیاری از موارد، به قرینه حذف می‌شود. (هم به قرینه لفظی هم معنوی)
رسید ناله سعدی به هر که در آفاق
هم آتشی زده‌ای تا نفیر می‌آید
فعل «اسنادی» از پایان مصراع اول حذف شده است. رسید ناله سعدی به هر که در آفاق بود یا است.

***نکته مهم:** بعد از کلمات تفضیل (بهتر، به، که، داناتر، اعلم، افضل و...) معمولاً فعل اسنادی حذف می‌شود.

آن به که نظر باشد و گفتار نباشد (آن بهتر است که نظر باشد ولی گفتار نباشد)

الهی آن ده که آن به. (الهی آن چیز را عطا کن که آن بهتر است)

ای دوست شکر بهتر یا آن که شکر سازد؟ (ای دوست شکر بهتر است یا آنکه شکر را ساخته است بهتر است؟)

***نکته:** بعد از حروف قسم مانند «به» (به جان تو، به خدا و ...) اغلب فعل «قسم می‌خورم» به قرینه معنوی حذف می‌شود.

بی دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر
چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را

به دوستی‌ای که با تو دارم قسم می‌خورم که از دست تو ضربت شمشیر را آن چنان می‌خورم که حلوا می‌خورم.

بی جان دوست که غم پرده بر شما ندرد
گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید

به جان دوست قسم می‌خورم که غم آزارتان نمی‌دهد اگر به الطاف کارساز خداوند اعتماد کنید.

***نکته:** بعد از هر منادایی یک فعل محذوف به قرینه معنوی باید در نظر بگیریم.

حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج
فکر معقول بفرما گل بی‌خار کجاست

سعدی به روزگاران، مهری نشسته در دل
بیرون نمی‌توان کرد، الا به روزگاران

***توجه:** دقت داشته باشید که به ازای هر منادا حتماً باید حذف فعل به قرینه معنوی در نظر بگیرید، حتی اگر فعلی در کنار منادا باشد.

بده ساقی می‌باقی که در جنت نخواهی یافت
کنار آب رکناباد و گلگشت مصلا را

***نکته:** بعد از «به نام» به احتمال زیاد حذف به قرینه معنوی وجود دارد و عبارت «شروع می‌کنم» حذف شده است.

به نام خداوند جان‌آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین

به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها

***نکته:** بعد از عباراتی مانند: «بلند آن که»، «نژند آن که» معمولاً فعل اسنادی «است»، به قرینه معنوی حذف می‌شود.

بلند آن سر که او خواهد بلندش
نژند آن دل که او خواهد نژندش

***توجه:** در این ساختار ممکن فعل بیاید و حذف فعل نداشته باشیم.

دوست آن باشد که گیرد دست دوست
در پریشان‌حالی و درماندگی

***نکته:** بعد از عباراتی مانند: «معلم فقط»، «رانده فقط» معمولاً فعل اسنادی «است» حذف می‌شود و حذف

به قرینه معنوی داریم.

***نکته:** بعد از کلماتی مانند «ساکت، کافی و ...» معمولاً حذف به قرینه‌ی معنوی وجود دارد.

***نکته:** فعل عبارات پرسشی مانند «از مسافرت چه خبر؟»، معمولاً به قرینه‌ی معنوی حذف می‌شود.

۱۴- در کدام گزینه نوع حذف (از نظر قرینه لفظی و معنوی) با گزینه‌های دیگر فرق دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| (۱) به حقّ صحبت دیرین که هیچ محرم راز | به یار یک‌جهت حق‌گزار ما نرسد |
| (۲) می‌خور که صد گناه ز اغیار در حجاب | بہتر ز طاعتی که به روی و ریا کنند |
| (۳) هوا مسیح‌نفس گشت و باد نافه‌گشای | درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد |
| (۴) جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز | باطل در این خیال که اکسیر می‌کنند |

۱۵- در کدام گزینه حذف به قرینه معنوی وجود ندارد؟

- | | |
|---|------------------------------------|
| (۱) به وفای تو که خاک ره آن یار عزیز | بی‌غباری که پدید آید از اغیار بیار |
| (۲) مر او را رسد کبریا و منی | که ملکش قدیم است و ذاتش غنی |
| (۳) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب | ز هم رد نمودند هفتاد حرب |
| (۴) گفتم ز لعل نوش‌لبان، پیر را چه سود؟ | گفتا به بوسه‌ی شکرینش جوان کنند |

۱۶- در کدام گزینه حذف به قرینه معنوی می‌بینید؟

- | | |
|----------------------------------|------------------------------|
| (۱) چنین نقل دارم ز مردان راه | فقیران منعم، گدایان شاه |
| (۲) که پیری به در یوزه شد بامداد | در مسجدی دید و آواز داد |
| (۳) یکی گفتش این خانه‌ی خلق نیست | که چیزی دهند، به شوخی، مایست |
| (۴) بگفتا خموش، این چه لفظ خطاست | خداوند خانه، خداوند ماست |

۱۷- در کدام بیت حذف به قرینه لفظی وجود دارد؟

- | | |
|--|--|
| (۱) اگر آن ترک شیرازی، به دست آرد دل ما را | به خال هندویش بخشم، سمرقند و بخارا را |
| (۲) من از آن حُسن روزافزون که یوسف داشت دانستم | که عشق از پرده‌ی عصمت برون آرد زلیخا را |
| (۳) اگر دشنام فرمایی و گر نفرین دعا گویم | جواب تلخ می‌زبید لب لعل شکرخا را |
| (۴) حدیث از مطرب و می‌گو و راز دهر کم‌تر جو | که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را |

زمان افعال

زمان افعال به سه حالت؛ گذشته (ماضی)، حال (مضارع) و آینده (مستقبل) تقسیم می‌شود که هر کدام بنا به کاربرد چند نوع می‌باشند.

بن ماضی + شناسه‌ها	مجهول سوم شخص مفرد	منفی سوم شخص مفرد	فعل کمکی
ماضی ساده پوشیدم، پوشیدی، پوشید، پوشیدیم، پوشیدید، پوشیدند	پوشیده شد	نپوشید	ندارد
می + ماضی ساده می‌پوشیدم، می‌پوشیدی، می‌پوشید، می‌پوشیدیم، می‌پوشیدید، می‌پوشیدند	پوشیده می‌شد	نمی‌پوشید	ندارد
صفت مفعولی + بودم، بودی، بود و ... پوشیده بودم، پوشیده بودی، پوشیده بود، پوشیده بودیم، پوشیده بودید، پوشیده بودند	پوشیده شده بود	نپوشیده بود	بودم بودی بود بودیم بودید بودند
صفت مفعولی + ام، ای، است، ایم، اید، اند پوشیده‌ام، پوشیده‌ای، پوشیده‌است (پوشیده) پوشیده‌ایم، پوشیده‌اید، پوشیده‌اند	پوشیده شده است	نپوشیده‌است	ام ای است ایم اید اند
صفت مفعولی + باشم، باشی، باشد و ... پوشیده باشم، پوشیده باشی، پوشیده باشد، پوشیده باشیم، پوشیده باشید، پوشیده باشند	پوشیده شده باشد	نپوشیده باشد	باشم باشی باشد باشیم باشید باشند
داشتم، داشتی، داشت و ... + ماضی استمراری داشتم می‌پوشیدم، داشتی می‌پوشیدی، داشت می‌پوشید داشتیم می‌پوشیدیم، داشتید می‌پوشیدید، داشتند می‌پوشیدند	داشت پوشیده می‌شد	نمی‌پوشید	داشتم داشتی داشت داشتید داشتند
می + بن مضارع + شناسه‌ها می‌پوشم، می‌پوشی، می‌پوشد، می‌پوشید، می‌پوشیدم، می‌پوشیدید، می‌پوشند	پوشیده می‌شود	نمی‌پوشد	-
ب + مضارع ساده پوشم، پوشی، پوشد، پوشید، پوشیدم، پوشیدید، پوشند	پوشیده بشود	نپوشد	-
دارم، داری، دارد، داریم، دارید، دارند + مضارع اخباری دارم می‌پوشم، داری می‌پوشی، دارد می‌پوشد داریم می‌پوشیم، دارید می‌پوشید، دارند می‌پوشند	دارد پوشیده می‌شود	نمی‌پوشد	دارم داری دارد داریم دارید دارند
خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهید، خواهند + ماضی ساده خواهم پوشید، خواهی پوشید، خواهد پوشید خواهیم پوشید، خواهید پوشید، خواهند پوشید	پوشیده خواهد شد	نخواهد پوشید	خواهم خواهی خواهد خواهیم خواهید خواهند

*چند نکته مهم

- ۱- در افعالی که بن ماضی آن‌ها از «بن مضارع + ید» ساخته می‌شوند، دوم شخص جمع مضارع اخباری و سوم شخص مفرد ماضی استمراری یکسان است.
- ۲- دوم شخص جمع مضارع التزامی و فعل امر جمع نیز یکسان هستند.
- ۳- سوم شخص ماضی مفرد، شناسه ندارد.
- ۴- مضارع اخباری و التزامی گاه بدون «می» و «ب» می‌آید. گویند = می‌گویند / روم = بروم
- ۵- فعل را در جمله خوب بررسی کنیم. ممکن است فعل مضارع اخباری در ظاهر مضارع التزامی بیاید و یا برعکس. اگر روم ز پی‌آش فتنه‌ها برانگیزد (روم = بروم؛ مضارع التزامی / برانگیزد = بر می‌انگیزد؛ مضارع اخباری)

۱۸- کدام فعل مشخص شده مضارع اخباری است؟

- (۱) جانم ار مالــــک غم‌های محبّت گردد
 - (۲) فروغ ماه می‌دیدم ز بام قصــــر او روشن
 - (۳) شکر خدا کهه باز در این اوج بارگاه
 - (۴) شاه‌ا اگر به عرش رسانم سریر فصل
- من گدا گردهم و نامش به دلالت برود (گردد)
 که رو از شرم آن خورشید در دیوار می‌آورد (می‌آورد)
 طاووس عرش می‌شنود صیت شهپر (می‌شنود)
 مملوک این جنابم و مسکین این درم (رسانم)

۱۹- زمان هر یک از فعل‌های مشخص شده در ابیات زیر در کدام گزینه به ترتیب درست آمده است؟

- تا درد و ورم فرونشینند کافور بر آن ضما کردند
 پنهان مکن آتشش درون را زین سوخته جان شنو یکی پند
 گر آتش دل نهفته داری سوزد جانّت به جانت سوگند

- (۱) ماضی ساده - ماضی ساده - نهی - امر - مضارع اخباری
- (۲) مضارع التزامی - ماضی ساده - نهی - امر - مضارع اخباری
- (۳) ماضی ساده - ماضی مطلق - نهی - امر - مضارع التزامی
- (۴) مضارع التزامی - ماضی مطلق - امر - نهی - ماضی التزامی

۲۰- در کدام گزینه فعل ماضی نقلی وجود دارد؟

- (۱) یک کــــربلا شکوه به چشمت نهفته است
 - (۲) گفت «از بهر غرامت جامه‌ات بیرون کنم»
 - (۳) این شکر چون کنیم که هر ذره خاک ما
 - (۴) به حرف عشق دلِ داغدار من زنده است
- ای روضه مجسم گودال قتلگاه
 گفت «پوسیده است جز نقشی ز پود و تار نیست»
 از داغ عشق، رنگ سویدا گرفته است
 که آتش، آب حیات است جانِ سوخته را

۲۱- کدام بیت فعل ماضی نقلی سوم شخص مفرد، دارد؟

- (۱) پاس صحبت‌داشتن آسایش از من برده بود
 - (۲) گفت آن کاین دم پذیرد کی بمیرد جان او؟
 - (۳) به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند
 - (۴) با چنین حیرتم از دست بشد صرفه کار
- زیر دامن خموشم رفتم، آسودم چو شمع
 با خدا باقی بود آن کز خدا مست آمده‌است
 چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را
 در غم افزوده‌ام آنچ از دل و جان کاسته‌ام

۲۲- در کدام بیت، شخص و شمار فعل در بخش مشخص شده، با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) گفتی ام درد تو عشق است و دوا نتوان کرد
 - (۲) خون ریختی ام ناحق و پرسی که مبادا
 - (۳) شده‌ام چو هاتف بینوا به بلای هجر تو مبتلا
 - (۴) قتلیل تیغ تو خواهیم گشت تا در حشر
- دردم از توسست دوا از تو چرا نتوان کرد؟
 دامن تو گیرند به این خون و نه و هرگز
 نرسد بلا به تو دلربا گر از این بلا برهانی ام
 بدین بهانه بگیریم دامن قاتل

درس سوم: گروه اسمی و وابسته‌های پیشین و پسین

به نهاد و مفعول جمله‌های زیر دقت کنید:

معلم	کتاب	را	آورد.	آن	معلم	دانا	دو	کتاب	خوب	آورد.
نهاد	مفعول			گروه نهادی	گروه مفعولی					

نهاد، مفعول و بعضی از نقش‌های دیگر می‌توانند، بیش از یک واژه باشند که به آن‌ها گروه نهادی، گروه مفعولی و... می‌گوئیم. هر یک از این گروه‌ها، یک «گروه اسمی» هستند. گروه اسمی، از یک اسم که هسته‌ی گروه محسوب می‌شود و یک یا چند وابسته

پیشین و پسین ساخته می‌شود. برای شناخت گروه اسمی باید وابسته‌های پیشین و پسین را بیاموزیم.

وابسته‌های پیشین: این وابسته‌ها پیش از هسته می‌آیند که ۶ مورد آن صفت و ۱ مورد شاخص است.

ردیف	صفت	مثال
۱	صفت اشاره	آن معلم آمد.
۲	صفت شمارشی اصلی و ترتیبی با -مین	دو معلم آمدند. دومین معلم آمد.
۳	صفت پرسشی	کدام معلم آمد؟
۴	صفت عالی	بهترین معلم آمد.
۵	صفت تعجبی	چه معلمی آمد!
۶	صفت مبهم	چند معلم آمدند و ...
۷	شاخص	سرهنگ محمدی آمد.

*چند نکته مهم:

۱- «صفت مبهم» در اصل در جایگاه وابسته پیشین است ولی در جایگاه وابسته پسین نیز قرار می‌گیرد.

ای مشیت زمین بر آسمان شو بر روی بنواز ضربتی چند

۲- این، آن، همین، همان و ... زمانی صفت اشاره محسوب می‌شوند که وابسته‌ی پیشین اسم باشند. اگر تنها و یا به صورت

جمع بیایند، ضمیر اشاره هستند.

صفت اشاره	ضمیر اشاره
من آن مرد را دیدم.	من آن را دیدم، من آنان را دیدم.

۳- «چه» هم می‌تواند صفت پرسشی، هم می‌تواند صفت تعجبی و هم می‌تواند ضمیر پرسشی باشد.

صفت پرسشی	صفت تعجبی	ضمیر پرسشی
چه معلّمی آمد؟	چه معلّمی آمد!	چه می‌خوانی؟

۴- «چند» هم می‌تواند صفت پرسشی و هم می‌تواند صفت مبهم باشد.

صفت پرسشی	صفت مبهم
چند معلّم آمد؟	چند معلّم آمدند و به مدرسه رفتند.

۵- «دگر» یا «دیگر» صفت مبهم پسین است که در گذشته به صورت پیشین نیز به کار می‌رفته است. دگر روز باز اتفاق افتاد (روز دیگر...)

۶- «دگر، دیگر» اگر به صورت تنها بیاید، صفت مبهم نمی‌شود و «ضمیر مبهم» است که معمولاً نقش قیدی می‌گیرد. رستم با تاسف می‌بیند که دیگر از این حرف‌ها خبری نیست.

دگر مگوی که من ترک عشق خواهم کرد که قاضی از پس اقرار نشنود انکار

۷- صفت ترتیبی با ساختار «عدد+م» که در اصل صفت پسین است، در گذشته به صورت صفت پیشین نیز به کار می‌رفته است.

دوم روز گروه سواران رسیدند. (روز دوم)

۸- چند نمونه از صفات مبهم: همه، هیچ، یکی، دیگری، دیگر، دگر، قدری، خیلی، اندکی، چند، چندین، چندان، پاره‌ای، برخی، بعضی و...

شاخص: کلماتی مانند «سرهنک، علامه، دکتر، مهندس، شهید، آقا، خانم، دایی، عمو، آیت‌الله، امام، میرزا، سردار و...» که بدون هیچ نقش‌نمایی پیش از هسته می‌آیند. (هسته معمولاً یک شخصیت است)

سرهنک محمدی آمد. دکتر محسنی نسخه‌ها را نوشت.

*نکته بسیار مهم: کلماتی که در نقش شاخص می‌آیند، می‌توانند نقش دیگری بگیرند و شاخص نباشند.

مسند	متمّم	مضاف‌الیه	نهاد
علی دکتر است	نسخه‌ها را از دکتر گرفتم.	لباسِ دکتر مرتّب بود.	دکتر ساعت ۹ به مطب آمد.

برای شاخص محسوب‌شدن کلمات فوق، سه شرط وجود دارد:

۱- تنها نیایند. ۲- پیش از هسته باشند. ۳- نقش‌نمای اضافه «ی یا ی» نداشته باشند.

وابسته‌های پسین: این وابسته‌ها پس از هسته می‌آیند که ۳ مورد آن صفت و ۱ مورد مضاف‌الیه است.

ردیف	صفت	مثال
۱	صفت شمارشی ترتیبی با م	معلم <u>دوم</u> آمد.
۲	صفت تفضیلی	معلم <u>داناتر</u> آمد.
۳	صفت بیانی	معلم <u>مهربان</u> آمد.
۴	مضاف‌الیه	معلم <u>علی</u> آمد. (معلمت آمد. معلم خود ...)

*چند نکته مهم:

۱ - کتاب‌های درسی نظام قدیم، نشانه‌ی جمع و «ی» نکره را وابسته‌ی پسین در نظر گرفته بود، ولی کتاب‌های درسی جدید آن‌ها را «وند» گرفته و جزء وابسته‌ها نیاورده است.

۱ - به جز ضمیر متصل، وابسته‌های پسین با نقش‌نمای اضافه «ی یا یِ» می‌آیند.

۲ - شاخص و مضاف‌الیه از نظر ساختاری اسم هستند (ضمیر نیز مضاف‌الیه می‌شود) و باقی وابسته‌ها صفت می‌باشند.

صفت بیانی: مهم‌ترین وابسته است که در ادامه مفصلاً شرح داده شده است.

صفت بیانی، صفتی است که ویژگی موصوف را مانند: رنگ، اندازه، جنس، زیبایی و... بیان می‌کند و پنج نوع است.

۱- **صفت مطلق یا ساده:** صفتی است که چگونگی و خصوصیات موصوف را بیان می‌کند.

سیاه، بزرگ، نرم، سرد، زشت، خوب، قدبلند، سرسخت، توانمند، خطرناک و ...

***توجه:** منظور از «صفت ساده» در اینجا، صفت ساده از نظر معنایی است و ساختمان صفت مدّ نظر نیست. به همین دلیل،

صفت‌های قد بلند، سرسخت، توانمند و خطرناک در این قسمت آمده‌اند.

۲- **صفت فاعلی:** صفتی که بر «کننده یا انجام دهنده» کار دلالت دارد.

ساختمان و الگو	مثال
بن مضارع + نده	گوینده، پوشنده، دونده، گیرنده
بن مضارع + ا	خوانا، گوارا، پویا، زیبا
بن مضارع + ان	خندان، جوشان، گویان، روان
بن مضارع + گار	آموزگار، پرهیزگار
بن ماضی + ار	خریدار
اسم / بن / صفت + گر	زرگر، توانگر، روشنگر
اسم / صفت + بن مضارع	خداشناس، راستگو

۳- **صفت مفعولی:** معنی مفعولیت دارد.

خورده، پوشیده، جوشیده، رفته	بن ماضی + ه
-----------------------------	-------------

***توجه:** صفت مفعولی در اصل باید از فعل متعددی ساخته شود که مفعول می‌پذیرد. ولی از فعل لازم نیز ساخته می‌شود. رفته، آمده، سوخته، افتاده و ...

۴- **صفت لیاقت:** شایستگی و لیاقت موصوف را می‌رساند. (خوردنی: آنچه که قابلیت و شایستگی خوردن را داشته باشد).

دیدنی، دوختنی، بستنی، سوزاندنی، شکستنی	مصدر + ی
--	----------

۵- **صفت نسبی:** موصوف را به جا، مکان، جنس، نوع و ... نسبت می‌دهد.

آسمانی، تهرانی، نیلوفری، خاکی	اسم + ی
سیمینه، پشمینه	اسم + ینه
سیمین، زرین، بلورین، نگارین	اسم + ین
کودکانه، عارفانه، جاهلانه	اسم + انه
جسمانی، روحانی، ربانی	اسم + انی

***توجه:** اسم منسوب ساختارهای دیگری نیز دارد. بچه‌گانه، جوادیه، بهاره و ...

***نکات بسیار مهم:** یکی از پرتکرارترین سوالات در کنکورهای چند سال آخر، مربوط به وابسته‌های پیشین و پسین یا تعداد

ترکیبات وصفی و اضافی بوده است. برای پاسخ‌گویی به این سوالات باید به نکات زیر توجه کرد:

۱ - یک اسم می‌تواند در آن واحد چندین وابسته پیشین و پسین داشته باشد.

آن	دو	معلم	دلسوز	من
صفت اشاره	صفت شمارشی	هسته	صفت بیانی	مضاف‌الیه

۲ - اولین کلمه‌ای که بعد از آن نقش‌نمای اضافه بیاید هسته است. (البته هسته می‌تواند بدون نقش‌نما باشد: آن مرد آمد).

آن	مرد	مهربان و دلسوز	چه	کتاب	مفید و سودمندی
		هسته		هسته	

۳ - اگر تعداد ترکیبات وصفی را خواستند، هر نوع صفتی ترکیب وصفی می‌سازد. لذا ترکیباتی مانند: آن مرد، هر کتاب، کدام

معلم، دو دانش‌آموز و ... نیز ترکیب وصفی به شمار می‌روند.

۴ - اگر تعداد اضافی وصفی را خواستند، فقط ترکیبات وصفی‌ای را لحاظ می‌کنیم که به صورت ترکیب اضافی بیایند. مانند: مرد دانا، کلاس دوم، خانه‌ی بهتر

۵ - در شمارش ترکیب اضافه، دقت کنیم که «اسم + نقش‌نمای اضافه + اسم» و «اسم + ضمیر» ترکیب اضافی می‌سازد. مانند: دیوار خانه، ماشین من، دوستم، کتاب خود

۶ - اگر چند تا اسم پشت سر هم به هم اضافه شده باشند، اولی مضاف و باقی مضاف‌الیه هستند. لذا به تعداد مضاف‌الیه‌ها، ترکیب اضافی داریم.

ماشین پدر دوستم («پدر، دوست، م»، مضاف‌الیه هستند. پس ۳ ترکیب اضافی به شمار می‌آیند).

۷ - در شمارش تعداد ترکیب اضافه و وصفی، به «واو عطف» دقت کنید و کلمه‌های معطوف را نیز بشمارید.

مرد دانا و مهربان (۲ ترکیب وصفی)، معلم من و علی (۲ ترکیب اضافی)

۸ - در نکته قبلی، «ویرگول» نیز گاه به جای واو عطف می‌آید. لذا در شمارش ترکیب‌ها به آن دقت کنیم.

معلم دانا، مهربان، دلسوز و فداکار: چهار ترکیب وصفی است: معلم دانا، معلم مهربان، معلم دلسوز و معلم فداکار

معلم علی، رضا، حسین و مجید: چهار ترکیب اضافی است: معلم علی، معلم رضا، معلم حسین و معلم مجید

۹ - یک کلمه ممکن است هم صفت داشته باشد و هم مضاف‌الیه ← پدر مهربان من: «پدر مهربان» و «پدر من»

یک کلمه ممکن است دو صفت داشته باشد ← پدر مهربان و دل‌سوز: «پدر مهربان» و «پدر دل‌سوز»

یک کلمه ممکن است دو صفت متوالی داشته باشد ← پدر خوب فداکار: «پدر خوب» و «پدر فداکار»

۱۰ - «صفت» اگر «ی» بگیرد به «اسم» تبدیل می‌شود. لذا ترکیب وصفی را به ترکیب اضافی تبدیل می‌کند.

خانه‌ی نیکوکار ← ترکیب وصفی خانه نیکوکاری ← ترکیب اضافی

۱۱ - «تعداد ترکیب وصفی و اضافی» یک مبحث نحوی است. یعنی باید به نقش‌ها توجه کنیم نه ساختمان واژه. لذا اگر کلمه‌ای، ساختمان «صفت» داشته باشد ولی نقش مضاف‌الیه بگیرد، ترکیب اضافی خواهیم داشت. در ترکیب «صدای گوینده»، واژه‌ی «گوینده» در اصل صفت فاعلی است، ولی کاربرد اسمی پیدا کرده، بنابراین «مضاف‌الیه» می‌شود و ترکیب مجموعاً «ترکیب اضافی» می‌باشد.

۱۲ - صفت اگر نشانه جمع بگیرد، به اسم تبدیل می‌شود و ترکیب اضافی می‌سازد. ← حرفِ خوبان، آثارِ بزرگان

۱۳ - گاه پیش می‌آید که یک «صفت پیشین» در جایگاه «وابسته پسین» می‌آید و یا یک «وابسته پسین» در جایگاه پیشین می‌آید، در این مواقع پیشین و پسین بودن را طبق جایگاهی که می‌بینیم، در نظر می‌گیریم. مثلاً «چند» صفت مبهم وابسته پیشین است ولی در ترکیب «ضربتی چند» در جایگاه وابسته پسین آمده است و ما نیز وابسته پسین محسوب می‌کنیم.

ای مشیت زمین بر آسمان شو بر وی بنواز ضربتی چند

در بیت زیر نیز «روزی سه چار» در اصل «سه چهار روز» بوده است.

در پی‌آش القصّه در آن مرغزار رفت بر این قاعده روزی سه چار

۲۳ - ساختار گروه اسمی در کدام گزینه، متفاوت است؟

- (۱) پیشانی بلند تو
(۲) دست‌مایه شادی کودکانه
(۳) نگاه دقیقم
(۴) خانه رؤیایی من

۲۴ - در کدام گزینه از وابسته پیشین صفت پرسشی استفاده نشده است؟

- (۱) کدام وام‌دارترید؟
(۲) تو را در کدام نقطه باید به پایان برد؟
(۳) از کدام باده مهر مست بودی؟
(۴) چه کتابی خریدی؟

۲۵ - در عبارت‌های زیر، چند ترکیب وصفی وجود دارد؟

- «دریای آسمان کبودتر و عمیق‌تر از هر شب دیگر به نظر می‌رسید و ستارگان درخشان‌تر ولی دورتر. نور فوسفری ماه، از پشت به تکه‌های ابر تابیده بود و به حجم آن‌ها سایه‌روشن‌های خیال‌انگیزی بخشیده بود.»
(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۲۶ - در متن زیر چند مضاف‌الیه وجود دارد؟

- «معلم نقاشی مرا خبرسازید که شاگرد وفادار حقیرت، هر جا به کار صورتگری درمی‌ماند، چاره درماندگی به شیوه معلم خود می‌کند»
(۱) پنج (۲) چهار (۳) هفت (۴) شش

۲۷ - تعداد ترکیب وصفی و اضافی کدام بیت به ترتیب، در مقابل آن درست است؟

- (۱) ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید
(۲) چه لانه‌ای و چه قصری، اساس خانه یکی است
(۳) تا حواسم نشود صرف به این بی‌خردان
(۴) برخیز تا به پای شود روز رستخیز
هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند (دو - یک)
به شهر کوچک خود، مور هم سلیمانی است (چهار - دو)
می‌برم آرزوی پنجه غارتگر خویش (دو - دو)
وانگه ببین شهید غمت در چه حالت است (یک - سه)

۲۸ - در متن «بهار، فصل خوش و معتدل بود. درخت‌ها شکوفه می‌کرد. ده از سکوت سنگین زمستانی خود بیرون می‌آمد. یک درخت به در باغچه ما بود و چیدن و خوردن شکوفه به یکی از سرگرمی‌های من بود.» به ترتیب، چند «ترکیب وصفی» و «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

- (۱) شش، هشت (۲) شش، هفت (۳) پنج، هفت (۴) پنج، هشت

۲۹ - در همه گزینه‌ها به جز گزینه صفت مبهم در دو جایگاه وابسته پیشین و پسین به کار رفته است.

- (۱) هیچ کس را سر پای نبرد ایام که ما
(۲) ای ذکر تو را در دل، هر دم اثری دیگر
(۳) حالیا در ره رندی قدمی چند ز نیم
(۴) هر روز دلم به زیر باری دگر است
پشت دستی نگزیدیم به دندانان چند
وی از تو به ملک جان، دارم خبری دیگر
این ره از نیک نباشد ره دیگر گیریم
در دیده من ز هجر خاری دگر است

۳۰- در متن «عادت کرده بود که همه چیز را گذران و همه احوال عالم را در معرض تبدل تلقی می‌کرد؛ لذا از هیچ پیشامد جالبی زیاده اظهار شادمانی نمی‌کرد و از هیچ حادثه سوئی هم به شکوه در نمی‌آمد. وقتی یک تن از یاران را غمناک دید، گفت که در دنیا همه دل‌تنگی‌ها از دل‌نهادگی بر این عالم است.» چند ترکیب وصفی یافت می‌شود؟

(۱) هشت (۲) نه (۳) ده (۴) یازده

۳۱- در متن زیر به ترتیب، چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟
«ادبیات تطبیقی، یکی از شاخه‌های مهم علوم ادبی معاصر است که ما را از تأثیرپذیری ادبیات ملت‌های مختلف جهان آگاه می‌سازد. تکامل و شکوفایی ادبیات هر ملت به دور از اندیشه‌های ادبی دیگر ملت‌ها، ناممکن است.»

(۱) هفت، هفت (۲) هفت، نه (۳) هشت، هشت (۴) هشت، نه

۳۲- ترکیبات کدام گزینه تماماً از نوع اضافی است؟

(۱) آخـــــر ای گلبن نورسته بستان جهان
(۲) دردا کـــــــــــــه بیختمیم در این سوز نهانی
(۳) دستِ صفا دهیم به معمار عدل و داد
(۴) ای مــــــــششتِ زمین بر آسمان شو

پرده بگشای که ما بلبل گلزار توایم
وان را خبر از آتش ما نیست که خام است
پا بر سر عوالم جور و ستم زنیم
بر وی بنواز ضربتی چند

۳۳- در متن زیر به ترتیب، چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی یافت می‌شود؟
«نمی‌دانم چه بگویم، حاجی از عاملان بزرگ و قدیمی تخریب است؛ حرفی نمی‌توانم بزنم اما این کاری که از ما می‌خواهد درست مثل این است که بخواهیم با یک کاسه ماست، با آب یک دریاچه، دوغ درست کنیم.»

(۱) چهار- چهار (۲) پنج- سه (۳) چهار- سه (۴) چهار- دو

۳۴- در عبارت زیر چند وابسته پسین به کار رفته است؟

«عطّار نیشابوری، از برجسته‌ترین شاعران زبان فارسی است که به درجه والایی از کمال معرفت دست یافت و آنچه را سنایی در آغاز کار از سرمایه‌های عرفانی به عرصه شعر فارسی وارد کرد با هنرمندی به کمال نسبی نزدیک ساخت»

(۱) یازده (۲) دوازده (۳) سیزده (۴) چهارده

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.
همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

درس چهارم: درس آزاد

درس پنجم: تفاوت معنایی یک فعل

به معنای فعل جمله‌های زیر دقت کنید:

علی طناب را گرفت.	علی مطلب را گرفت.
باران گرفت.	علی چشمش این لباس را گرفت.
بعد از دو ساعت، ماست گرفت.	علی آتش گرفت.
علی پایش گرفت.	علی ماست از مغازه گرفت.
خانه آتش گرفت.	ماه گرفت.

همان‌طور که می‌بینید فعل «گرفت» در هر جمله معنای متفاوتی دارد. در واقع یک کلمه (مخصوصاً فعل)، در محور افقی و در هم‌نشینی با کلمات دیگر، معنای متفاوتی می‌تواند داشته باشد.

معنای اصلی فعل «ساختن» سازندگی و ساختن چیزی است. ولی در ابیات زیر این فعل در معنای «سازگاری و مدارا کردن» به کار رفته است.

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم
مه نور از آن گرفت کز شب نرمید گل بوی از آن یافت که با خار بساخت
بی‌یار نماند هر که با یار بساخت مفلس نشد آن که با خریدار بساخت
در بیت زیر نیز فعل «نمانم» در معنای «باقی نگذارم» آمده است.

گر این پرسش از من بماند نهان نمانم تو را زنده اندر جهان

***نکته بسیار مهم:** توجه به معنای افعال در تشخیص نقش کلمات بسیار موثر است. (و برعکس)

همچنین بعضی از افعال در گذشته معنایی داشته‌اند که امروزه در این معنا به کار نمی‌روند. مثلاً «شد» در ابیات زیر فعل اسنادی نیست و فعل لازم در معنای «رفتن، گذاشتن و سپری‌شدن» است.

بشد تیز رهام با خود و گبر همی گرد رزم اندر آمد به ابر
که راست سایه در این فتنه‌ها امید امان؟ شد آن زمان که دلی بود در امان امید
منزل حافظ کنون، بارگه پادشاست دل بر دلداری رفت، جان بر جانانه شد

یا فعل «**گشت**» در گذشته به معنای «**خاموش کرد**» نیز به کار می‌رفته است.

بادی که در زمانه بسی شمع‌ها **بگشت** هم بر چراغدان شما نیز بگذرد
شمع را باید از این خانه به در بردن و **گشتن** تا به همسایه نگویید که تو در خانه مایی
عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را دزد دانا **می‌کشد** اوّل چراغ خانه را

***نکته بسیار مهم:** در تشخیص فعل اسنادی، باید به معنای آن‌ها توجه کنیم. افعال زیر با توجه به معنایشان **اسنادی نیستند**.

فعل	معنی	مثال
هست	وجود داشتن / وجود نداشتن حضور داشتن / حضور نداشتن	در خانه آب هست / هیچ میوه‌ای در یخچال نیست. علی در جبهه است / علی در مدرسه نیست.
شد	رفتن / گذشتن و سپری شدن	رهام به نبرد شد / شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند
بود	وجود داشتن / وجود نداشتن حضور داشتن / حضور نداشتن	در کشور آزادی بود / در روستا امکانات نبود. ما در جنگ بودیم / ما در خانه نبودیم.
گشت / گردید	چرخیدن جستجو کردن	علی دور خیابان گشت، گردید علی همه جا را به دنبال او گشت، گردید

غیر از فعل نیز بعضی واژگان معانی متفاوتی داشتند که امروزه در آن معانی چندان کاربرد ندارند که این مبحث در بخش تحول معنایی (درس هشتم) درس داده شد.

در بُن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی **همسری** (برابری، یکسانی)
راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله (درست، دقیق)

۳۵- در ابیات کدام گزینه، فعل «شد» در معنای غیر اسنادی به کار رفته است؟

(الف) چو شد زهر عادت مضرت نبخشد
(ب) دانه که سرم روزی، در پای تو خواهد شد
(ج) دی شد و بهمن گذشت، فصل بهاران رسید
(د) شد آن زمان که به شمشیر کار باید کرد
(ه) شد آسمان ز کرده پشیمان در این عمل

(۱) الف، د، ه (۲) ب، ج، د (۳) ب، ج، ه (۴) ج، د، الف

۳۶- ردیف در تمام گزینه‌ها فعل اسنادی است به جز گزینه ی

(۱) گفت: ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست
(۲) گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست
(۳) گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست
(۴) گفت: والی از کجا در خانه خمّار نیست؟

۳۷ - معنی مصدر «کشتن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) پس بگفتندش که آوردیم اسیر
- (۲) کار دگر از صبا نیامد
- (۳) کافر است این نفس نافرمان چنین
- (۴) خون مریز و دست از این کشتن بدار

۳۸ - معنا واژه «بوم» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب
- (۲) چو ایران نباشد تن من مباد
- (۳) چنین داد پاسخ که یک روزگار
- (۴) نمائیم کین بوم ویران کنند

۳۹ - در کدام بیت از مصدر «ساختن» در معنای «قصد کاری کردن» استفاده شده است؟

- (۱) بساز ای مطرب خوش‌خوان خوشگو
- (۲) جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع
- (۳) از آن پس بسازید سه‌رَب را
- (۴) چه سازیم و این را چه درمان کنیم

درس ششم: نقش ضمیر پیوسته و جهش ضمیر یا جا به جایی ضمیر

***توجه:** این جزوه بر مبنای فارسی دهم چاپ ۹۸ و ۹۹ و ۱۴۰۰ و فارسی یازدهم چاپ ۹۹ و ۱۴۰۰ و فارسی دوازدهم چاپ ۱۴۰۰

تالیف شده است. در این کتاب‌ها، اصطلاح جهش ضمیر یا پرش ضمیر نیامده است ولی نقش ضمیر متصل مطرح شده است.

ضمائر «م، ت، ش، مان، تان، شان» را ضمائر متصل می‌گویند. در فارسی معیار امروزی، این ضمائر **مضاف‌الیه** کلمه‌ای هستند که به آن چسبیده‌اند. اگر این ضمائر حالتی غیر از این داشته باشند (یعنی نقش متمم یا مفعول بگیرند یا مضاف‌الیه باشند اما مضاف‌الیه کلمه‌ای که به آن چسبیده‌اند، نباشند) اصطلاحاً می‌گوییم **جهش ضمیر** رخ داده است. با توجه به درسنامه کتاب‌های درسی تالیف جدید آنچه که بیشتر اهمیت دارد **نقش ضمیر متصل** است و بحث جهش ضمیر اهمیت ندارد. به مثال‌های زیر و نقش ضمیر متصل توجه کنید.

دیدمش خرم و خندان قدح باده به دست و اندر آن آینه صد گونه تماشا می‌کرد

دیدمش: او را دیدم. (ش ؛ او را = مفعول)

گفتمش در عین وصل این ناله و فریاد چیست؟ گفت ما را جلوه‌ی معشوق در این کار کرد

گفتمش: به او گفتم. (ش ؛ به او = متمم)

جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت

تنم از واسطه‌ی دوری دلبر بگداخت

تنم از ... (تن من از ... = مضاف‌الیه)

***توجه:** این ضمائر در فارسی امروزی و معیار غالباً به اسم می‌چسبند و نقش مضاف‌الیه همان اسم می‌شوند. مانند: کتابم؛ کتاب من. اما در متون کلاسیک ما این ضمائر هم به کلماتی غیر از اسم می‌چسبیدند و هم نقش‌های متفاوتی (مفعول، متمم، مضاف‌الیه) می‌گرفتند. در کتاب‌های چاپ ۹۸ به بعد تشخیص نقش این ضمیر در جمله مهم است و موضوع جهش یا پرش ضمیر اهمیت ندارد.

***توجه:** برای تشخیص نقش ضمیر متصل بهتر است شعر یا عبارت را به نثر امروزی و معیار باز گردانیم.

مبادا خالیّت شگر ز منقار

الا ای طوطی گویای اسرار

مبادا منقارت از شکر خالی باشد. (مضاف‌الیه)

قرآن ز بر بخوانی، در چهارده روایت

عشق رسد به فریاد، از خود به سان حافظ

عشق به فریادت می‌رسد اگر ... (مضاف‌الیه)

به خواری کشیدش به روی زمی

به خشم اندرون شد از آن زن غمی

به خواری او را به روی زمین کشید. (مفعول)

آه از آن روز که باد گل رعنا ببرد

باغبانان ز خزان بی‌خبرت می‌بینم

ای باغبان تو را از ستم خزان بی‌خبر می‌بینم (مفعول). آه از روزی که باد، گل رعنا را ببرد. (مضاف‌الیه)

روان و دلم تازه شد زین خروش

خروشدن رخشم آمد به گوش

خروشدن رخس به گوشم آمد. (مضاف‌الیه) روان و دل من از این خروش تازه شد. (مضاف‌الیه)

نبندد مرا دست، چرخ بلند

که گفت برو دست رستم ببند

چه کسی به تو گفت برو... (متمم)

گم گشت در تو هر دو جهان از که جویمت؟

ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟

نشان تو را از چه کسی بجویم؟ (مضاف‌الیه). تو را از چه کسی بجویم؟ (مفعول)

کوشش بسیار نامد سودمند

عشق او باز اندر آوردم به بند

عشق او، باز من را به بند در آورد. (مفعول)

بگویی مرا تا زهی گر کمان

دل روشنم بر تو شد بدگمان

دل روشن من بر تو بدگمان شد. (مضاف‌الیه)

***توجه:** هسته اگر صفت پسین داشته باشد، مضاف‌الیه به هسته نمی‌چسبد.

***چند نکته مهم**

۱ - فعل اسنادی «-َم یا آم» را با ضمیر متصل اشتباه نگیریم. (آن بلبِل هستم که ...)

آن **بلبِلِم** که چون کشم از دل صغیر گرم بوی محبت از نفسم می‌توان شنید

۲ - شناسه را با ضمیر متصل اشتباه نگیریم.

می‌گویم و بعد از من، گویند به دوران‌ها ← **مِن** می‌گویم و...

۳ - ضمیر متصل گاه به قید و حرف اضافه می‌چسبد ولی مضاف‌الیه کلمه دیگری است.

هنوز **ت** اجل دست خواهش نبست ← هنوز، اجل دست خواهش **تو** را نبسته است.

دید **کِش** دور به انجام رسید ← دید که دور **ش** (زمانش، زمان **او**) به انجام (پایان) رسیده است.

***توجه:** به ادعای کتاب درسی فارسی دهم چاپ ۹۷، «ضمیر متصل» فقط با چسبیدن به فعل، نقش مفعولی یا متممی

می‌گیرد! و با چسبیدن به اسم فقط نقش مضاف‌الیه می‌گیرد. با توجه به مصراع «گفتم که بوی زلف **ت** گمراه عالم **م** کرد»،

مشخص است که ضمیر «-َم»، نقش مفعولی دارد. (بوی زلف تو، **مِن** را در عالم گمراه کرد)

در بیت زیر نیز ضمیر متصل «ش»، نقش مفعولی دارد ولی به فعل نچسبیده است.

هر آن که جانب اهل خدا نگه دارد **خداش** در همه حال از بلا نگه دارد

خدا، **او را** در هر وضعیتی از بلا نگه می‌دارد (حفظ می‌کند).

نه چنان گناهکارم، که به **دشمنم سپاری** تو به دست خویش فرمای، **اگرم کنی عذابی**

آن گونه گناهکار نیستم که **مِن** را به دشمن واگذار کنی. تو خودت با دست خودت انجام بده، اگر خواستی **مِن** را عذاب کنی.

در مصراع اول بیت زیر نیز، ضمیر «-ِ مان»، نقش مفعولی دارد و به فعل نچسبیده است.

گر خدا خواهد **که مان** یاری کند **میلان** را جانب زاری کند

اگر خدا بخواهد که **ما را** کمک کند ...

***نکته بسیار مهم:** ممکن است مبحث جهش ضمیر مجدد از کنکور حذف شود، ولی نقش ضمیر متصل قطعاً حذف نخواهد

شد. پس فارغ از بحث جهش و پرش ضمیر، نقش ضمائر متصل را یاد بگیرید.

۴۰- ضمیر پیوسته در کدام گزینه نقش متفاوت دارد؟

- | | |
|--|--|
| ۱) دو صد کوه بلا در وی، کشیده تیغ خون‌ریزی | به دامن سنگ بر هر سو، ز بهر سنگ‌بارانش |
| ۲) که گفتت برو دست رستم ببند | نبندد مرا دست چرخ بلند |
| ۳) یاری که می‌ننوشد، از ذوق ما چه داند | ناخورده دُرد دردش، صاف دوا چه داند؟ |
| ۴) مرده در خاک لحد دیگ‌ر ز سر گیرد حیات | گر به آب دیده‌ی ساغر بشویندش کفن |

۴۱- در کدام بیت جهش ضمیر دیده می‌شود؟

- (۱) در آرزوی رویش، چنـدین عجب نباشد
 (۲) گـر بـر زمـین بیفتد، آب دهان یارم
 (۳) گفتم که آب چشمم، بر روی خشک گردد
 (۴) مـن آن گـمان نـبردم، کز خطّ دود رنگش
- گر آفتاب از این پس، پیش از سحر برآید
 از بیخ هر نباتی، شاخ شکر برآید
 چون بر گل عذارش، ریحانِ تر برآید
 چون شمع هر زمانم آتش به سر برآید

۴۲- ضمیر پیوسته «م» در واژه مشخص شده در تمام گزینه‌ها نقش یکسان دارد به جز گزینه

- (۱) عـنـان مـیـچ که گر می‌زنی به شمشیرم
 (۲) هـزار دشـمـنم ار می‌کنند قصد هلاک
 (۳) مـرا امـید وصال تـو زنده می‌دارد
 (۴) در خجالت‌گاه جسمم جز خطا نامد به پیش
- سپر کنم سر و دست ندارم از فتراک
 گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک
 و گر نه هر دمم از هجر توست بیم هلاک
 ره به لغزش قطع شد از بس زمین نمناک بود

۴۳- نقش ضمیر پیوسته در واژگان مشخص شده، در تمام گزینه‌ها یکسان است به جز گزینه

- (۱) تا چشم بشـر نبیندت روی
 (۲) مریز آبروی برادر به کوی
 (۳) خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش
 (۴) گر رفته باشم زین جهان بازآیدم رفته روان
- بنهفته به ابر، چهر دل‌بند
 که دهرت نریزد به شهر آبروی
 خداوندا نگه دار از زوالش
 گر همچنین دامن‌کشان بالای خاکم بگذری

درس هفتم: واژگان دو تلفظی

کلماتی مانند: مهربان و مهربان، یادگار و یادگار، آسمان و آسمان، آموزگار و آموزگار و ... را دو تلفظی می‌گویند.

***توجه:** تلفظ با حرکت بر تلفظ ساکن ترجیح دارد.

نوع دیگری از کلمات دو تلفظی به صورت «گمان و گمان، شجاعت و شجاعت، اصالت و اصالت، عطر و عطر، کشتی و کشتی، نشاط و نشاط، وجدان و وجدان، حماسی و حماسی، ثبات و ثبات و ...» می‌باشند که تلفظ اولی بر دومی ترجیح دارد.

درس هشتم: واژگان در گذر زمان

زبان، زنده‌ترین موجود جهان و هر روز در تغییر است. واژگان نیز در گذر زمان دچار تغییراتی می‌شوند. این تغییر و تحول را می‌توان در چهار دسته جای داد:

۱- واژگانی که به مرور زمان از دایره واژگان زبان معیار یا امروزی حذف می‌شوند.

مانند: آزنداک، سوفار، برگستوان، الفغن، اوژن و...

۲- واژگانی که معنای گذشته را از دست می‌دهند و در زبان معیار یا امروزی معنای جدید می‌پذیرند.

واژه	معنای قدیم	معنای جدید
شوخ	چرک	بذله‌گو و شوخ طبع
رعنا	خودبین	خوش‌اندام و زیبا
سوگند	گوگرد	قسم

۳- واژگانی که هم معنای گذشته را حفظ می‌کنند و هم در زبان معیار و امروزی معنای جدید می‌گیرند.

واژه	معنای قدیم	معنای جدید
یخچال	چاله‌های یخی	یخچال امروزی
سپر	ابزار جنگی	سپر ماشین

۴- واژگانی که بدون هیچ تغییر در معنا، باقی مانده‌اند و در زبان معیار و امروزی استفاده می‌شوند.

مانند: خنده، درخت، گل، هوا، خوبی و...

پسوند تصغیر (کوچکی) «-ک»

این پسوند را نشانه تصغیر و تقلیل می‌دانند. ولی علاوه بر تصغیر، معنای تحقیر (مردک) و تحجیب یعنی محبت کردن (طفلك) نیز از آن برداشت می‌شود. ولی اغلب در همان معنای تصغیر است. مانند: طلاقک، خورجینک، شلوارک، درمک و...

***نکته:** دیگر پسوند تصغیر «-چه» است. مانند: باغچه، طاقچه، تریچه و...

۴۴- همه واژه‌های کدام گزینه در گذر زمان وضعیّت مشابهی نداشته‌اند؟

(۱) برگستوان، بادافراه، ایدر (۲) دستور، دستار، خوب (۳) شوخ، کثیف، تماشا (۴) سپر، رکاب، یخچال

۴۵- در کدام گزینه وضعیّت واژه‌ها به ترتیب دچار «تحول معنایی، حذف شدن، حفظ معنای قدیم و پذیرش معنای جدید، ادامه حیات با معنای قدیم» شده‌اند؟

(۱) تماشا، سوفار، دستور، چشم (۲) مزخرف، فتراک، رکاب، زیبایی
(۳) کثیف، خنده، سپر، یخچال (۴) سوگند، برگستوان، زین، شوخ

۴۶ - معنی واژه «فضل» در همه‌ی گزینه‌ها یکسان است به جز گزینه‌ی

- (۱) به بندگی و صغیری گرت قبول کند
 - (۲) فضل هنر ضایع است تا ننماید
 - (۳) نگویمت که در او دانشی است یا فضلی
 - (۴) علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد
- سپاس دار که فضلی بود کبیر از دوست
عود بر آتش نهند و مشک بسایند
که نیست در همه آفاق مثل او جاهل
ترسم آن نرگس مستانه به یغما ببرد

۴۷ - معنی واژه‌ی «شوخ» در کدام گزینه با عبارت «باشد که ما را دمکی زیادت‌تر در گرمابه بگذارد که شوخ از خود باز کنیم» یکسان است؟

- (۱) این گدای شوخ را که چندان نعمت به چندین مدّت برانداخت، برانید.
- (۲) بارها دستبرد زمانه جافی دیده و شوخ‌چشمی سپهر غدار معاینه کرده.
- (۳) به قلت حیا مذکور باشد و به شوخی و وقاحت مشهور.
- (۴) درخواستم از حق تعالی که مرا به من نمایی چنان که هستم؛ مرا به من نمود با پلاسی شوخ.

درس نهم: واو عطف و ربط

واو عطف: بین دو واژه می‌آید که ارزش دستوری یا نقش یکسان دارند. یعنی کلمه‌ی بعد «واو» همان نقش کلمه‌ی قبل «واو» را داشته باشد.

علی و حسین آمدند.	من و تو آمدیم.	احسان مهربان و دلسوز است.
-------------------	----------------	---------------------------

***توجه:** واو عطف، بین دو اسم (کیف و کتاب)، دو ضمیر (من و تو)، دو صفت (خوب و مهربان)، دو قید (تند و سریع) و یک اسم و یک ضمیر (پدر و او) می‌آید.

***توجه:** ویرگول، گاه کار واو عطف را انجام می‌دهد. اگر تعداد کلمات معطوف بیش از دو مورد باشد، معمولاً فقط بین دو کلمه آخر «واو» می‌آید.

محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین «پنج تن آل عبا» هستند.

واو ربط: دو جمله را که معنای پیوسته دارند یا به هم مربوط هستند، به هم وصل می‌کند.

علی به خانه آمد و کتاب‌هایش را برداشت.

رنج هیچ کس ضایع مکن و همه کس را به‌سزا حق شناس باش.

***توجه:** «واو» بین دو فعل، قطعا «واو ربط» است. آمدند و کردند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند.

***توجه:** اگر یک طرف «واو» فعل باشد، آن «واو» حتماً «واو ربط» است.

تو دانی و تو دانی، آن چه خواهی رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

۴۸- در چند مورد از ابیات زیر، هر دو نوع «واو» عطف و ربط وجود دارند؟

- الف) چون گل و می، دمی از پرده برون آی و درآ
 ب) همی بلند برآرند و بس فروفکنند
 ج) به نظم و نثر کسی را گر افتخار سزاست
 د) عجب مدار ز من نظم خوب و نثر بدیع
 هـ) آن جود و عدل دارد سلطان که پیش از این
- (۱) یکی (۲) دو تا (۳) سه تا (۴) چهار تا
- که دگر باره ملاقات نه پیدا باشد
 همی فراوان بدهند و بازستانند
 مرا سزاست که امروز نظم و نثر مراست
 نه لعل از صدف است و نه انگبین ز گیاست؟
 آن جود و عدل، حاتم و نوشیروان نداشت

۴۹- نوع «عطفی» یا «ربطی» کدام «واو» متفاوت است؟

- (۱) مشتاقی و مهجوری دور از تو چنلیم کرد
 (۲) من چراغم نور داده بازستانم ز کس
 (۳) از جنس کارگاه نشابور و کار روم
 (۴) شکر و سیم پیش همت او
- کز دست بخواهد شد پایاب شکیبایی
 شاه، خورشید است و اینک نور داده بازخواست
 بر من خراج روم و نشابور خوار کرد
 از من و شعر، شرمسارتر است

۵۰- انواع «واو» مشخص شده در ابیات زیر به ترتیب، در کدام گزینه صحیح است؟

- الف) منم پورایران و نام آورم
 ب) همه راهست همین داغ محبت که مراست
 ج) بس که بودم چون گل و نرگس دوروی و شوخ چشم
 د) بیامد به دشت و نفیس کرد راست
- (۱) ربط، ربط، عطف، ربط
 (۲) عطف، ربط، عطف، عطف
 (۳) ربط، عطف، عطف، عطف
 (۴) عطف، ربط، ربط، ربط
- ز نیروی شیران بود گوهرم
 که نه مستم من و در دور تو هشیاری هست
 باز یک چندی زبان در کام چون سوسن کشم
 پس آن گه باستاد و هم رزم خواست

۵۱- در کدام گزینه، هر دو نوع «واو عطف و ربط» وجود دارد؟

- (۱) آن وقت که این انجم و افلاک نبود
 (۲) یا رب تو مرا توبه ده و عذر پذیر
 (۳) چرخ و مه و مهر در تمنای تواند
 (۴) بر طاعت و خیر خود نباید نگرست
- وین آب و هوا و آتش و خاک نبود
 ای توبه ده و عذرپذیر همه کس
 جان و دل و دیده در تماشای تواند
 در رحمت و فضل او نگه باید کرد

درس دهم: انواع جمله

جمله در زبان فارسی از نظر ساختاری دو نوع است: **جمله ساده**، **جمله مرکب**.

الف) جمله ساده: جمله‌ای است که **یک فعل** دارد. تمام جمله‌هایی که پیش از این بررسی می‌کردیم، جمله ساده بودند.

علی به خانه رفت. بچه‌ها خیمه‌ها را در صحرا بر پا کردند. آتش از دور دیده می‌شد.

ب) جمله مرکب: جمله‌ای است که **بیش از یک فعل** دارد و حداقل از دو جمله ساخته شده است. از یک جمله هسته و یک یا چند

جمله وابسته که با حروف ربط «که، تا، اگر، چو، چون، تا جایی که، زیرا که، برای این که و ...» به هم مربوط شده‌اند. به دو عبارت زیر توجه کنید.

الف) علی به خانه رفت و کتاب‌هایش را آورد. **ب)** علی به خانه رفت تا کتاب‌هایش را بیاورد.

عبارت (الف) از دو جمله مجزاً ساخته شده است ولی در عبارت (ب)، جمله «تا کتاب‌هایش را بیاورد» **دلیل** جمله اول را می‌رساند و در واقع به آن ربط دارد، این‌گونه جملات را جمله مرکب می‌گویند.

اگر خوب درس بخوانیم، موفق می‌شویم. **تا** با خاک انس نگیرید، راهی به مراتب قُرب ندارید.

این‌ها دریادلان صف‌شکنی هستند که دل شیطان را از رُعب و وحشت می‌لرزانند.

چون نداری ناخن درنده تیز با ددان آن به، که کم‌گیری ستیز

***توجه:** در جمله مرکب ۳ جزء وجود دارد: **جمله پایه یا هسته**، **جمله پیرو یا وابسته**، **پیوند وابسته‌ساز**.

جمله پایه یا هسته: بخشی از جمله است که پیوند وابسته‌ساز ندارد و **معنای کاملی دارد**.

جمله پیرو یا وابسته: بخشی از جمله است که پیوند وابسته‌ساز دارد و **معنای کاملی ندارد**. و برای بیان علت و یا توضیح، تفسیر و ... می‌آید.

پیوند وابسته‌ساز: حروفی که دو جمله هسته و وابسته را به هم وصل می‌کنند.

علی خوب درس می‌خواند	تا	در کنکور موفق شود.
جمله هسته	پیوند وابسته‌ساز	جمله وابسته
جمله مرکب		

اگر	بیشتر تلاش کنیم	حتماً موفق می‌شویم.
پیوند	جمله وابسته	جمله هسته
جمله مرکب		

***توجه:** ترتیبی برای جمله هسته و وابسته وجود ندارد و هر دو می‌توانند ابتدای جمله بیایند. باید به این نکته توجه داشته

باشیم که **اولین جمله‌ی بعد از پیوند وابسته‌ساز، جمله وابسته است**.

***توجه:** «و، اما، ولی و یا» پیوند هم‌پایه‌ساز هستند و جمله‌ی مرکب نمی‌سازند.

علی به خانه رفت و کیفش را آورد. احمد تلاش کرد ولی (اما) موفق نشد.

***توجه:** جمله مرکب می‌تواند بدون پیوند وابسته‌ساز باشد.

می‌دانستم موفق می‌شوی. ← می‌دانستم که موفق می‌شوی.

***توجه:** «چو» و «چون» اگر معنای «زیرا که، برای این که، به خاطر این که، اگر و ...» بدهند، پیوند وابسته‌ساز محسوب می‌شوند

و جمله مرکب می‌سازند.

چون گرفتاری عبرت از گرگ دنی پس تو روبه نیستی شیر منی

برای این که

چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی ببايد زدن سنگ را بر سبوی

اگر

***نکته بسیار مهم:** در جمله مرکب، جمله وابسته را می‌توان به مصدر تأویل کرد (برگرداند).

می‌دانستم	که	موفق می‌شوی.	←	موفق‌شدن تو را،	می‌دانستم.
جمله هسته	پیوند وابسته‌ساز	جمله وابسته		مصدر	
یک جمله مرکب				یک جمله ساده	

آمده بودم	تا	درس بخوانم	←	برای درس‌خواندن، آمده بودم.	
جمله هسته	پیوند وابسته‌ساز	جمله وابسته		مصدر	
یک جمله مرکب				یک جمله ساده	

۵۲- در کدام بیت جمله‌ی غیر ساده وجود ندارد؟

کمند زلف تو در حلق شیخ و شاب افتاد
ظاهر آن است که هرگز نکند یاد مرا
بنده تا قد تو را دید شد از سرو آزاد
شب نیست که صد عریده با باد صبا نیست

(۱) خدنگ چشم تو در جان خاص و عام نشست
(۲) آن که یک لحظه فراموش نگشت از یادم
(۳) سرو هر چند به بالای تو می‌ماند راست
(۴) از بهر خدا زلف مپیرای که ما را

۵۳- در کدام بیت جمله غیر ساده وجود ندارد؟

صفرا همی‌برآید از انده به سر مرا
جز بر مقرّ ماه نبودی مقرّ مرا
زین چرخ پُرسره فزون است اثر مرا
چون دشمنان خویش به دل‌کور و کر مرا

(۱) در حال خویشتن چو همی ژرف بنگرم
(۲) گر بر قیاس فضل بگشتی مدار چرخ
(۳) منگر بدین ضعیف تنم زانکه در سخن
(۴) وز دیدن و شنیدن دانش یله نکرد

۵۴- در چند تا از ابیات زیر، جمله غیر ساده دیده می‌شود؟

- از سَر مَن گر قدم، بازگرفتی چه شد
 کام دل خویش یافت، هر که به درد تو مُرد
 خادم نقّاش فکر، نقش رخت سال‌ها
 از پی محنت شود، مست محبّت، مُدام
- (۱) یک بیت (۲) دو بیت (۳) سه بیت (۴) هر چهار بیت

۵۵- کدام بیت جمله غیر ساده ندارد؟

- (۱) سست‌پیوند کسی باشد در مذهب عشق
 (۲) بی تو یک لحظه که بر من گذرد پندارم
 (۳) گر به جان حکم کند دوست خلافتش نکنم
 (۴) در شب هجر بیا شمع وصالی بفروز

۵۶- در همه ابیات به جز جمله غیر ساده وجود دارد.

- (۱) رضای دوست به دست آر و دیگران بگذار
 (۲) خاکم به باد دادی، دامن فشاندی اما
 (۳) تا گل روی تو در باغ لطافت بشکفت
 (۴) جانا کدام سنگدل بی کفایت است

درس یازدهم: شیوه بلاغی

***توجه:** هر چند این مبحث در قلمرو ادبی آمده است اما ذاتاً یک بحث دستوری است.

شیوه بلاغی: در جملات فارسی معیار، نهاد در ابتدای جمله و فعل در پایان جمله و نقش‌هایی چون؛ مفعول، مسند، متمم و... نیز ما بین آن دو قرار می‌گیرند. ولی در شعر و نثر ادبی، شاعر و نویسنده با جابه‌جایی این ارکان، به بلاغت کلام می‌افزاید. و مفاهیمی مانند تاکید را با این عمل ایجاد می‌کند. بنابراین شیوه بلاغی، مواردی چون «تقدیم فعل بر سایر اجزای جمله»، «تأخیر نهاد نسبت به سایر اجزای جمله»، و مواردی از این دست می‌باشد.

نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش **بتازد** به نیرنگ تو، توسن من

توسن من به نیرنگ تو بتازد. «فعل» را مقدّم بر سایر اجزای جمله کرده است.

من ایرانی‌ام آرمانم شهادت تجلی هستی است، **جان‌کندن من**

جان‌کندن من، تجلی هستی است. «نهاد» را موخّر آورده است.

***توجه:** شیوه بلاغی می‌تواند فراتر از یک جمله باشد؛ مثلاً: منادا که یک جمله‌ی مستقل است، اگر در پایان عبارت یا مصراع قرار بگیرد، شیوه بلاغی محسوب می‌شود. (البته کتاب درسی به این نکته اشاره نکرده است و در سوالات کنکور و کنکورهای آزمایشی هم، تاخیر منادا را شیوه بلاغی لحاظ نکرده‌اند. فقط محض اطلاع آورده شد.)

به خون گر کُشی خاک من، دشمن من، بجوشد گل اندر گل از گلشن من

***نکته:** هر مصراع دومی که با فعل تمام نشود، اگر حذف به قرینه نداشته باشد «شیوه بلاغی» دارد.

***نکته:** جهش و جابه جایی ضمیر، شیوه بلاغی ایجاد می‌کند.

۵۷- در همه ابیات به جز بیت اجزای جمله به شیوه بلاغی بیان شده است.

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱) به دام زلف تو دل مبتلای خویشــتن است | بکش به غمزه که اینش سزای خویشان است |
| ۲) گرت ز دست برآید مراد خاطر ما | به دست باش که خیری به جای خویشان است |
| ۳) چو رای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل | مکن که آن گل خندان برای خویشان است |
| ۴) مرو به خانه ارباب بی‌مروت دهر | که گنج عافیتت در سرای خویشان است |

۵۸- در کدام گزینه «مفعول» بر یک یا چند جزء دیگر جمله مقدم شده است؟

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------|
| ۱) جـــــهـان را چنین است ساز و نهاد | که جز مرگ را کس ز مادر نژاد |
| ۲) مسعود سعد، دشمن فضل است روزگار | این روزگار شیفته را فضل کم نمای |
| ۳) ما را سر باغ و بوستان نیست | هر جا که تویی تفرج آنجاست |
| ۴) چو منعم کند سفله را روزگار | نهد بر دل تنگ درویش بار |

۵۹- در سرودن کدام بیت شیوه بلاغی به کار نرفته است؟

- | | |
|-------------------------------|---------------------------|
| ۱) گر از فتنه آید کسی در پناه | ندارد جز این کشور آرامگاه |
| ۲) مهمی که در پیش دارم برآر | و گر نه بخواهم ز پروردگار |
| ۳) خدایا مقصّر به کار آمدم | تهی‌دست و امیدوار آمدم |
| ۴) مبر تلخ‌عیشی ز روی تُرش | به آب دگر آتشش باز کش |

۶۰- در کدام بیت «شیوه بلاغی» به کار رفته است؟

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱) بگذار تا مقابل روی تو بگذریم | دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم |
| ۲) روزی به بزم و مجلس ما در نیامدی | تا بنگری که بی تو چه خونابه می‌خوریم |
| ۳) گفתי ز خاک بیشترند اهل عشق من | از خاک بیشتر نه، که از خاک کمتریم |
| ۴) سعدی تو کیستی که در این حلقه کمند | چندان فتاده‌اند که ما صید لاغریم |

درس دوازدهم: نثر ساده یا نثر امروزی

برای تبدیل یک نثر یا شعر به نثر امروزی، موارد زیر را انجام می‌دهیم:

۱- ترتیب اجزای کلام را برحسب زبان معیار «نهاد + ... + فعل» می‌آوریم.

بتازد به نیرنگ تو، توسن من ← توسن من، به نیرنگ تو بتازد.

۲- معنای امروزی واژگان را می‌نویسیم.

جدا سازی ای خصم، سر از تن من (خصم ← دشمن)

۳- ویژگی‌های دستوری کهن را به دستور امروزی تبدیل می‌کنیم.

تنم گر بسوزی (بسوزی فعل ناگذر است اما در معنای گذرای «بسوزانی» آمده است).

به تیرم بدوزی («م» ظاهراً مضاف‌الیه است، اما مفعول است. ← با تیر من را بزنی)

۴- آرایه‌ها را به نثر غیر ادبی تبدیل می‌کنیم. (مثلاً استعاره و مجاز را به معنای مدّ نظر برمی‌گردانیم یا کنایه را از حالت کنایی خارج می‌کنیم و معنای واضح آن را می‌نویسیم و...)

مپندار این شعله افسرده گردد (تصوّر نکن عشق من از بین خواهد رفت. شعله ← استعاره از عشق)

به خون گر کشی خاک من، دشمن من (ای دشمن من، اگر کشورم را به خون بکشی. خاک ← مجاز از کشور)

۵- تشخیص بعضی از نقش‌ها بسیار مهم است. مخصوصاً: نهاد و مفعول و ...

۶- تشخیص مخاطب یا تشخیص ضمیرهای تو و او در اشعار عرفانی و عاشقانه و ...

۷- توجه ویژه به آرایه اسلوب معادله

۸- در کنکور، ویرگول گذاشته نمی‌شود! تشخیص محل ویرگول در تعیین نهاد و ... موثر است.

۹- توجه ویژه به تعداد جمله‌های بیت یا عبارات و توجه ویژه به فعل جمله. زیرا بعضی اوقات افعال تغییر معنا می‌دهند.

۱۰- توجه به معنی حروف اضافه. مثلاً در عبارت زیر «که» بار اول در معنای «زیراکه» و بار دوم در معنای «از» آمده است.

گفت: خاموش؛ که در پستی مردن به که حاجت پیش دیگری بردن.

در ابیات و عبارات زیر تشخیص نهاد و مفعول به دقتی شایسته نیاز دارد.

سحر چشمان تو باطل نکند چشمم آویز مست چندان که بیوشند نباشد مستور

چشم‌آویز سحر چشمان تو را نمی‌تواند باطل کند.

چون مار زخم‌خورده دل افتد به پیچ و تاب هر گاه که یاد طره پیچان کند تو را

دل، هر گاه که یاد موی پیچان تو می‌کند، مانند مار زخم‌خورده به پیچ و تاب می‌افتد.

شبکه معنایی

شبکه معنایی، معادل مراعات نظیر در آرایه‌های ادبی است و آن هنگامی است که شاعر یا نویسنده کلماتی را بیاورد که با هم در ارتباط مستقیم باشند و یا زیر مجموعه‌هایی از یک چیز باشند. مثلاً واژگان مربوط به جنگ یا واژگان مربوط به شطرنج و...

کمان را بمالید رستم، به چنگ به شست اندر آورد تیر خدنگ

پیل فنا که شاه بقا، حکم مات اوست هم بر پیادگان شما نیز بگذرد

***نکته:** در هنگام یادگیری معنای کلمات بهتر است آن‌ها به طور زنجیره‌ای و یک‌جا یاد بگیریم تا با یکدیگر، اشتباه نگیریم.

سوفار، پیکان، کمان، قربان، کیش، زه، سنان، قلب، میمنه، میسر، عقبه، طلایه، ترگ، خود، زره، جوشن، پُتک، تیغ، ناوک، گرز، سپر، باره، برگستان، عنان، کوس، رایت، بیرق و ...

دو حرف اضافه برای یک متمم

متمم یکی از نقش‌های دستوری است که بعد از یک حرف اضافه می‌آید. در دستور تاریخی دیده می‌شود که گاه برای یک متمم، دو حرف اضافه (یکی قبل و یکی بعد) آمده است. این ویژگی در آثار سبک خراسانی و تا حدودی اوایل سبک عراقی وجود داشت. در کتاب‌های درسی، در چند درس، مخصوصاً درس‌های شاهنامه چندین مورد این ویژگی دیده شده است.

چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

که در بوستانش همیشه گل است به کوه اندرون لاله و سنبل است

چو آمد خروشان به تنگ اندرش بجنبید و برداشت خود از سرش

***توجه:** «دو حرف اضافه برای یک متمم» زمانی است که یک حرف اضافه، قبل متمم و یک حرف اضافه، بعد متمم آمده باشد. در ابیات زیر متمم فقط یک حرف اضافه‌ی مرکب دارد.

دلیری کجا نام او اشکبوس همی بر خروشید برسان کوس

چنان ننگش آمد ز کار هُجیر که شد لاله‌رنگش به کردار قیر

***توجه:** بین دو حرف اضافه نباید فعل باشد. در ابیات زیر دو حرف اضافه برای یک متمم وجود ندارد.

بیامد که جوید ز ایران نبرد سرهم نبرد اندر آرد به گرد

بشد، تیز رُهام با خود و گبر همی گرد رزم اندر آمد به ابر

***توجه:** «اندر» یا «بر» ممکن است قبل فعل بیایند و پیشوند فعل باشند و حرف اضافه نباشند.

به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ سوار اندر آیند هر سه به جنگ

چو نازش به اسب گرانمایه دید کمان را به‌زه کرد و اندر کشید

سزد گر بداری سرش در کنار زمانی برآسای از کارزار

***توجه:** ممکن است چندین حرف اضافه در یک بیت دیده شود، ولی ویژگی «دو حرف اضافه برای یک متمم» در بیت وجود نداشته باشد. در واقع زمانی این ویژگی وجود دارد که دو حرف اضافه برای یک متمم آورده شده باشد. در مثال زیر، چندین حرف اضافه آمده است، ولی هر کدام برای یک متمم است.

یکی تیر زد بِر اسبِ اوی که اسبِ اندر آمد ز بالا به روی
***نکته:** گاه متمم، مضاف‌الیه یا صفت می‌گیرد و بین متمم و حرف اضافه دوم فاصله می‌افتد.

کمان به‌زه را به بازو فکند به بند کمر بِر، بزد تیر چند
مثال‌های دیگر برای دو حرف اضافه:

به رستم بِر آنکه ببارید تیر تهمتن بدو گفت: بر خیره خیر
 زنی بود برسان گُردی سوار همیشه به جنگ اندرون نامدار

مُمال: تبدیل مصوّت بلند «ا» به مصوّت بلند «ی» در بعضی از واژگان عربی.

سلاح ←	سلیح	مزاح ←	مزیح
عتاب ←	عتیب	حجاب ←	حجیب
هلام ←	هلیم	اسلامی ←	اسلیمی

۶۱- در کدام گزینه متمم دو حرف اضافه دارد؟

- ۱) یکی تازی‌ای بر نشسته سیاه
- ۲) بیا تا جهان را به بد نسپیرم
- ۳) چو او را بدیدند برخاست غو
- ۴) سراسر زمانه پر از جنگ بود

۶۲- در کدام بیت برای متمم دو حرف اضافه آمده است؟

- ۱) چو لشکر بیامد ز دشت نبرد
- ۲) مزن بر سر ناتوان دسست زور
- ۳) یکی بانگ برزد به خواب اندرون
- ۴) بشد تیز رهام با خود و گبر

۶۳- در کدام گزینه مُمال وجود دارد؟

- ۱) روشن‌گهری ز تابناکی
 - ۲) چون دید پدر جمال فرزند
 - ۳) فرمود ورا به دایه دادن
 - ۴) دورانش به حکم دایگانی
- شبروز کنِ سرایِ خاکی
 بگشاد در خزینه را بند
 تا رُسته شود ز مایه‌دادن
 پرورد به شیر مهربانی

۶۴- در همه گزینه‌ها واژه مُمال شده وجود دارد، به جز گزینه‌ی
۱) هم دست کامرانی، دل از عنان گسسته
۲) مرا خدای تعالی ز آسیای فراز
۳) تا ماه‌رویم از من، رخ در حجب دارد
۴) هزار سال اگر عمر من بُود به مثل

هم پای زندگانی، جان در رکیب دارد
که عقل حاصل آن را نیاورد به حسیب
نه دیده خواب یابد، نه دل شکیب دارد
مرا نیاز نیاید به آسیای نشیب

درس سیزدهم: تغییر شکل نوشتاری بعضی از کلمات

در گذر زمان شکل نوشتاری بعضی کلمات تغییر می‌کند؛

مانند: سپید ← سفید اسپ ← اسب دیفال ← دیوار کاغد ← کاغذ پیل ← فیل پارسی ← فارسی

شکل تاریخی افعال

در متون بسیار کهن و اولیه زبان فارسی (سبک خراسانی)، گاه پیشوندها و پسوندهایی با افعال به کار می‌رفت که امروزه در زبان معیار از آن‌ها استفاده نمی‌شود.

همی‌رفت ← می‌رفت برفت ← رفت رفتندی ← رفتند بنگردی ← نگردی

۶۵- در کدام گزینه شکل تاریخی دستور زبان فارسی دیده نمی‌شود؟

۱) پسند است با زُهد عمار و بوذر
۲) تو با هوش و رای از نکو محضران چون
۳) اگر لاله پُر نور شد چون ستاره
۴) درخت تُرنج از بُر و برگ رنگین
کند مدح محمود مر عنصری را
همی‌برنگیری نکو محضری را
چرا زو نیزدفت صورت‌گری را
حکایت کنند کله‌قیصری را

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سماعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.
همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

درس چهاردهم: انواع «را»

«را» در زبان فارسی معیار و زبان امروزی نشانه‌ی مفعول است. و در واقع نقش‌نمای مفعولی است. اما در دستور

تاریخی کاربردهای دیگری داشته است:

۱- رای نشانه‌ی مفعول:

اصلی‌ترین و بیشترین کاربرد «را» نشانه‌ی مفعول است.

چو	سهراب	را	دید گردآفرید
مفعول		نقش‌نمای مفعولی	

***توجه:** این تعریف که، کلمه قبل «را» مفعول است، تعریف کاملی نیست. چرا که ممکن است، مفعول، مضاف‌الیه یا صفت و

وابسته‌هایی داشته باشد. در واقع قبل «را» می‌تواند گروهی بیاید که هسته آن مفعول است.

تا بیابد	نطق	مرغ	خویش را
مفعول		مضاف‌الیه	مضاف‌الیه

کار	پاکان	را	قیاس از خود مگیر
مفعول		مضاف‌الیه	

۲- رای نشانه حرف اضافه:

«رای» که معنای حرف اضافه می‌دهد و بعد از متمم می‌آید.

مردم آزاری را حکایت کنند که سنگی بر سر صالحی زد ← از مردم آزاری حکایت می‌کنند که ...

بهرام گور را سخت عجب آمد. ← برای بهرام گور بسیار عجب آمد.

تو را بهتر آید که فرمان کنی ← برای تو بهتر است که فرمان را اطاعت کنی.

قضا را روزی به دشت رفته بودم ← از قضا روزی به دشت رفته بودم.

خرد را گر نبخشد روشنایی ← اگر به خرد روشنایی نبخشد ...

هدیه‌ها می‌داد هر درویش را ← به هر درویشی هدیه‌ای می‌داد.

خدا را رحمی ای منعم ← به خاطر (برای) خدا رحمی کن

***توجه:** رای حرف اضافه در معنای «برای» کمی دیرپا تر از انواع دیگر است.

به دو چشم خون فشانم هله ای نسیم رحمت که ز کوی او غباری به من آر توتیا را

***توجه:** توتیا را یعنی برای توتیا. (توتیا ماده‌ای درمانی و شفابخش بوده است). غباری از کوی او برای درمان چشمم بیاور.

۳- رای فک اضافه:

«رای» است که به جای نقش‌نمای اضافه «-ی یا ی» می‌آید و جای مضاف و مضاف‌الیه را نیز عوض می‌کند.

معلم را عادت بود که نقشه‌ی نیم‌کاری با خود به کلاس آورد. (معلم را عادت ← عادتِ معلم)

آب را صفت طهارت است. (آب را صفت ← صفتِ آب)

یاد باد آن که سر کوی توأم منزل بود دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود

روشنی دیده

چو خندان شد و چهره شاداب کرد و را نام تهمینه سهراب کرد

نام او

***نکته:** گاه بین مضاف و مضاف‌الیه چند وابسته می‌آید.

پیران قبیله خویش را حرمت بدار ← حرمتِ پیرانِ قبیله‌ی خویش را نگه دار.

***نکته:** در بعضی ابیات به ضرورت وزن ارکان جمله جابه‌جا می‌شوند و ممکن است «رای فک اضافه» بین مضاف و مضاف‌الیه

نیاید و در آخر مصراع بیاید. در این شعر حافظ «خاک بر سر کن غم آیام را»، جمله مد نظر «خاک بر سر غم آیام کن» می‌باشد.

یا در مصراع دیگر می‌گوید: «خاک بر سر نفس نافر جام را»

***توجه:** در مثال‌های زیر، فعل، گذرا به مفعول است و مفعول می‌گیرد و مفعول هم به «را» نیاز دارد، ولی «رای» به کار رفته

در مثال‌های زیر، «رای فک اضافه» است و «رای مفعولی» حذف شده است.

پیران قبیله خویش را حرمت بدار ← حرمتِ پیرانِ قبیله‌ی خویش را نگه دار.

و را نام تهمینه سهراب کرد مرا مادرم نام مرگ تو کرد

تهمینه نام او را سهراب گذاشت. مادرم نام من را مرگ تو گذاشت.

پسوندهای شباهت

«وش»، «وار»، «سا»، «گون»، «آسا»، «دیس» و ... پسوندهای شباهت می‌باشند. این پسوندها علاوه بر این که می‌توانند

کلمات وندی و وندی - مرکب بسازند، می‌توانند «ادات تشبیه» باشند.

از سوی خانه بیامد خواجه‌اش بر دکان بنشست خواجه‌وش

او مانند خواجه‌ها بر دکان نشست.

مشبه مشبه‌به ادات مشبه‌به وجه شبه

۶۶- در همه ابیات، به جز بیت گزینه، حرف «را» کاربرد دوگانه دارد.

- | | |
|---|--|
| <p>(۱) کنج خلوت پارسایان سلامتجوی را
اول مرا سیراب کن و آن گه بده اصحاب را
دیگری را ده که ما با دلستان آسوده‌ایم
یا رب که دادست این کمان آن ترک تیرانداز را</p> | <p>(۱) ما ملامت را به جان جوییم در بازار عشق
(۲) ز اندازه بیرون تشنه‌ام ساقی بیار آن آب را
(۳) باغبان را گو اگر در گلستان آلاله‌ای است
(۴) چشمان ترک و ابروان جان را به ناوک می‌زنند</p> |
|---|--|

۶۷- کاربرد حرف «را» در کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|---|---|
| <p>(۱) خط او در نقطه او مُضمَر است
از براهیم خلیل استیم ما
فتاد و سنگ جفای تو بازخورد و شکست
جز دوزخ و فردوس، مکانی دگر است</p> | <p>(۱) حلقه را مرکز چو جان در پیکر است
(۲) دعوی او را دلیل استیم ما
(۳) مرا نگینه دل کز گزند ایمن بود
(۴) ما را به جز این جهان، جهانی دگر است</p> |
|---|---|

۶۸- نوع «را» در قسمت ردیف کدام گزینه با بیت زیر یکسان است؟

«آتش بیار و خرمن آزادگان بسوز
تا پادشه خراج نخواهد خراب را»

- | | |
|---|---|
| <p>(۱) وان را که عقل رفت چه داند صواب را
که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را
چه کند گوی که عاجز نشود چوگان را
بر چشم من به سحر بیستند خواب را</p> | <p>(۱) اوّل نـظـر ز دست برفتم عنان عقل
(۲) من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت، دانستم
(۳) چه کند بنده که گردن ننهد فرمان را
(۴) گویی دو چشم جادوی عابدفریب او</p> |
|---|---|

۶۹- در بیت زیر «را» در مصراع نخست کاربرد حرف اضافه دارد و در مصراع دوم، نشانه مفعول است. در کدام بیت این دو نوع

«را» دیده می‌شود؟

- | | |
|--|---|
| <p>که به ماسوا فکندی، همه سایه‌ی هما را»

ساقی بیار آن جام می، مطرب بزن آن ساز را
جهل باشد با جوانان پنجه‌کردن، پیر را
کو دید حُسن خویش و ز ما برد دست را
تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را</p> | <p>علی، ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را

(۱) وقت طرب خوش یافتم، آن دلبر طناز را
(۲) با جوانی سر خوشست این پیر بی‌تدبیر را
(۳) یارب کـه داد آینه آن بت‌پرست را
(۴) دوست می‌دارم من این نالیدن دلـسـوز را</p> |
|--|---|

۷۰- کارکرد حرف «را» در کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|--|--|
| <p>دامن‌افشاندن ز دنیا نیست مشکل، عشق را
می‌کند یکرنگی معشوق یکدل، عشق را
دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را
ساقی بده بشارت رندان پارسا را</p> | <p>(۱) دام راه خـضر نتواند شدن موج سراب
(۲) حُسن و عشق صافدل آینه یکدیگرند
(۳) گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی
(۴) خوبان پارسی گـوی، بخشدگان عمرند</p> |
|--|--|

درس پانزدهم: درس آزاد

درس شانزدهم: **مبحث تکراری است.** رجوع شود به نقش کلمات (درس یکم) و زمان افعال (درس دوم)

درس هفدهم: رابطه تناسب و مترادف

در رابطه‌ی تناسب با واژگانی روبه‌رو هستیم که مربوط به یک موضوع هستند و زیرمجموعه‌های آن محسوب می‌شوند: مانند: کوه، چشمه، رود، دریا، جنگل، صحرا، دشت و... که زیر مجموعه‌های طبیعت می‌باشند، یا سبز، زرد، آبی، قرمز و... که زیرمجموعه‌های رنگ می‌باشند.

اما در رابطه‌ی مترادف با واژگانی روبه‌رو هستیم که همگی بر یک چیز و یک مفهوم دلالت دارند و می‌توانند به جای همدیگر به کار بروند. مانند: عشق، مهر و محبت یا ظلم، جور و ستم یا داد، عدل، عدالت

***توجه:** زبان‌شناسی امروز با مترادف واژگان به طور دقیق موافق نیست. به طور مثال ما نمی‌توانیم «دراز» و «بلند» را یکی بدانیم. مثلاً اگر به فردی که قد بلندی دارد بگوئیم «قد دراز» ممکن است ناراحت بشود.

***توجه:** برای مبحث ترکیب وصفی و اضافی، به درس سوم و برای نقش کلمات به درس یکم فارسی دهم رجوع شود.

درس هجدهم: نشانه‌ی ندا

نشانه‌ی ندا کلمه‌ای است که با آن کسی را صدا می‌زنیم یا مخاطب صحبت‌مان قرار می‌دهیم. **ای، آی، یا، ایا و «ا»** در آخر کلمه، از معروف‌ترین نشانه‌های ندا هستند.

سعدیا، مرد نکونام نمیرد هرگز	مرده آن است که نامش به نکویی نبرند
ای دوست، شکر بهتر، یا آنکه شکر سازد	خوبی قمر بهتر، یا آنکه قمر سازد
آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید	

***نکته:** منادا ممکن است بدون حرف ندا بیاید. و با توجه به لحن و معنا فهمیده شود.

سعدی، به روزگاران، مه‌ری نشسته بر دل	بیرون نمی‌توان کرد، آلا به روزگاران
حافظ، از باد خزان در چمن دهر مرنج	فکر معقول بفرما گل بی‌خار کجاست

***نکته:** نقش منادا را با نهاد اشتباه نگیرید!

***نکته:** هر وقت منادا آمد بعد آن یک حذف فعل به قرینه معنوی در نظر بگیرید.

***نکته:** حرف ندا و منادا یک جمله جداگانه محسوب می‌شوند.

حافظ	اسرار الهی کس نمی‌داند	خموش
یک جمله	یک جمله	یک جمله

۷۱- کدام بیت منادا دارد؟

متحیرم چه نامم شه مُلک لافتی را
چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را

(۱) نــــه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت
(۲) به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من
(۳) دل اگر خدا شناسی، همه در رخ علی بین
(۴) چه زنم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم

۷۲- کدام بیت منادا ندارد؟

که ز سرپنجه شاهین قضا غافل بود
عشق محمد بس است و آل محمد
نزاع بر سر دنیای دون مکن درویش
می‌رود حافظ بیدل به تولّای تو خوش

(۱) دیدی آن قهقهه کبک خرامان حافظ
(۲) سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی
(۳) نه عمر خضر بماند نه ملک اسکندر
(۴) در بیابان طلب گر چه زهر سو خطری است

دکتر ابوذّر احمدی

۹۱۲۳۷۰۴۱۶

درس یکم: معانی یک واژه

شما هم تا به حال واژه‌نامه‌ی انگلیسی باز کرده‌اید و معانی متفاوت یک واژه را دیده‌اید. واژگان فارسی هم همین‌طور هستند. ممکن است برای یک واژه چندین معنا وجود داشته باشد. ولی معنای مدّ نظر یک واژه، به دو روش زیر فهمیده می‌شود:

الف) قرار گرفتن در جمله: واژه‌ی «تند» چندین معنا دارد ولی وقتی در جمله قرار می‌گیرد، در هر جمله یکی از آن معانی برداشت می‌شود.

مزه‌ی تند	تند و سریع	تند و زشت و زننده
علی به غذای تند علاقه دارد.	علی تکالیفش را تند می‌نویسد.	علی حرف‌های تند می‌زند.

ب) توجه به رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تناسب و تضمّن)

ترادف	دو واژه می‌توانند به جای هم به کار بروند. تسلّط در معنی واژگان در این قسمت مهم است.	نور و ضیا، عدل و داد، مهر و عشق، قریب و نزدیک، جور و جفا، رنج و محنت، درد و آلم، ترغیب و تشویق
تضاد	دو واژه معنای کاملاً برعکس هم دارند.	سفید و سیاه، غم و شادی، قُرب و بُعد، کوتاه و بلند، مهر و کین، داد و بیداد، روز و شب، پادشاهی و گدایی
تناسب	واژگان زیرمجموعه‌ی یک مجموعه‌ی بزرگ‌تر هستند.	دست و پا، ماه و ستاره، سگ و گرگ، دانه و داس، رود و دریا، عقاب و باز، خودکار و کتاب، زرد و آبی
تضمّن	یک واژه زیرمجموعه‌ی دیگری است. یا یک واژه عام با یک واژه خاص.	رنگ و بنفش، دست و آرنج، شهر و تهران، کشور و مصر، پدر و خانواده، فوتبال و ورزش، بیت و شعر

***توجه:** دو واژه متضاد ممکن است با هم «تناسب» هم داشته باشند ولی روابط آن‌ها را «تضاد» در نظر می‌گیریم. سفید و

سیاه: زیر مجموعه رنگ هستند و در اصل تناسب دارند ولی رابطه آن‌ها تضاد در نظر گرفته می‌شود.

تلخ و شیرین: زیر مجموعه طعم و مزه هستند و در اصل تناسب دارند ولی رابطه آن‌ها تضاد در نظر گرفته می‌شود.

***توجه:** برای مبحث پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز به درس دهم فارسی دهم مراجعه کنید.

***توجه:** «شد» در گذشته علاوه بر فعل اسنادی در معنای «رفت» نیز به کار می‌رفته است.

منزل حافظ کنون بارگه پادشاست دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد

***توجه:** بررسی روابط دو واژه، در بعضی عبارات نتایج متفاوت دارد. مثلاً قرمز و سبز که غالباً رابطه تناسب دارند اگر در بحث راهنمایی و رانندگی بیابند، رابطه تضاد پیدا می‌کنند. همچنین قرمز و آبی در فوتبال و بسیار مثال دیگر

۷۳- رابطه معنایی جفت‌واژه‌های کدام گزینه از نوع «تضمن» است؟

- (۱) (سیر و گیاه) ، (سهند و سبلان)
(۲) (کشور و ایران) ، (فرزند و دختر)
(۳) (ارس و کارون) ، (سیر و پیاز)
(۴) (سیر و گرسنه) ، (گرم و وزن)

۷۴- در کدام بیت رابطه‌ی معنایی «تضمن» به کار نرفته است؟

- (۱) همه سنگ‌ها پاس دار ای پسر
(۲) می بیاور که ننازد به گل باغ جهان
(۳) درخت غنچه برآورد و بلبان مستند
(۴) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
- که لعل از میانش نباشد به در
هر که غارتگری باد خزانی دانست
جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند
کجا دانند حال ما سبک‌باران ساحل‌ها

۷۵- در میان گروه‌واژه‌های زیر، به ترتیب چند رابطه از نوع ترادف و تضمن وجود دارد؟

«ادبار و اقبال» ، «محمل و مهد» ، «رایت و بیرق» ، «دست و بدن» ، «بیعت و میثاق» ، «تند و ترش» ، «ورزش و فوتبال» ، «هنر و نقاشی» ، «پروانه و ملخ»

- (۱) سه - سه (۲) سه - چهار (۳) چهار - چهار (۴) چهار - سه

۷۶- معنی واژه‌ی «سیر» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) نه پیل و نه تخت و نه بار و بُنه
(۲) مدّعی بسیار داری اندر این صنعت و لیک
(۳) یک نیمه گیتی ستد و سیر نباشد
(۴) ای سیر تو را نان جوین خوش ننماید
- به نانی تو سیری و هم گرسنه
زیرکان دانند سیر از سوسن و خار از سمن
تا نیمه دیگر گرد و دیر نباشد
معشوق من است آنکه به نزدیک تو زشت است

۷۷- در چند بیت از اشعار زیر صفت مبهم در جایگاه وابسته پیشین قرار گرفته است؟

- (الف) همه را دیده در اوصاف تو حیران ماندی
(ب) مرا کـلاری دگر در پیش راه است
(ج) در زلف مـده راه دگر باد صبا را
(د) دگر مرغان، پر اندر پر، نواساز
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
- تا دگر عیب نگویند من حیران را
که عالم بر دو چشم من سیاه است
زین بیش ملرزان دل آسوده ما را
غم دل، بسته او را، راه پرواز

۷۸- معنای فعل «شد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) چنین گفت با کـودک آـمـوزگار
(۲) چو شب روز شد بامداد پگاه
(۳) چو بلنو چنان دید شد سوی کوه
(۴) به بارگاه او مَلِک ز خلد شد
- که کاری نکردیم و شد روزگار
بفرمود تا باز گردد سپاه
رسیدند تا پای کوه آن گروه
ندا شنید کاندرا آی مرحبا

۷۹- در کدام گزینه وابسته پیشین از نوع «صفت مبهم» به کار رفته است؟

- (۱) آن یکی دست تو گیرد وان دگر پرسش کند
(۲) چه غروری است در این سلطنت ای یوسف مصری
(۳) دلبستگی‌ام نیست به کـام دوجـهانم
(۴) دگر پرسشش معانی و بیان بود
- وان دگر از لعل و شکر پیش باز آرد زکات که
دگر پرسش حال پدر پیر نکردی
با من بگذارید غم یار و دگر هیچ
ز تشبیهات و از اقسام آن بود

درس دوم: فعل و جمله‌ی مجهول

فعل مجهول در جمله‌ی مجهول به کار می‌رود و جمله‌ی مجهول، جمله‌ای است که نهاد و انجام‌دهنده‌ی آن مشخص نیست و مجهول است. به جمله‌های معلوم و مجهول زیر توجه کنید:

مجهول	معلوم
غذا پخته شد.	مادر غذا را پخت.
در مدرسه، درس خوانده می‌شود.	دانش‌آموز در مدرسه درس می‌خواند.
دانش‌آموز آورده می‌شد.	معلم‌ها دانش‌آموز را می‌آوردند.

روش مجهول کردن جمله:

- ۱- نهاد جمله معلوم را حذف می‌کنیم. (مادر، دانش‌آموز، معلم‌ها)
- ۲- فعل جمله‌ی معلوم را به صفت مفعولی تبدیل می‌کنیم. (پخت ← پخته / می‌خواند ← خوانده / می‌آوردند ← آورده)
- ۳- فعل «شدن» را در زمان فعل جمله معلوم می‌آوریم. پخت ← شد / می‌خواند ← می‌شود / می‌آوردند ← می‌شدند
- ۴- آوردن باقی جمله. مانند: عبارت «در مدرسه» در مثال دوم.
- ۵- فعل را از نظر شمار و شخص با مفعول سابق (نهاد جدید) مطابقت می‌دهیم. می‌آوردند ← آورده می‌شد

***نکته بسیار مهم:** بیشترین اشتباهی که دانش‌آموزان انجام می‌دهند، عدم توجه به زمان فعل جمله معلوم است. و از آنجایی که معلم‌ها همیشه با ماضی ساده مثال زده‌اند، دانش‌آموزان همه فعل‌ها را در زمان ماضی ساده مجهول می‌کنند.

دانش‌آموز کتاب‌ها را خواند.	کتاب‌ها خوانده شد. ✓	
دانش‌آموز کتاب‌ها را می‌خواند.	کتاب‌ها خوانده شد. ✗	کتاب‌ها خوانده می‌شود. ✓
دانش‌آموز کتاب‌ها را خوانده بود.	کتاب‌ها خوانده شد ✗	کتاب‌ها خوانده شده بود. ✓
دانش‌آموز داشت کتاب‌ها را می‌خواند.	کتاب‌ها خوانده شد ✗	کتاب‌ها داشت خوانده می‌شد. ✓

***نکته بسیار مهم:** زمانی فعل و جمله مجهول داریم که **اولاً:** «شد و دیگر زمان‌های آن» در پایان جمله آمده باشد، یعنی فعل کمکی باشد. و **ثانیاً:** قبل از آن حتماً فعل اصلی، به صورت «صفت مفعولی» آمده باشد. لذا در موارد زیر و موارد مشابه آن، جمله مجهول نداریم.

فعل اسنادی ماضی ساده	فعل اسنادی ماضی بعید	فعل اسنادی ماضی نقلی	فعل اسنادی ماضی التزامی
علی بیمار شد.	علی بیمار شده بود.	علی بیمار شده است.	اگر علی بیمار شده باشد.

***توجه:** فعل کمکی در فعل مجهول مشتقات «شد» است. ولی در دستور تاریخی با مصدرهای دیگری مانند «آمدن و گشتن» نیز ساخته می‌شد.

ماضی مصدر «گشتن»	ده تن به دست سمک کشته گشتند.	کشته شدند
مضارع مصدر «آمدن»	در این دو سه روز بار داده‌آید.	بار داده می‌شود
ماضی مصدر «آمدن»	این مطالب نیز گفته‌آمد.	گفته شد
مضارع مصدر «آمدن»	پیغامی است سوی بونصر در بایی تا داده‌آید.	پیغامی داده بشود

***یادآوری:** به جدول زمان افعال (درس دوم فارسی دهم) مراجعه کنید و افعال مجهول هر زمان را ببینید.

۸۰- در کدام بیت، فعل مجهول به کار رفته است؟

- (۱) آواز تو گر خسته شود خسته شویم
 - (۲) همه کار دشوارش آسان شود
 - (۳) چنان نورش درون دیده آمد
 - (۴) چو بشنید شاه این سخن خیره گشت
- آواز تو چون نای شکرخا بادا
وُرا دشمن و دوست یکسان شود
که از نورش رخ جان دیده آمد
سیه گشت چشم و دلش تیره گشت

۸۱- در کدام بیت فعل مجهول به کار رفته است؟

- (۱) به آوردگه دست او خسته گشت
 - (۲) چون ریشه سر کسی که سرگشته شود
 - (۳) نزدیک دهن شکسته شد جام
 - (۴) خوش، آن که وصال تو میسر شده باشد
- به چشمش همی تیره شد روی دشت
به زان نبود که با سر رشته شود
پالوده که پخته بود، شد خام
چشمم به جمال تو منور شده باشد

۸۲- در کدام یک از گزینه‌های زیر فعل مجهول به کار نرفته است؟

- (۱) دیده‌ تو چون دلم را دیده شد
 - (۲) ندانم تا ثنایت گفته آید
 - (۳) به سمع رضا مشنو ایذای (آزار) کس
 - (۴) بعد از آن گفتا که می‌آید خطاب
- شد دل نادیده غرق دیده شد
و گر آید تو را پذیرفته آید
و گر گفته آید به غورش برس
کاین سخن چون گفته شد بشنو جواب

۸۳- در کدام گزینه فعل مجهول به کار رفته است؟

- (۱) به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود.
- (۲) مثال داد تا هزار هزار درم به مستحقان دهند شکر این را و نبشته آمد.
- (۳) این چه رفت با بونصر بگفتم. سخت شاد شد.
- (۴) ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت و سوری و شادی به آن بسیاری تیره شد.

درس سوم: انواع قید و قید مشترک با اسم و قید مشترک با صفت

به نقش کلمه «شب» در جمله‌های زیر دقت کنید:

شب آمد.	نهاد
من شب را دوست دارم.	مفعول
من از شب می‌ترسم.	متمم
علی شب آمد.	قید

در مثال چهارم از نظر ساختاری و صرف، «شب» قید است، ولی در سه مثال قبل از نظر ساختاری «اسم» است و در نقش‌های نهاد، مفعول، متمم آمده است که از نظر ساختاری و صرفی «اسم» هستند. این کلمات را «قید مشترک با اسم» می‌گوئیم.

به نقش کلمه «آهسته» در جملات زیر دقت کنید:

صدای آهسته دلنشین تر است.	صفت
شکستن آهسته بود.	مسند
علی آهسته آمد.	قید

در مثال سوم از نظر ساختاری و صرف، «آهسته» قید است، ولی در دو مثال قبل از نظر ساختاری «صفت» است و در نقش‌های صفت و مسند آمده است که از نظر ساختاری و صرفی «صفت» هستند. این کلمات را «قید مشترک با صفت» می‌گوئیم.

قیده‌ها تقسیم‌بندی‌های قابل توجهی دارند. در جدول زیر از نظر ساختاری تقسیم‌بندی شده‌اند.

قید نشانه‌دار	۱ - تنوین‌دار یقیناً، حتماً، ابداً	۲ - قید پیشوندی به‌دقت، در حال، با عجله	۳ - قید با حرف اضافه با اتوبوس، از تهران، به شیراز
قیده‌های بی‌نشانه	۱ - قید مختص هرگز، همواره، هنوز	۲ - قید مشترک با اسم شب، روز، صبح	۳ - قید مشترک با صفت آهسته، خوب، سخت

همچنین قیده‌ها را از جهت مفهوم نیز می‌شود دسته‌بندی کرد.

قید زمان	روز، عصر، شب، امسال، پارسال، پیوسته، به‌ندرت و ...	قید ترتیب و نوبت	ابتدا، اول، نخست، هر دفعه، اولاً، ثانیاً، قبلاً، بعداً، دست آخر، این بار
قید مکان	جلو، عقب، روی، اینجا، آنجا و ...	قید تخصیص	خاصه، به خصوص، علی‌الخصوص، به ویژه
قید مقدار (کمیت)	کم، بیش، بس، بسی، فراوان، کاملاً، تماماً	قید چگونگی (کیفیت)	خوب، بد، آهسته‌آهسته، راست، کج و ...
قید حالت	گریان، خندان، شادی‌کنان، افتان‌خیزان	قید تاکید	حتماً، البته، آری، هرآینه، بی‌پرو برگرد
قید تدریج	روز به روز، ساعت به ساعت، کم‌کم و ...	قید تعجب	ای عجب، سبحان الله، ای شگفت و ...

*توجه: قید از نظر مفهوم انواع دیگری نیز دارد.

*توجه: حذف قید از جمله بدون ناقص شدن جمله، اصلی‌ترین نشانه قید است.

۸۴- نقش واژه «گریان» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) دل خسته و محروم و پی‌خسته و گمراه
 (۲) بگفت این و بنشست گریان به درد
 (۳) تو گریانی جهان خندان، موافق کی شود با تو
 (۴) ای خنک چشمی که او گریان اوست
- گریان به دم صبحم و نالان به سحرگاه
 پر از خون دل و چشم پر آب زرد
 جهان بر تو همی‌خندد چرایی تو بر او گریان
 ای همایون دل که او بریان اوست

۸۵- نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) چو بگذشت از پس آن جنگ دشوار
 (۲) چو آتش در سپاه دشمن افتاد
 (۳) اگر یک لحظه امشب دیر جنبد
 (۴) به فرزندان و یاران گفت چنگیز
- از آن دریای بی‌پایاب آسان
 ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد
سپیده‌دم جهان در خون نشیند
 که گر فرزند باید، باید این‌سان

۸۶- نقش واژه «فردا» در ابیات زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- الف) فکـنـده‌ایم به امروز کار فردا را
 ب) امروز هست شکر و ثنای تو بی‌قیاس
 ج) فردا همه یک‌رنگ شود طالب و مطلوب
 د) فردا هنوز نامد و خرم گذشت دی
- از این حیات چه آسودگی بود ما را
 فردا بود ثواب و ثنای تو بی‌شمار
 امروز یکی را که هزار است ببینید
 امروز روز توست به شادی همی گذار
- (۱) مضاف‌الیه، قید، نهاد (۲) مفعول، مسند، قید
 (۳) مفعول، مسند، قید، نهاد (۴) مضاف‌الیه، قید، نهاد، قید

درس چهارم: درس آزاد

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

درس پنجم: هم‌آوا

جفت‌کلماتی که املای متفاوت و تلفظ یکسان دارند. در جدول زیر نمونه‌ای از کلمات هم‌آوا را می‌بینید.

کلمات هم‌آوا	کلمات هم‌آوا
خوار: کم‌ارزش، حقیر / خار: تیغ گل	اسیر: گرفتار / عصیر: عصاره / اثیر: کُره آتش
خیش: گاواهن / خویش: ضمیر شخصی، فامیل	ثری: خاک و زمین / سرا: خانه
خاست: بلند شد / خواست: طلب کرد	ثواب: پاداش معنوی و اخروی / صواب: درست، صحیح
خان: رئیس و سرور / خوان: سفره	عَلَم: پرچم، رایت / آلم: درد و رنج
خُرد: کوچک / خورد: میل کرد	نصر: پیروزی / نسر: کرکس
سیف: شمشیر / صیف: تابستان	صبا: نام بادی که ... / سبا: نام شهری که ...
حیات: زندگی / حیاط: زمین با حد و حدود	اساس: بنیان و پایه / اثاث: لوازم خانه
غازی: جنگجوی دین، طناب‌باز / قاضی: قضاوت‌کننده	غریب: بیگانه / قریب: نزدیک

***توجه:** کلماتی مانند: گور (قبر، حیوان)، نهاد (ضمیر و باطن، فعل ماضی، قرار داد) و ... که تلفظ یکسان و معنای متفاوت دارند نیز هم‌آوا محسوب می‌شوند.

***توجه:** جفت‌کلماتی مانند: زَلّت و ذَلّت، سِلّاح و صِلّاح، عِمّارت و اَمّارت و ... «متشابه» می‌باشند و هم‌آوا محسوب نمی‌شوند. زیرا یک مصوّت متفاوت دارند و کلمات هم‌آوا باید دقیقاً مانند هم تلفظ شوند.

***یادآوری:** کلماتی مانند: یادگار، مهربان، آموزگار و ... که هم با ساکن و هم با کسره یا فتحه خوانده می‌شوند «دو تلفظی» هستند.

***توجه:** مبحث گروه اسمی و وابسته‌های پیشین و پسین نیز تکراری است. رجوع شود به درس سوم فارسی دهم.

۸۷- در همه ابیات به جز بیت گزینه واژه‌ای یافت می‌شود که «هم‌آوا» دارد.

- | | |
|---|---|
| ۱) ز جام گل دگر بلبل چنان مست می لعل است | که زد بر چرخ فیروزه، صفیر تخت فیروزی |
| ۲) خان اعظم که به احسان و شجاعت امروز | کعبه زو توشه‌ده و بتکده تاراج‌گر است |
| ۳) تفاوت در میان خوبرویان نقض یک‌رنگی است | به هر جا کاسه‌ی شیری است می‌باید شکر گشتن |
| ۴) ای دل اگر فراق او و آتش اشتیاق او | در تو اثر نمی‌کند تو نه دلی که آهنی |

۸۸- در کدام گزینه واژه «هم‌آوا» وجود ندارد؟

- ۱) و ثواب من آن است که بر ملازمت اعمال خیر که زبده همه ادیان است اقتصار نمایم.
- ۲) بدان که در عراق، مرا ضیعتی است پیوسته به مُلک تو، وکیل امیرالمؤمنین آن را به غضب از من ستده است.
- ۳) او از دشت می‌آمد و در زه هیزم بر سر نهاده لایق او چنان که هر که او را دید گفتی غریب است.
- ۴) پس قضای ایزدی چنان بود که در عهد او مزدک زندیق پدید آمد.

درس ششم: تکراری است. رجوع شود به شیوه بلاغی (درس یازدهم فارسی دهم) و جهش ضمیر (درس ششم فارسی دهم).

درس هفتم: تکراری است. رجوع شود به جمله ساده و مرکب (درس دهم فارسی دهم).

درس هشتم: نقش‌های تبعی

نقش‌هایی هستند که از گروه اسمی قبل از خود، تبعیت می‌کنند و سه نوع می‌باشند: معطوف، بدل، تکرار.

۱- معطوف: پس از واو عطف می‌آید و ارزش دستوری آن با واژه قبل از «واو» برابر است. یعنی اگر واو عطف و کلمه قبل آن نبودند، معطوف، نقش کلمه قبل واو را داشت.

علی و حسین آمدند	←	حسین آمد
نهاد		نهاد
معطوف		

***توجه:** واو عطف بین دو نقش غیر از فعل می‌آید. (واو عطف را با واو ربط اشتباه نگیریم).

علی و رضا به خانه رفتند و کتاب‌هایشان را آوردند.	
واو عطف	واو ربط

***نکته:** در صورتی که معطوف‌ها بیش از یک مورد باشند، با «ویرگول» جدا می‌شوند.

علی، حسین، مجید و رضا آمدند.			
نهاد	معطوف	معطوف	معطوف

***نکته:** «یا» نیز دیگر نشانه عطف است.

علی اکثراً از <u>کتاب</u> یا <u>جزوه</u> استفاده می‌کند.	
متمّم	معطوف

***یادآوری:** به درس نهم فارسی دهم مراجعه کنید و «انواع واو» را مجدداً بخوانید.

۲- بدل: کلمه یا کلماتی است که گروه اسمی پیش از خود را بهتر یا دقیق‌تر یا متفاوت معرفی می‌کند.

سعدی، معروف‌ترین غزل‌سرای قرن هفتم در شیراز درگذشت.
بدل

برادرم، محمد حسین، پزشک است.
بدل

*چند نکته مهم

۱- بدل، بدون نقش‌نمای اضافه می‌آید.

سعدی	شیرین کلام شیرازی	غزل سرا بود.
	بدل ✗	صفت ✓

سعدی	شیرین کلام شیرازی	غزل سرا بود.
	بدل ✓	

۲- بدل یک گروه اسمی است و جمله نیست و نباید فعل داشته باشد.

آن کودک،	که درس می‌خواند،	برادرم است.
	بدل ✗	جمله وصفیه (صفت) ✓

۳- مسند را با بدل اشتباه نگیریم.

برادرم	تندی‌سگر	است.
	بدل ✗	مسند ✓

۴- ضمیر مشترک (خود، خویش، خویشتن) بعد از ضمیر اصلی یا اسم، بدل محسوب می‌شود.

ما (یا معلّمان)	خود	این کار را انجام دادیم.
	بدل	

تو **خود** چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار
ما **خود** نمی‌رویم دوان در قفای کس
*نکته بسیار مهم: در این حالت در مواقع معدودی ممکن است «خود» ابتدا بیاید و «کلمه بعدی» بدل شود.

خویش را دیدند سیمرغ تمام
۵- کلماتی مانند «همه، همگی، جمله، جملگی و ..» در موارد مشابه زیر «بدل» محسوب می‌شوند.

دانش‌آموزان همه به کلاس رفتند. شهر جمله به خیابان‌ها ریختند.

۶- بدل از نظر تعداد واژه، می‌تواند از مُبدل‌منه کم‌تر باشد. در مثال زیر «سعدی» بدل است.

معروف‌ترین شاعر غزل‌سرای قرن هفتم، **سعدی**، شیرازی بود.

۳- تکرار: نقشی است که برای مقصودی مانند «تأکید»، تکرار می‌شود.

کتاب	را خواندم	کتاب
تکرار	مفعول	

علی	آمد	علی
تکرار	نهاد	

*نکته: توجه داشته باشید که آرایه تکرار را با نقش تکرار اشتباه نگیریم. در مثال زیر «دست» فقط آرایه تکرار دارد.

ز دست رفته نه تنها منم در این سودا
چه دست‌ها که ز دست تو بر خداوند است
متّم نهاد

هیچ‌کدام از این سه «دست» نقش تکرار ندارند. اما آرایه تکرار دارند.

***نکته:** نقش تکرار باید در یک جمله باشد. در مثال فوق «دست» ۲ بار در نقش «متمم» آمده است و نقش «متمم» تکرار شده است ولی نقش «تکرار» ندارد.

برای من مگریّ و، مگو دریغ! دریغ
نقش و آرایه تکرار

دید پیمبر نه به چشمی دگر
بلکه بدین چشم سر این چشم سر
نقش و آرایه تکرار

***نکته:** هر «نقش تکرار»، آرایه تکرار هم دارد، ولی برعکس آن صادق نیست. یعنی هر «آرایه تکراری»، نقش تکرار ندارد.

***نکته:** به بیت زیر توجه کنید. هیچ نقش تبعی در آن به کار نرفته است!!!

رفته‌رفته با تو پیوستم ز خود تار و پود خود گسستم از خودی

«رفته‌رفته» تکرار محسوب نمی‌شود، چون یک کلمه (مشتق مرکب یا وندی مرکب) است.

«تاروپود» معطوف محسوب نمی‌شود، چون یک کلمه (مشتق مرکب یا وندی مرکب) است.

«خود» دوم بدل نیست، چون قبل آن نقش‌نمای - وجود دارد و نقش آن مضاف‌الیه می‌شود.

«خود» دوم نقش تکرار هم ندارد چون اولاً نقش‌های متفاوتی دارد، ثانیاً در جملات متفاوتی به کار رفته‌اند.

«خودی» هم کلاً یک کلمه دیگر است و با «خود» فرق دارد.

۸۹- نقش «تبعی» در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

(۱) امیر از آن جهان آمده، به خیمه فروآمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود و برنشست.

(۲) گفت: بونصر را بگوی که امروز دُرستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.

(۳) این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد. تا نزدیک نماز پیشین از این مهمات فارغ شده بود.

(۴) امیر را یافتم آنجا بر زبر تخت نشسته، مخنقه در گردن، عقدی همه کافور و بوالعلا طیب آنجا نشسته بود.

۹۰- در کدام عبارت «نقش تبعی» وجود ندارد؟

(۱) نثر داستانی اکنون مهم‌ترین نوع ادبی اروپا و مهم‌ترین نوع ادبی جهان امروز است و خود اقسامی دارد.

(۲) در نگاه نخست، طنز برای شوخی و خنده است، ولی بعد روشن می‌شود که طنزنویس از نارسایی‌ها و ناروایی‌های جامعه رنج می‌برد.

(۳) شعر انسانی به مسائل وطن‌پرستی، بشردوستی، مخالفت با استعمار و تسلط بیگانگان، محبت به فرزندان و خانواده و آزادی‌خواهی می‌پردازد.

(۴) نکته مهمی که لزوم اخلاق جدید را مطرح می‌سازد، این است که اخلاق، از بنیادهای اجتماعی است و دارای تمام خصوصیات این بنیادهاست.

۹۱- در کدام یک از ابیات زیر نقش تبعی «معطوف» وجود دارد؟

الف) حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی	دام تزویر مکن چون دگران قرآن را
ب) گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است	چشم همه بر لعل لب و گردش جام است
ج) دور از رخ او دم‌به‌دم از چشمه چشمم	سیلاب سرشک آمد و طوفان بلا رفت
د) بُست خود را بشکن خوار و ذلیل	نامور شو به فتوت چو خلیل
هـ) جوابم گوی و زجرم کن به هر تلخی که می‌خواهی	که دشنام از لب لعلت به شیرین‌تر دعا ماند

(۱) الف، ب

(۲) ج، د

(۳) ب، د

(۴) ج، هـ

۹۲- نقش «تَبَعی» در کدام گزینه کمتر به کار رفته است؟

- (۱) بصیرت‌ها گشاده هر نظر حیران در آن منظر
(۲) ز عشقت بی‌قرار آید دل و تن
(۳) پادشاه، چو دل از غیر تو پرداخته‌ام
(۴) تو خود به جوشن و برگستان نه محتاجی
- دهان پُر قند و پُر شکر، تو خود باقیش را برگو
شود اسرار کَلّی جمله روشن
لطف کن لطف دمی با من بیدل پرواز
که روز معرکه بر خود زره کنی مو را

درس نهم: تکراری است. رجوع شود به اجزای جمله (درس یکم فارسی دهم).

درس دهم: تکراری است. رجوع شود به روابط معنایی (درس یکم فارسی یازدهم) و نقش کلمات (درس یکم فارسی دهم)

درس یازدهم: تکراری است. رجوع شود به صفت بیانی (درس سوم فارسی دهم).

درس دوازدهم: تکراری است. رجوع شود به واژه‌ها در گذر زمان، تحوّل معنایی (درس هشتم فارسی دهم).

درس سیزدهم: درس آزاد

درس چهاردهم: تکراری است. رجوع شود به گروه اسمی و هسته (درس سوم فارسی دهم).

درس پانزدهم: حذف شناسه به قرینه‌ی فعل قبلی

در زبان معیار، فعل از نظر شناسه و شمار باید با نهاد خود مطابقت داشته باشد. به جز مواردی مانند احترام (پیامبر اکرم فرمودند: ...)، نهاد غیر جاندار (شاخه‌ها شکست.) و مواردی مانند آن‌ها، هیچ امکان عدم مطابقتی نیز وجود ندارد. ولی در دستور تاریخی گاه شناسه فعل را به قرینه وجود داشتن در فعل قبلی حذف می‌کردند. و فعل آن جمله با نهاد خود، در شمار و تعداد مطابقت نمی‌کرد.

شیران غریدند و به اتفاق، آهو را از دام **رهانید**. ← به جای رهانیدند.

کیوتران فرمان وی بکردند و دام برکندند و سرخویش **گرفت** ← به جای گرفتند.

***توجه:** تغییر معنای افعال را، در درس پنجم فارسی دهم مطالعه کنید.

درس شانزدهم: تکراری است. رجوع شود به گروه اسمی (درس سوم فارسی دهم).

درس هفدهم: تکراری است. رجوع شود به واو عطف و ربط (درس نهم دهم)، روابط معنایی کلمات (درس یکم فارسی یازدهم)

و اسم و صفت مشترک با قید (درس سوم فارسی یازدهم).

درس هجدهم: تکراری است. رجوع شود به زمان افعال (درس دوم دهم) و گروه اسمی (درس سوم دهم).

دستور زبان فارسي دوازدهم

درس اول: تکراری است. رجوع شود به جهش ضمير (درس ششم فارسي دهم) و حذف فعل به قرينه (درس دوم فارسي دهم) و هم‌آوا (درس پنجم فارسي يازدهم).

درس دوم: تکراری است. رجوع شود به تغيير معنای افعال (درس پنجم فارسي دهم).

درس سوم: تکراری است. رجوع شود به نقش کلمات (درس يکم فارسي دهم) و حذف فعل به قرينه (درس دوم فارسي دهم).

درس چهارم: درس آزاد

درس پنجم: تکراری است. رجوع شود به گروه اسمی (درس سوم فارسي دهم).

درس ششم: تکراری است. رجوع شود به واژگان در گذر زمان (درس هشتم فارسي دهم) و تغيير معنای افعال (درس پنجم فارسي دهم) و نقش کلمات (درس يکم فارسي دهم)

درس هفتم: تکراری است. رجوع شود به اجزای جمله (درس يکم فارسي دهم)

درس هشتم و نهم: وابسته‌های وابسته

پيش‌تر گفتيم که گروه اسمی مجموعه‌ای از کلمات است که از یک اسم «هسته» و وابسته‌های پيشين و پسین ساخته شده است. مانند: دو کتاب، آن مرد، کتاب خوب، ماشين پدر، «دو، آن، خوب، پدر» وابسته‌های اسم بودند. اين وابسته‌ها خود نیز می‌توانند وابسته‌هایی داشته باشند که به آن‌ها «وابسته‌های وابسته» می‌گویند. وابسته‌های وابسته ۵ مورد می‌باشند: **مميز**،

مضاف‌الیه مضاف‌الیه، صفت مضاف‌الیه، صفت صفت و قيد صفت

۱- مميز: کلماتی مانند «تُن، تخته، دست، متر، کیلو، رأس و ...» که برای شمارش تعداد یا اندازه و وزن و ... میان صفت شمارشی و موصوف می‌آیند. مانند: چهار رأس گوسفند، دو دستگاه خودرو، چهار نفر شتر، چهار تا ميز و ...

***توجه:** نمودار و جهت فلش‌های وابسته‌های وابسته بسیار مهم می‌باشند.

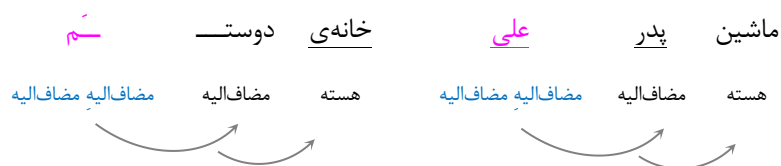
نمودار مميز به صورت زیر می‌باشد.

دو جلد کتاب

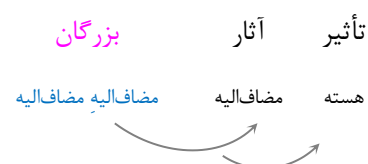
صفت شمارشی مميز هسته



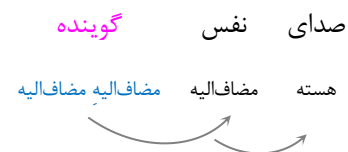
۲- مضاف‌الیه مضاف‌الیه: مضاف‌الیه وابسته پسین اسم است که خود نیز می‌تواند وابسته‌ای از نوع مضاف‌الیه داشته باشد. اسم یا ضمیری که بعد از مضاف‌الیه بیاید، مضاف‌الیه آن می‌شود.



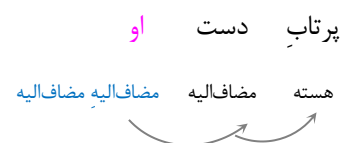
***نکته:** واژه‌ای که نشانه‌ی جمع بگیرد، در حکم اسم می‌باشد و اگر بعد از اسمی بیاید، مضاف‌الیه آن اسم محسوب می‌شود (حتی اگر ساختار صفت داشته باشد).



***نکته:** بعضی واژگان ساختار صفت دارند، ولی کاربرد اسمی پیدا کرده‌اند. آن‌ها نیز می‌توانند مضاف‌الیه مضاف‌الیه باشند.



***نکته:** تمامی ضمیرها در حکم اسم هستند و می‌توانند مضاف‌الیه یا مضاف‌الیه مضاف‌الیه باشند.



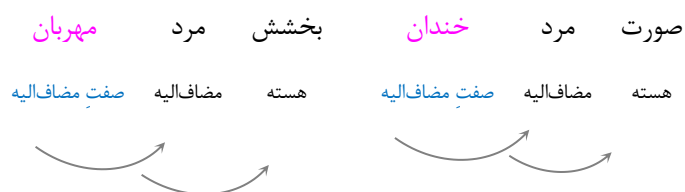
***نکته:** در ساختار مضاف‌الیه مضاف‌الیه ممکن است بین اسم‌ها صفت یا صفت مضاف‌الیه بیاید.

کتاب گران قیمت معلم مدرسه کتاب آن معلم مدرسه کتاب معلم مهربان مدرسه

***نکته:** صفت بدون موصوف در حکم اسم محسوب می‌شود و می‌تواند مضاف‌الیه مضاف‌الیه باشد.

برگه کتاب آن خوش منظر انگشت دست سیم‌تن

۳- **صفتِ مضاف‌الیه:** مضاف‌الیه می‌تواند صفت داشته باشد و آن صفت، وابسته‌ی وابسته محسوب می‌شود.

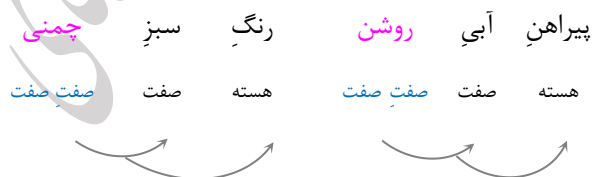


***نکته:** صفتِ مضاف‌الیه می‌تواند از نوع صفت‌های پیشین باشد. در این صورت نمودار آن فرق خواهد کرد.



۴- **صفتِ صفت:** برخی از صفت‌ها، صفت‌های همراه خود را بیشتر معرفی می‌کنند و درباره ویژگی آن‌ها توضیح می‌دهند، این صفت با

صفت قبل خود، یک‌جا وابسته‌ی هسته می‌شود. (صفتِ صفت، نمی‌تواند صفت پیشین باشد. صفت نسبی و صفت مطلق است.)

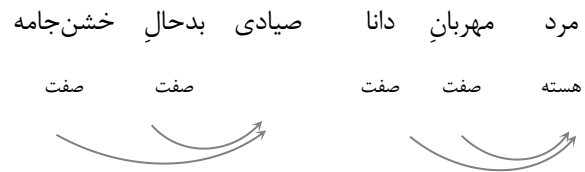


***توجه (این نکته اصلاً برای کنکور نیست):** در مثال‌های کتاب و دیگر کتب دستوری، صفتِ صفت را فقط در محدوده رنگ‌ها

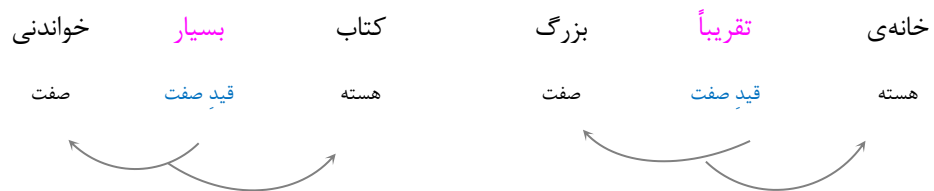
آورده‌اند. مانند «پیراهنِ سبزِ یشمی، لباسِ آبیِ آسمانی و ...». شما هم برای کنکور بیشتر به همین حالت توجه کنید، ولی صفتِ صفت می‌تواند صفتی غیر از رنگ باشد.



***نکته بسیار مهم:** توجه داشته باشیم که گاه یک هسته چندین صفت می‌گیرد که نباید صفت دوم را «صفتِ صفت» در نظر بگیریم. «دانا» و «خشن‌جامه» صفت‌هایی هستند که از هسته خود فاصله دارند و نباید آن‌ها را صفت کلمه قبل خود (یعنی صفت قبلی) در نظر گرفت.

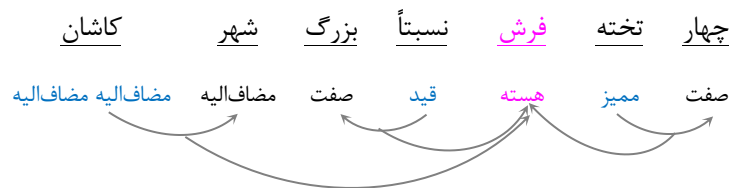
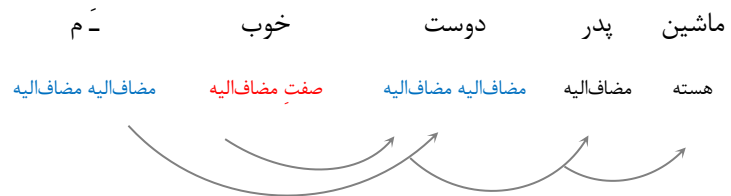


۵- قیدِ صفت: قیدی که اندازه، درجه و ویژگی‌های صفت بعد از خود را توضیح می‌دهد. (این صفت لزوماً صفتِ بیانی است).



***توجه:** توجه داشته باشید خود واژه قید نقش‌نمای اضافه ندارد.

***توجه:** یک اسم یا هسته می‌تواند چندین وابسته یا چندین وابسته‌ی وابسته داشته باشد.



***نکته بسیار مهم:** وابسته‌ی وابسته از نوع «مضاف‌الیه صفت» نداریم. به ترکیبات زیر دقت کنید.



***توجه:** تسلط در درست خواندن شعر در حل تست هر مبحثی مهم است ولی در این مبحث بسیار مهم است. در خوانش ابیات زیر به خصوص ابیات «الف و د» در صورت غلط خواندن نوع وابسته وابسته فرق خواهد کرد. در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟ (ریاضی ۹۹)

- | | |
|---|----------------|
| (الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبزخطان را | (۱) الف، ب، هـ |
| (ب) مگر دیده است چشم خوش نگاه آن سمن بر را؟ | (۲) الف، ج، د |
| (ج) نیچد سر ز زخم گاز شمع ما سیه‌روزان | (۳) ب، ج، د |
| (د) دل خود را به صد امید کردم چاک از این غافل | (۴) ب، ج، هـ |
| (هـ) عرق رخسار آن خورشید طلعت برنمی‌دارد | |

۹۳- در متن زیر چند «وابسته‌ی وابسته» وجود دارد؟

«در هوای نسبتاً سرد زمستان سال قبل، با دوست هم‌کلاسی‌ام، به بزرگترین پارک شهرمان رفتیم. و یک روز خوب به یادمانی را با هم تجربه کردیم.»

- (۱) شش (۲) پنج (۳) چهار (۴) سه

۹۴- نوع وابسته مضاف‌الیه در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) نمایه دسترسی زود و آسان را به اطلاعات نقد و گفت‌وگو با انواع جست‌وجوهای پیشرفته فراهم می‌کند.
- (۲) تدوین مراجع گوناگون کار پژوهش را برای محققان بسیار آسان نموده است.
- (۳) من بعد از خواندن این مطلب متوجه شدم که دنیا عجیب فراموش‌کار است. بیست سی سال پیش چه کار کرده که امروز اصلاً به خاطر نمی‌آورد.
- (۴) جریان نگارش سرگذشت‌نامه از گذشته تاکنون در ادبیات فارسی رواج داشته است.

۹۵- در منظومه زیر چند «وابسته وابسته» وجود دارد؟

«من صدای قدم خواهش را می‌شنوم / تپش قلب شب آدینه / جریان گل میخک در فکر / شیشه پاک حقیقت از دور / و صدای متلاشی شدن شیشه شادی در شب / پاره‌پاره شدن کاغذ زیبایی»

- (۱) هفت (۲) هشت (۳) نه (۴) ده

۹۶- نوع وابسته‌ی وابسته به کار رفته در بیت زیر، در کدام یک از گزینه‌ها تکرار شده است؟

«هزار دیده چو پروانه بر جمال تو عاشق غلام مجلس آنم که شمع مجلس اویی»

- | | |
|---|------------------------------------|
| (۱) هر صبح‌حی غمی از دور زمان پیش آید | گویم این نیز نهم بر سر غم‌های دگر |
| (۲) تا چه خواهد کرد با من دور گیتی زین دو کار | دست او در گردنم یا خون من در گردنش |
| (۳) گوش دلم بر در است، تا چه بیاید خبر | چشم امیدم به راه، تا که بیارد پیام |
| (۴) ماه چنین کس ندید، خوش‌سخن و کش خرام | ماه مبارک‌طلوع، سرو قیامت‌قیام |

۹۷- نوع وابسته‌ی وابسته در همه ابیات یکسان است؛ به جز:

- | | |
|---|---------------------------------------|
| (۱) دیوانه‌ی قلمرو صحرای وحشتیم | ما را سواد شهر بود آیهی عذاب |
| (۲) ای بـرق اگـر به گوشه‌ی آن بام بگذری | آنجا که باد زهره ندارد خبر بری |
| (۳) چون قضا سلسله‌ی زلف تو عالم‌گیر است | گردنی نیست که در حلقه‌ی زَنار تو نیست |
| (۴) نـاز اسـت سـد راه و گـرنه در اشتیاق | فرقی میانه‌ی دلِ ما و دلِ تو نیست |

۹۸- نمودار کدام ترکیب، درست رسم شده است؟

- | | |
|----------------------|---------------------------|
| (۱) حلقه زلف سیا هـش | (۲) حسرت آن لعل روانبخش |
| (۳) غلام همّت آن رند | (۴) آن زیارتگه رندان جهان |

۹۹- در کدام گزینه وابسته‌ی وابسته وجود دارد؟

- | | |
|---|--|
| (۱) دو چشم مست می‌گونت، بَرَد آرام هشیاران | دو خواب‌آلوده بر بودند، عقل از دست بیداران |
| (۲) تو با این مردم کوتاه‌نظر در چاه کنعانی | به مصر آ تا پدید آیند یوسف را خریداران |
| (۳) الا ای باد شب‌گیری، بگوی آن ماه مجلس را | تو آزادی و خلقی در غم رؤیت گرفتاران |
| (۴) گـرت بـاری گذر باشد، نگه با جانب ما کن | نـپندارم که بد باشد، جزای خوب‌کرداران |

درس دهم: تکراری است. رجوع شود به مبحث هم آوا (درس پنجم فارسی یازدهم) و انواع واو (درس نهم فارسی دهم) و نقش

کلمات (درس یکم فارسی دهم)

درس یازدهم: ضمیر و مرجع ضمیر

ضمیر کلمه‌ای است که از تکرار یک اسم جلوگیری می‌کند. کلمه‌ای که از تکرارش جلوگیری می‌شود «مرجع ضمیر» نامیده

می‌شود که طبق قاعده باید پیش از ضمیر بیاید.

علی به خانه رفت و کیفش را آورد.

مرجع ضمیر ضمیر

مهم‌ترین و پرکاربردترین ضمیرها، ضمائر شخصی می‌باشند که به دو دسته تقسیم می‌شوند.

ضمیر پیوسته (متصل): مَ، تَ، شَ، مانَ، تانَ، شانَ

ضمیر گسسته، جدا (منفصل): من، تو، او، ما، شما، ایشان

ضمیر، تقسیم‌بندی گسترده‌تری دارد که خیلی مختصر به آن اشاره می‌شود.

ضمیر مشترک: خود، خویش، خویشان

ضمیر اشاره: این، آن، اینان، آنان، همین، همان

***توجه:** «این» و «آن» زمانی ضمیر (اشاره) محسوب می‌شوند که وابسته‌ی واژه‌ای نباشند و تنها آمده باشند.

من این خانه را دوست دارم. (این: صفت اشاره)

من این را دوست دارم. (این: ضمیر اشاره)

***توجه:** برای مبحث زمان افعال، به درس دوم فارسی دهم مراجعه شود.

درس دوازدهم: تکراری است. رجوع شود به تغییر معنای افعال (درس پنجم فارسی دهم) و روابط معنایی واژگان (درس یکم فارسی یازدهم)

درس سیزدهم: تکراری است. رجوع شود به گروه اسمی (درس سوم فارسی دهم)

درس چهاردهم: تکراری است. رجوع شود به اجزای جمله (درس یکم فارسی دهم) و نقش‌های تبعی (درس هشتم فارسی یازدهم)

درس پانزدهم: درس آزاد

درس شانزدهم: تکراری است. رجوع شود به نقش کلمات (درس یکم فارسی دهم) و انواع جمله (درس دهم فارسی دهم)

درس هفدهم: پسوند «ان»

معروف‌ترین و بیشترین کاربرد «ان» نشانه‌ی جمع بودن است. اما گاه بر مفاهیم دیگری نیز دلالت دارد.

نشانه زمان: سحرگاهان، بامدادان، شامگاهان، بهاران

نشانه مکان: دیلمان (مکان دیلم‌ها)، خاوران: (محل خاور؛ شرق)، باختران: (محل باختر؛ غرب)، گیلان، توران، سنگان

نشانه شباهت: کوهان (کوهان شتر: مانند کوه)

نشانه نسبت: کاویان (منسوب به کاوه)، بابکان (منسوب به بابک)

نشانه صفت فاعلی: خندان، جویان، دوان، روان، سوزان

نکته بسیار مهم: «ان» در بعضی از کلمات جزئی از واژه است و پسوند نمی‌باشد. مانند: دوران، عمران، عطشان و ...

۱۰۰- پسوند «ان» در قافیه‌های کدام ابیات، کاربرد و مفهوم دوگانه دارد؟

الف) عاقلان کی دل به دست زلف دلداران دهند

ب) ای شاه تاج‌داران، وی تاج شه‌ریاران

ج) تا چند دم از گـل زنی ای باد بهاران

د) چه خوش است بوی عشق از نفس نیازمندان

(۱) الف، د (۲) ب، ج (۳) ج، د (۴) ج، الف

۱۰۱- در ابیات زیر چند «ان» به مفهوم جمع دلالت می‌کند؟

الف) اردشیر بابکان بنهاد بر سر تاج داد	بازوی مردی به دفع تاجداران برگشاد
ب) موی او تاری و تیره چون روان اهرمن	روی او تابان درخشان همچو جان جبرئیل
ج) پلنگان بنالغند در کوهساران	هژیران بمی‌رند در نیستان‌ها
۱) چهار	۲) پنج
۳) شش	۴) هفت

درس هجدهم: تکراری است. رجوع شود به حذف فعل به قرینه (درس دوم فارسی دهم)

*توجه: تعداد جمله‌های یک بیت یا عبارت یکی از مباحث مهم است که اخیراً دوباره در کنکور مطرح شده است. برای به

دست آوردن تعداد جمله‌های یک بیت باید به موارد زیر دقت کنیم:

تعداد فعل‌ها را بشماریم. فعل‌های محذوف را بشماریم. تعداد منادا را بشماریم. به تعداد شبه‌جمله از نوع صوت (آخ، وای، زهی،

زینهار، وه و ...) جمله داریم. هر فعل از جمله مرکب را یک جمله می‌شماریم.

قسم به جان تو گفتن طریق عزت نیست
به خاک پای تو و آن هم عظیم سوگند است

۳ جمله

آن چنان سخت نیاید سر من گر برود
نازنینا که پریشانی مویی ز سرت

۴ جمله

عجب در آن که تو مجموع و گر قیاس کنی
به زیر هر خم مویت دلی پراکنده است

۴ جمله

من رمیده دل آن به که در سماع نیایم
که گر به پای درآیم به در برند به دوشم

۴ جمله

بیا ای دل از اینجا پر بگیریم ۳ جمله

آمدی وه که چه مشتاق و پریشان بودم ۳ جمله

*پیش از تست زنی به این نکته توجه داشته باشید:

۱ - سعی کنید معنای ابیات و عبارات را بفهمید و در هر سوال نهاد و مفعول و ... را نیز تشخیص دهید. فهمیدن معنا و مفهوم و نقش کلمات در هر تستی می‌تواند به ما کمک کند.

۲ - سعی کنیم ابیات و عبارات را سالم و درست بخوانیم. چرا که با اشتباه خواندن ممکن است کلمه‌ای را به صورت مضاف‌الیه بخوانیم در صورتی که مضاف‌الیه نباشد. و این اشتباهات، معنای عبارات را کلاً تغییر می‌دهد.

ساختمان واژه یکی از مهم‌ترین مباحث صرف است که البته از کتاب‌های جدید حذف شده است. ولی کماکان از واژگان مرکب سوال می‌آید. به خاطر اهمیت آن مختصراً اشاره‌ای به آن می‌شود.

به تجزیه واژه‌ی مقابل دقت کنید:



این واژه از دو قسمت تشکیل شده است که به هر کدام از آن‌ها «تکواژ» می‌گویند. تکواژ، کوچک‌ترین واحد معنادار زبان فارسی است و به دو نوع «تکواژ آزاد یا مستقل» و «تکواژ وابسته» تقسیم می‌شود. (همانطور که از تعریف برمی‌آید تکواژ وابسته نیز معنا دارد و در همین مثال «مَند» معنای «دارندگی و دارا بودن» دارد. اما بعضی دبیران به اشتباه تکواژ وابسته را تکواژی تعریف می‌کنند که به تنهایی معنا ندارد. در حالیکه به تنهایی معنا دارد و تفاوت آن با تکواژ آزاد در این است که به تنهایی به کار نمی‌رود).

تکواژ آزاد یا مستقل: تکواژی است که به تنهایی به کار می‌رود.

مانند: نیرو، بلند، دست، بدن، کار، تهران، ادب، مرد، راه، بزرگ و...

تکواژ وابسته: تکواژی است که به تنهایی به کار نمی‌رود.

مانند: مَند، ومند، گار، گر، ور، ار، ان، ناک، انه، انی، ین، ینه، یه، دان، زار، چه، نَده، ک، ی، ه و...

با توجه به انواع تکواژ، واژگان از نظر ساخت به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- ساده: واژه‌ای است که فقط از یک تکواژ ساخته شده باشد. (مسلماً آن تکواژ باید تکواژ آزاد باشد). مانند: سرد، گرم، ادب، بزرگ، دست، سبز، کار، گل، کتاب و...

۲- وندی: واژه‌ای است که یک تکواژ آزاد و یک یا چند تکواژ وابسته یا وند داشته باشد. مانند: نویسنده (نویس + نَده)، گلزار (گل + زار)، توانا (توان + ا)، درختان (درخت + ان)، بزرگ‌تر (بزرگ + تر)، بی‌ادب (بی + ادب)، بی‌ادبی (بی + ادب + ی)، دانش (دان + ی_ش)، دانشمند (دان + ی_ش - مَند)، بی‌دقتی (بی + دقت + ی) و...

***توجه:** عده‌ای (کتاب درسی!) واژگان «مشتق» را معادل «وندی» در نظر می‌گیرند. اما تفاوتی بین واژه مشتق و واژه‌ی وندی وجود دارد که کتاب‌های درسی به آن اشاره نکرده است. با توجه به این که تکواژهای وابسته دو نوع **اشتقاقی و تصریفی** می‌باشند، هر واژه وندی‌ای نمی‌تواند مشتق باشد. به طور مثال واژگان «نویسنده، خندان، گلزار، نیرومند، توانا و...» هم وندی و هم مشتق می‌باشند، اما واژگان «درختان، خوبتر، مردی (یک مرد)، کتاب‌ها، بزرگ‌ترین و...» فقط وندی هستند و مشتق محسوب نمی‌شوند.

***توجه:** «نشانه‌های جمع، تر، ترین، ی نکره» تکواژ تصریفی محسوب می‌شوند.

۳- مرکب: واژه‌ای است که از دو یا چند تکواژ آزاد ساخته شده باشد. مانند: قد بلند (قد + بلند)، سرسخت (سر + سخت)، کتاب‌خانه (کتاب + خانه)، چهار راه (چهار + راه)، آب میوه‌گیر (آب + میوه + گیر)، سربازخانه (سر + باز + خانه) و ...

۴- وندی - مرکب: واژه‌ای است که از دو یا چند تکواژ آزاد و یک یا چند تکواژ وابسته ساخته شده باشد. مانند: دانش‌آموز (دانش + آموز) — ش + آموز، دوچرخه (دو + چرخ + ه)، آزادسازی (آزاد + ساز + ی)، گل‌خانه‌ها (گل + خانه + ها)، قد بلندترین (قد + بلند + ترین) و ...

***نکته بسیار مهم:** مثال‌های فوق از نظر صرفی اسم یا صفت بودند. باید توجه داشته باشیم که گاه در سؤال علاوه بر «ساده، وندی، مرکب، وندی - مرکب» باید به نوع اسم یا صفت بودن کلمه دقت کنیم.

سوال: کدام کلمات «اسم مرکب» هستند؟

دندان، کتاب‌خانه، چهار راه، دانش‌آموز، قد بلند

پاسخ: «کتاب‌خانه» و «چهار راه» اسم مرکب هستند ولی «قد بلند» صفت مرکب است. «دندان» نیز اسم وندی و «دانش‌آموز» وندی-مرکب است.

***نکته:** بین تکواژهای کلمات مرکب و وندی-مرکب، نباید نقش نمای «- ی ای» بیاید.

رامسر سربز است.	سرسبز: واژه مرکب است.
زبانِ سرخ، سِر سبز می‌دهد بر باد.	سِر سبز: واژه مرکب نیست.

***توجه:** ضمیر متصل یک واژه مستقل محسوب می‌شود و در ساخت کلمه‌ی متصل به آن تأثیری ندارد.

کتابم	گلزارش	کتابخانه‌مان	دوچرخه‌ام
ساده	وندی	مرکب	وندی-مرکب

***نکته:** بعضی تکواژها هم می‌توانند تکواژ آزاد باشند و هم تکواژ وابسته. باید دید در واژه مورد نظر کدام کاربرد را دارند. به طور مثال تکواژهای «دان» و «زار» در کلمات «دانش» و «زاری»، تکواژ آزاد و در کلمات «قنددان» و «گلزار» تکواژ وابسته‌اند. (این‌ها در اصل دو تکواژ جدا هستند که فقط ظاهر یکسان دارند.)

۱۰۲- واژه‌های کدام گزینه، تماماً «اسم وندی» هستند؟

- (۱) قهوه‌چی، باغبان، کشتیبان
(۲) گلدان، رودکی‌وار، قالیچه
(۳) گوشواره، برخوردار، اتاقک
(۴) شکرانه، گلزار، نسوز

۱۰۳- در عبارت زیر، به ترتیب چند واژه «مرکب» و «وندی - مرکب» وجود دارد؟

«ز لحاظ آشنایی با ادبیات، سعدی برای من مانند شیر آغوز بود برای طفل که پایه عضله و استخوان‌بندی او را می‌نهد. ذوق شعری من از همان آغاز پرتوقع شد و چون مرتبی کارآموزدهای نداشتم، در کورمال کورمال ادبی، آغاز به راه رفتن کردم.»

- (۱) سه، سه (۲) دو، دو (۳) دو، سه (۴) یک، دو

۱۰۴- در چند بیت، هر سه نوع واژه «وندی، مرکب و وندی-مرکب» وجود دارد؟

- (الف) شهری ز تو زیر و زبر هم بی‌خبر هم باخبر
(ب) روزی که عکس روی او بر روی زرد من افتد
(ج) آن پیک نامور که رسید از دیار دوست
(د) ماه‌رویا، مهربانی پی‌شده کن
- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۱۰۵- تعداد واژه‌های دارای ساختمان غیر ساده در کدام گزینه کمتر است؟

- (۱) مردم‌سالاری دینی و عبور از نظام سلطه
(۲) جایگزینی مرده‌پرستی با تقدیر از مشاهیر کنونی
(۳) شرح بی‌نظم داستان زندگی پیامبر
(۴) پاسخ‌گویی به پرسش‌های دانشجویان معترض

۱۰۶- در متن زیر، که درباره‌ی کتاب «دون کیشموت» است، به ترتیب چند واژه‌ی «مشتق، مرکب و مشتق-مرکب» وجود دارد؟

«کتاب اثر نویسنده‌ای اسپانیایی است. او بخش اول این کتاب خواندنی را که داستان زندگی فردی است که دچار توهم است، در زندان نوشت. در این کتاب، نقش اصلی داستان خود را شوالیه می‌پندارد و کوه و درخت را دشمن خود. تأثیرگذاری این کتاب بر جریان‌های داستان‌نویسی، انکارشدنی نیست.»

- (۱) چهار، صفر، سه (۲) چهار، یک، دو (۳) پنج، صفر، سه (۴) پنج، یک، سه

۱۰۷- در متن زیر به ترتیب چند واژه «مشتق، مرکب و مشتق-مرکب» وجود دارد؟

«ایشان در نوشته‌هایی گران قدر که برای سال‌های پس از حیاتش باقی گذاشت، دولت‌هایی را که با الگوگیری از حکومت ایرانیان پیش از اسلام به مملکت‌داری می‌پرداختند، حکومت‌هایی آرمانی می‌خواند. واضح است که وی با قدرتمندانی که در مناطقی کوچک، فرمانداری‌هایی خودمختار داشتند، اختلاف عقیده داشت.»

- (۱) چهار، دو، سه (۲) سه، دو، یک (۳) چهار، دو، یک (۴) سه، سه، دو

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی

تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سماعتی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تلگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

۱۰۸- در کدام گزینه، دو ترکیب وصفی و دو ترکیب اضافی وجود دارد؟ (ریاضی ۱۴۰۰)

- (۱) عزمت ضامن دوام جهان شد / که جهان با دروغ می‌باشد / و خون تو، معنای «راستی» است.
- (۲) آه! ای مرگ تو معیار! / مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / که مردنی چنان / غبطه بزرگ زندگانی شد.
- (۳) بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمه خود باز بمان / بگذار بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم.
- (۴) در گذرگاه تاریخ ایستاده‌ای / با جامی از فرهنگ / و بشریت رهگذار را می‌آشامانی / هر عاشقی را که تشنه شهادت است.

۱۰۹- تعداد جمله‌های کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟ (ریاضی ۱۴۰۰)

- «چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت
- (۱) گفتمش مهر فروغی بـه تو روز افزون است
- (۲) قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست
- (۳) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت
- (۴) جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش
- ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد»
- گفت من هم به خلافتش دل پر کین دارم
- قرار چیست، صبوری کدام و خواب کجا
- آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت
- آنک امام ما علم بگرفته بر دوش

۱۱۰- با توجه به سروده زیر، همه گزینه‌ها درست است، به جز:

- «صد تیغ جفا بر سـر و تن دید یکی چوب
- دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی
- (۱) نقش «دَش» مفعول و «مرداد» مسند است.
- (۲) دو وابسته پیشین و دو وابسته پسین به کار رفته است.
- (۳) واژه هم‌آوا و رابطه معنایی تضاد در سروده می‌توان یافت.
- (۴) حرف ربط هم پایه ساز و وابسته ساز «هر دو» یافت می‌شود.
- تا شد تهی از خویش و نیاش نام نهادند
- مرداد مه و گاه دی‌اش نام نهادند»

۱۱۱- اجزای کدام مصراع‌ها «نهاد + مسند + فعل» است؟ (ریاضی ۱۴۰۰)

- (الف) نیست جانم محرم اسرار عشق
- (ب) سر پر ز شرم و بهایی مراست
- (ج) هم حرکاتش متناسب به هم
- (د) مرا در نهانی یک دشمن است

(۴) ج - د

(۳) ب - د

(۲) الف - ج

(۱) الف - ب

۱۱۲- نقش قسمت‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟

(ریاضی ۱۴۰۰)

«ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش
جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توسست

وز تشنگیات فرات در جوش و خروش
دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش»

(۱) نهاد، مسند، مسند، مفعول

(۲) نهاد، متمم، مسند، قید

(۳) منادا، مسند، مضاف‌الیه، قید

(۴) منادا، متمم، مسند، مفعول

۱۱۳- در جملات کدام ابیات «هم شیوه بلاغی و هم شیوه عادی» مشاهده می‌شود؟

(تجربی ۱۴۰۰)

(الف) نیست جانش محرم اسرار عشق
(ب) از عمر ذوق دیدم وقتی که با تو بودم
(ج) جانا هزاران آفرین بر جانت از سر تا قدم
(د) ای تو با جمله و تنها ز منی فی الجملة
(ه) سیاوش سیه را به تندی بتاخت
(۱) الف - ب - ه (۲) ب - ج - ه

هر که را در جان غم جانانه نیست
ذوقی چنان ندارد بی‌دوست زندگانی
صانع خدایی کاین وجود آورد بیرون از عدم
نور چشم منی و جان دل تنهایی
نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت
(۳) ب - د - ه (۴) ج - د - ه

۱۱۴- در کدام بیت، حذف فعل به قرینه معنوی و جمله اسنادی مشهود است؟

(تجربی ۱۴۰۰)

(۱) پیاله از تو نگیرم بیار می ساقی
(۲) به راه عشق که از هر غمی گریزی نیست
(۳) به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست
(۴) یوسف حسن تو را ای جان هزاران مشتری است

که در سرای مغان جای خرده‌گیری نیست
هزار شکر که ما را غم فقری نیست
که مونس دم صبحم دعای دولت توسست
چون الهی عاشق مفلس در این بازار نیست

۱۱۵- صفت‌های «فاعلی - مفعولی - نسبی - لیاقت» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

(تجربی ۱۴۰۰)

(الف) خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد
(ب) جلوه کند چو قسامتش زیر قبای زرفشان
(ج) تا عهد تو دربستم عهد همه بشکستم
(د) به عصیان سراپای آلوده‌ام
(۱) ب - ج - الف - د (۲) ب - د - ج - الف

عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد
ما و به جلوه‌گاه او جامه‌ جان دریدنی
بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها
سراپا ز آلودگی پاک کن
(۳) ج - الف - د - ب (۴) ج - د - الف - ب

۱۱۶- همه موارد در رباعی زیر «کاملاً» یافت می‌شود، به جز:

(تجربی ۱۴۰۰)

«ای نسخه نامۀ الهی، که تویی
بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست

وی آینه جمال شاهی، که تویی
در خود بطلب هرآنچه خواهی که تویی»

(۱) مترادف واژه «رقعه» و یک واژه دو تلفظی در سروده یافت می‌شود.

(۲) دو ترکیب اضافی و دو صفت نسبی در ابیات وجود دارد.

(۳) ابیات دارای سه متمم و دو منادای محذوف است.

(۴) ابیات «فاقد» نقش تبعی و دارای مسند هستند.

۱۱۷- نقشِ واژه‌های مشخص شده به ترتیب، در ابیات زیر کدام است؟ (تجربی ۱۴۰۰)

«به روز مرگ چو تابوت من روان باشد
برای من مگری و مگو دریغ! دریغ!»

- (۱) نهاد، مضاف‌الیه، متمم، مسند
(۲) متمم، مفعول، متمم، نهاد
(۳) نهاد، مضاف‌الیه، مفعول، نهاد
(۴) نهاد، مضاف‌الیه، مفعول، مسند

۱۱۸- در کدام بیت، ممیز و نقش تبعی «هر دو» وجود دارد؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- (۱) با من سخن از کعبه و بتخانه مگوئید
(۲) رسم عشاق جگرخسته نیاز است نیاز
(۳) بدین امید که یک لحظه با تو بنشینم
(۴) اشک ما نسخه صد رشته گهر بود گهر

۱۱۹- در کدام بیت «پسوند» در واژه قافیه، متفاوت است؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- (۱) ز خورد و خواب بگذر دل بیدار می‌خواهی
(۲) نباشد هیچ بنیادی ز سیل حادثات ایمن
(۳) سحرخیزی ز آب زندگی سیراب می‌گردد
(۴) گرفتار تو را چشم ترحم نیست از مردم

۱۲۰- نقشِ واژه‌های مشخص شده در مصراع زیر با کدام مصراع، به ترتیب، یکسان است؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- «سرو و مهت نخوانم، خوانم، چرا نخوانم»
(۱) به غیر مصلحتش رهبری کند ایام
(۲) فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد
(۳) این بار می‌برند که زندانی ات کنند
(۴) گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه

۱۲۱- صفتهای «نسبی، مفعولی، لیاقت و فاعلی» به ترتیب، در کدام مصراع‌ها آمده است؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- (الف) یا سخن دانسته گو ای مرد عاقل یا خموش
(ب) پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است
(ج) هرکه فانی شد ز خود مردانه‌ای است
(د) در گره چون غنچه صد گلزار دارم دیدنی
- (۱) الف - ب - د - ج (۲) ج - الف - ب - د (۳) د - ب - ج - الف (۴) ج - الف - د - ب

۱۲۲- با توجه به سروده زیر، کدام مورد «نادرست» است؟ (انسانی ۱۴۰۰)

«گریه کنی اگر که آفتاب را ندیده‌ای، ستاره‌ها را هم نمی‌بینی / ماهی در آب خاموش است و چارپا روی خاک هیاهو می‌کند و پرنده در آسمان آواز می‌خواند.»

- (۱) فعل «مضارع اخباری و ماضی نقلی» در شعر وجود دارد.
(۲) «پیوند وابسته‌ساز و هم پایه‌ساز» در سروده یافت می‌شود.
(۳) اجزای یکی از جمله‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است.
(۴) سروده از یک جمله غیرساده و سه جمله ساده تشکیل شده است.

۱۲۳- واژه قافیه در کدام ابیات، به ترتیب، نقش «مفعولی، مضاف‌الیه، نهادی و قیدی» دارد؟ (هنر ۱۴۰۰)

- (الف) سرو بلند بستان با این همه لطافت
(ب) با لشکرت چه حاجت رفتن به جنگ دشمن
(ج) ای ماه سروقامت شکرانه سلامت
(د) روزی چو پادشاهان خواهم که برنشینی
- (۱) الف - د - ب - ج (۲) الف - د - ج - ب (۳) ب - ج - د - الف (۴) ب - د - الف - ج

۱۲۴- کدام بیت، فاقد «جهش ضمیر» و دارای جمله‌ای متشکل از «نهاد + مفعول + مسند - فعل» است؟ (هنر ۱۴۰۰)

- (۱) گمان مبر که بداریم دستت از فتراک
(۲) گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان
(۳) نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ
(۴) زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت
- بدین قدر که تو از ما عنان بگردانی
نگاه‌دار سر رشته تا نگه دارد
چه کنم بازی ایام مرا غافل کرد
شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

۱۲۵- صفت‌های «فاعلی، نسبی، مفعولی و لیاقت» به ترتیب، در کدام سروده‌ها آمده است؟ (هنر ۱۴۰۰)

- (الف) در میان عشق‌بازان کوهکن مردانه رفت
(ب) رو سر بنه بـه بالین تنها مرا رها کن
(ج) که شد ساخته کارش از زهر چشم
(د) باغی از رنگینی گفتار دارم دیدنی
- (۱) الف - ج - ب - د (۲) الف - د - ج - ب (۳) ب - الف - ج - د (۴) ب - ج - د - الف

۱۲۶- کدام بیت، فاقد «جمله مرکب» است؟ (هنر ۱۴۰۰)

- (۱) گله از فراق یاران و جفای روزگاران
(۲) باری مگرت بر رخ جانان نظر افتاد
(۳) ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت
(۴) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم
- نه طریق توسست سعدی کم خویش گیر و رستی
سرگشته چو من در همه آفاق بگشتی
دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

۱۲۷- با توجه به متن زیر همه موارد «کاملاً» درست است، به جز: (هنر ۱۴۰۰)

«بدان که قرآن مانند است به بهشت جاودان؛ در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است. مثل قرآن، مثل آب است روان، در آب، حیات تن‌ها بود و در قرآن حیات دل‌ها بود.»

- (۱) در متن صفت پیشین، پسین و فاعلی مشهود است.
(۲) حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی وجود دارد.
(۳) جمله ساده و غیر ساده «هر دو» به چشم می‌خورد.
(۴) ممیز، نقش تبعی و یک واژه دو تلفظی یافت می‌شود.

۱۲۸- در سروده زیر چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟ (زبان ۱۴۰۰)

«این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / این گلیم تیره بختی‌هاست / خیس خون داغ سهراب و ...»
(۱) یک، هفت (۲) دو، هفت (۳) سه، هفت (۴) دو، هشت

۱۲۹- در کدام مصراع، فعل اسنادی و غیر اسنادی «هر دو» یافت می‌شود؟ (زبان ۱۴۰۰)

(۱) من در میان جمع و دلم جای دیگر است (۲) ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست
(۳) دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد (۴) باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست

۱۳۰- صفتهای «نسبی، فاعلی، لیاقت و مفعولی» به ترتیب، در کدام سروده‌ها آمده است؟ (زبان ۱۴۰۰)

(الف) لاله‌زاری در دل افگار دارم دیدنی
(ب) تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم
(ج) از پس نبردی سخت باز می‌گردم با چشمانی خسته
(د) ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین پیوند خورده‌ای

(۱) ب - الف - ج - د (۲) ب - د - ج - الف (۳) د - الف - ب - ج (۴) د - ب - الف - ج

۱۳۱- در ابیات زیر به ترتیب «چند قید و چند مسند» یافت می‌شود؟ (زبان ۱۴۰۰)

«شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم زود آیند و زود می‌گذرند
دوران روزگار به ما بگذرد بسی گاهی شود بهار دگر گه خزان شود»
(۱) پنج، دو (۲) پنج، سه (۳) شش، دو (۴) شش، سه

۱۳۲- نقش قسمت‌های مشخص شده در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟ (زبان ۱۴۰۰)

«با بدان کم نشین که صحبت بد آفتابی بدین بزرگی را
گر چه پاکی تو را پلید کند لگه‌ای ابر ناپدید کند»
(۱) قید، مسند، نهاد، مفعول، قید (۲) قید، نهاد، مسند، مفعول، مسند
(۳) مسند، نهاد، مسند، متمم، قید (۴) مسند، نهاد، نهاد، مفعول، مسند

۱۳۳- تعداد جمله‌های بیت زیر با کدام بیت، یکسان است؟ (مشترک خارج ۱۴۰۰)

«به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم
همه آنی همه حسنی همه لطفی همه ناز
دلا گفتم غم خود خور که کار از دست شد بیرون
همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی
تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی»
بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا
به چنان حسن و لطافت سزدت گر نازی
تو را غم خوردن است ای دل تو غمخواری چه می‌دانی
همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی
تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی

۱۳۴- نوع وابسته‌های وابسته در کدام گزینه، با سروده زیر یکسان است؟ (مشترک خارج ۱۴۰۰)

«پهلوان هفت خوان اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود»

- (۱) بس که خونش رفته بود از تن / بس که زهر زخم‌ها کاریش
- (۲) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد
- (۳) شیر مرد عرصه ناوردهای هول / پور زال زر، جهان پهلو
- (۴) آن سکوتش ساکت و گیرا / و دَمش، چنان حدیث آشنایش گرم

۱۳۵- اجزای جمله مصراع دوم کدام گزینه، با مصراع اول بیت زیر، یکسان است؟ (مشترک خارج ۱۴۰۰)

بماند تا ابد در تیره رای
ز دیوار محرابش آمد به گوش
که روزی نخوردند پیلان به زور
نژند آن دل که او خواهد نژندش
که روزی‌رسان قوت روزش بداد

«خرد را گر نبخشد روشنایی
(۱) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
(۲) کزین پس به کنجی نشینم چو مور
(۳) بلند آن سر که او خواهد بلندش
(۴) دگر روز باز اتفاق اوفتاد

۱۳۶- کدام گزینه، با توجه به سروده زیر «نادرست» است؟ (مشترک خارج ۱۴۰۰)

- «باید پنجره را گشود و دید / چند سینه‌سرخ مهاجر بر شاخسار عریان نشسته‌اند / و بهار از کدام سمت آسمان به باغ می‌آید»
- (۱) در سروده فوق فعل ماضی نقلی و مضارع اخباری وجود دارد.
 - (۲) یک واژه دو تلفظی و دو مفعول در کل سروده یافت می‌شود.
 - (۳) چهار جمله ساده و یک نقش تبعی در این سروده دیده می‌شود.
 - (۴) چهار ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی در سروده به چشم می‌خورد.

۱۳۷- نقش قسمت‌های مشخص شده در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟ (مشترک خارج ۱۴۰۰)

وزین خوشتر نباشد در جهان پند
لب خندان بیاور چون لب جام

«چه خوش فرمود آن پیر خردمند
اگر خونین دلی از جور آیام

- (۱) قید، قید، مسند، مفعول
- (۲) قید، مسند، مسند، مفعول
- (۳) مسند، قید، مسند، نهاد
- (۴) قید، مسند، نهاد، مفعول

۱۳۸- زمان افعال موجود در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟ (انسانی خارج ۱۴۰۰)

غالبش بر غرض نیاید تیر
بر نیارد به جز پشیمانی

«هر که بی‌مشورت کند تدبیر
بیخ بی‌مشورت که بنشانی

- (۱) مضارع اخباری، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع التزامی
- (۲) مضارع اخباری، مضارع التزامی، ماضی التزامی، مضارع التزامی
- (۳) مضارع التزامی، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع اخباری
- (۴) مضارع التزامی، مضارع اخباری، ماضی التزامی، ماضی مستمر

۱۳۹- در کدام بیت، نقش دستوری «واژه قافیه» متفاوت است؟

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

نشنیده‌ام که سرو چنین آورد بری
دیگر نیاورد چو تو فرزند مادری
زیباتر از تو در نظرم هیچ منظری
پرتو دهد چنان که شب تیره اختری

(۱) بر سرو قامت گل و بادام روی و چشم
(۲) کس در نیامده است بدین خوبی از دری
(۳) اول منم که در همه عالم نیامده است
(۴) رویی که روز روشن اگر برکشد نقاب

۱۴۰- تعداد جمله‌های کدام بیت، با بیت زیر یکسان است؟

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

کز دست دل ای کاش چنین زار نبودم
کنون دانستم و سودی نمی‌دارد پشیمانی
پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد
ای آینه هشدار که صاحب نفسی هست
عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

«می‌رفت فروغی ز سر کویت و می‌گفت
(۱) دلا من قدر وصل او ندانستم تو می‌دانی
(۲) به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی
(۳) از دیده دل‌سوختگان چهره می‌پوشان
(۴) بی‌تو می‌گویند تعطیل است کار عشق‌بازی

۱۴۱- نقش قسمت‌های مشخص شده در همه ابیات کاملاً درست است، به جز:

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

جان فزا و دستگیر و مستمِر (متمم، مسند)
لیک بی‌فرمان حق ندهند اِثَر (مسند، مفعول)
هر الم را در کف ما مرهمی است (مضاف‌الیه، نهاد)
واجِب آید که کنم کُتِه مَقال (مسند، مفعول)

(۱) باد عمرت در جهان همچون خَضر
(۲) این سخن همچون ستاره است و قمر
(۳) هر یکی از ما مسیح عالمی است
(۴) چون که حرفی بر نتابد این وصال

۱۴۲- با توجه به ابیات زیر همه موارد «کاملاً» درست هستند، به جز:

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

چرا جنگ جویی تو ای ماه‌روی
ز چنگم رهایی نیابی مشور
(۲) در ابیات چهار فعل نیاز به مفعول دارد.

«بدو گفت کز من رهایی مجوی
نیامد به دامن به‌سان تو گور
(۱) ابیات از هفت جمله تشکیل شده‌اند.

(۳) منادا و یک جهش ضمیر در ابیات مشهود است. (۴) فعل مضارع اخباری و ماضی ساده در ابیات به چشم می‌خورد.

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی

تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

۱۴۳- با توجه به مصراع‌های زیر، اجزای کدام مصراع‌ها از «نهاد+ فعل» تشکیل شده است؟ (ریاضی ۹۹)

- (الف) بسیار فرق باشد از اندیشه تا وصول
(ب) دلیل صدق نباشد نظر به لاله و سنبل
(ج) سعدی از این پس نه عاقل است نه هشیار
(د) ز سر به در نرود همچنان امید وصال
(ه) دی به چمن برگذشت سر سخنگوی من

(۱) الف، ب، د (۲) الف، د، هـ (۳) ب، ج، هـ (۴) ب، د، هـ

۱۴۴- در کدام گروه‌واژه، رابطه معنایی واژه‌ها، با سایر گروه‌ها، متفاوت است؟ (ریاضی ۹۹)

- (۱) آسمان و ماه - دریا و ماهی - شعر و قصیده
(۲) تفوق و برتری - عقده و گره - صواب و صلاح
(۳) حیوان و چنگال - آشپزخانه و چاقو - رمضان و تشنگی
(۴) خانواده و همسر - مدرسه و تخته سیاه - پادگان و سرباز

۱۴۵- بیشترین «صفت مرکب» در کدام بیت یافت می‌شود؟ (ریاضی ۹۹)

- (۱) دوست‌کش بیگانه‌پرور دیرجوش و زودرنج
(۲) لفظ آتش‌بار او یأس‌آور و امیدسوز
(۳) غمزه‌اش در دلبری یغماگر و مردم‌فریب
(۴) لعل گوهرییز او گاه سخن مرجان‌فروش

۱۴۶- در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟ (ریاضی ۹۹)

- (الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبزخطان را
(ب) مگر دیده است چشم خوش نگاه آن سمن بر را؟
(ج) نیچد سر ز زخم گاز شمع ما سیه‌روزان
(د) دل خود را به صد امید کردم چاک از این غافل
(ه) عرق رخسار آن خورشید طلعت برنمی‌دارد
- (۱) الف، ب، هـ (۲) الف، ج، د (۳) ب، ج، د (۴) ب، ج، هـ

۱۴۷- باتوجه به ابیات زیر، کدام مورد «غلط» است؟ (ریاضی ۹۹)

- «با لعل لبث شراب را مستی نیست
ما را دهن تو نیست می‌پندارد»
(۱) «مستی، پستی و هستی» همگی مسند هستند.
(۲) در ابیات «وابسته وابسته» و یک ترکیب وصفی وجو دارد.
(۳) «را» هم درمعنای حرف اضافه و هم در معنای حرف نشانه آمده است.
(۴) اجزای تشکیل دهنده یکی از جمله‌ها «نهاد+ مفعول+ مسند+ فعل» است.
- با قد تو سرو را بجز پستی نیست
با آن که به یک ذره در او هستی نیست»

(تجربی ۹۹)

۱۴۸- در میان مصراع‌های زیر، اجزای چند جمله «نهاد+مفعول+فعل» است؟

- الف) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد خویشش
ب) نشستم تا برون آیی خرامان
ج) تو در عالم نمی‌گنجی ز خوبی
د) دوست دارد آن داری دوستش

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

(تجربی ۹۹)

۱۴۹- تعداد «وابسته‌های وابسته» در کدام بیت، بیشتر است؟

- (۱) آن‌که ناوک بر دل من زیرچشمی می‌زند
(۲) شهسوار من که مه آینه دار روی اوست
(۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست
(۴) شرح شکن زلف خم‌اندرخم جانان
- قوت جان حافظش در خنده زیر لب است
تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است
گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست
کوته نتوان کرد که این قصه درازست

۱۵۰- در کدام عبارت، واژه‌ای یافت می‌شود که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شده است؟
(تجربی ۹۹)

- (۱) مردی به طلب درزی آمد و خبر مرگ درزی نداشت.
(۲) پس چون یک‌چند برآمد ملک روم خراج بازگرفت.
(۳) صحرا را دریایی یافت در جوش و هوایی از بانگ اسبان با برگستان.
(۴) گروهی را گفت به دکان و بازار باشید و کار کنید و دبیران را گفت به دیوان نشینند.

(تجربی ۹۹)

۱۵۱- نقش واژه‌های مشخص‌شده در بیت زیر به ترتیب، کدام است؟

- «من به‌غیر از تو کسی یار نگیرم آری»
همّت آن است که الّا تو نگیرد یاری»
- (۱) نهاد، مفعول، قید، نهاد
(۲) مفعول، مسند، قید، متمم
(۳) مفعول، بدل، شبه‌جمله، متمم
(۴) بدل، مفعول، شبه‌جمله، نهاد

(تجربی ۹۹)

۱۵۲- با توجه به رباعی زیر همه گزینه‌ها کاملاً درست هستند؛ به‌جز:

- «از باغ جمالت آگه ار بودی گل
باین‌همه خارها که در پی دارد
این راه پر از خار نپیمودی گل
چون آمد و چون رفت بدین زودی گل»
- (۱) چهارترکیب وصفی و یک اضافه تشبیهی در ابیات یافت می‌شود.
(۲) گل در دو مصراع نقش نهادی و در یک مصراع نقش مفعولی دارد.
(۳) سه مصراع به شیوه بلاغی و یک مصراع به شیوه عادی سروده شده است.
(۴) در رباعی فوق «سه جمله سه‌جزئی» و «دو جمله دوجزئی» یافت می‌شود.

۱۵۳- اجزای تشکیل‌دهندهٔ همهٔ جمله‌ها در مقال آن‌ها، «کاملاً» درست است؛ به‌جز: (انسانی ۹۹)

- (۱) دانشجویان تازه‌وارد با وضعیت کنونی خوابگاه کنار آمدند. (نهاد + متمم + فعل)
- (۲) از ابتدای برنامه، شور و هیجان خاصی در وجود معلّم احساس می‌کردم. (نهاد + مفعول + فعل)
- (۳) این فضای معنوی را دوست پدرم از سالیان پیش، ترتیب داده بود. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)
- (۴) در شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت، همه‌چیز را مخفی می‌کردم. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)

۱۵۴- «ترکیب‌های اضافی» در کدام بیت، بیشتر است؟ (انسانی ۹۹)

- (۱) شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد
- (۲) از دم‌صبح ازل تا آخر شام ابد
- (۳) رشتهٔ تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
- (۴) حسن مه‌رویان مجلس گرچه دل می‌برد و دین

۱۵۵- در کدام گزینه، دو نوع وابستهٔ وابسته دیده می‌شود؟ (انسانی ۹۹)

- (الف) به چشم اشک‌بار من چه خواهد کرد حیرانم
 - (ب) مجوی عیش خوش از دور باژگون سپهر
 - (ج) خندهٔ جام می و زلف گره‌گیر نگار
 - (د) خط به گرد لب جانبخش تو می‌دانی چیست؟
- (۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د

۱۵۶- در بیت زیر نقش واژه‌های مشخص‌شده به ترتیب، کدام است؟ (انسانی ۹۹)

- عمر خود هر کس که صرف شادمانی کرده است»
 (۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد
 (۲) نهاد، متمم، نهاد، مسند
 (۳) مسند، متمم، مفعول، نهاد
 (۴) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، بدل

۱۵۷- با توجه به ابیات زیر، کدام مورد از دیدگاه زبانی فارسی «غلط» است؟ (انسانی ۹۹)

- (۱) «علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد»
 - (۲) «روزگار سلامت سلاح جنگ بساز»
 - (۳) «دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست»
 - (۴) «و گرنه سیل چو بگرفت سد نشاید بست»
- (۱) در کل ابیات چهار مفعول وجود دارد.
 (۲) دو جملهٔ غیر ساده در ابیات یافت می‌شود.
 (۳) اجزای مصراع سوم «نهاد + مفعول + متمم + فعل» است.
 (۴) ابیات فاقد ترکیب وصفی و دارای سه ترکیب اضافی است.

۱۵۸ - اجزای جمله‌های تشکیل‌دهندهٔ همهٔ ابیات «نهاد + مسند + فعل» است؛ به جز: (هنر ۹۹)

- | | |
|-----------------------------------|---------------------------------------|
| وز سیل اشک ماست که دریا پدید شد | (۱) از دود آه ماست که لبر آشکار گشت |
| سلطان من آن است که هندوی تو باشد | (۲) صیاد من آن است که نخجیر تو گردد |
| مشریه آتش عذاران آب آتش رنگ بود | (۳) دستگیر ختگان جام می گلرنگ شد |
| در کوی عشق نیست به جز ناله هم‌نفس | (۴) در راه مهر نیست به جز سایه همنشین |

۱۵۹ - نمودار کدام گروه اسمی «غلط» است؟ **نمودار** (هنر ۹۹)

- | | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| (۱) سپهر این ره عالی‌صفت | (۲) بلندترین کوه روی کره زمین |
| (۳) مشتاق دیدار سیمرغ کوه قاف | (۴) این دریای بی‌پایان خونخوار |

۱۶۰ - در عبارت زیر، نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟ (هنر ۹۹)

گفت: «خاموش! که در پستی مردن، به حاجت پیش کسی بردن».

- | | |
|----------------------------|----------------------------|
| (۱) نهاد، نهاد، متمم، مسند | (۲) نهاد، مسند، مسند، متمم |
| (۳) مسند، نهاد، مسند، متمم | (۴) مسند، متمم، نهاد، نهاد |

۱۶۱ - در بیت زیر «چند مسند و چند قید» به ترتیب، یافت می‌شود؟ (هنر ۹۹)

«اگر گرد کسی بسیار گردی اگرچه بس عزیزی خوار گردی»

- | | | | |
|-------------|-------------|-------------|-------------|
| (۱) دو - دو | (۲) دو - سه | (۳) سه - دو | (۴) سه - سه |
|-------------|-------------|-------------|-------------|

۱۶۲ - کدام مورد، از دیدگاه زبان فارسی «غلط» است؟ (هنر ۹۹)

- «مظلوم دست بستۀ مغلوب را بگوی
کاین دستِ بسته را بکشایند عاقبت»
- (۱) «و» یک بار حرف ربط و یک بار حرف عطف است.
(۲) اجزای جملهٔ اول «نهاد + مفعول + متمم + فعل» است.
(۳) در ابیات فوق «پنج ترکیب وصفی» و «دو قید» یافت می‌شود.
(۴) «را» در مصراع اول حرف اضافه و در مصراع سوم نشانه مفعولی است.

۱۶۳ - در کدام بیت، «صفت مضاف‌الیه» یافت نمی‌شود؟ (زبان ۹۹)

- | | |
|--------------------------------------|---|
| هزار باره، که رفتن به دیگری به حمایت | (۱) مرا به دست تو خوش‌تر هلاک جان گرامی |
| ترسم که راز در کف نامحرم اوفتد | (۲) مشکن دلم که حقۀ راز نهان توست |
| گوید بباید دل از این کار بر گرفت | (۳) باهر که مشورت کنم از جور آن صنم |
| که به دنیا و به عقبی نبود پروایت | (۴) عاشق صادق دیدار من آن گه باشی |

۱۶۴- کدام بیت، فاقد واژه «هم‌آوا» است؟

(زبان ۹۹)

این جهان دید آن جهان بینش ندید
حجره دیو خوان که آن دل نیست
زان زمان که اندوه جانانم گرفت
غرقه زند از حیرت در هر چه بیابد دست

(۱) دید طین آدم و دینش ندید
(۲) هر دلی که او به عشق مایل نیست
(۳) در جهان یک دم نبودم شادمان
(۴) از دست بشد چون دل در طره او زد چنگ

۱۶۵- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

(زبان ۹۹)

«مکن ما ناقصان را یارب از سنگ محک رسوا» که این نه بوته را کامل عیاری نیست غیر از تو»

(۱) بدل، مسند، متمم، نهاد
(۲) مفعول، مسند، متمم، نهاد
(۳) بدل، قید، متمم، مسند
(۴) مفعول، مسند، مفعول، مسند

۱۶۶- اجزای جمله‌های کدام بیت، همانند اجزای جمله‌های بیت زیر است؟

(زبان ۹۹)

«حفظ آب روی خواهش کن که گردون خنسیس» نان خود را تر به آب روی سایل می‌کند»

این که لیلی هر نفس تغییر محمل می‌کند
از تواضع سیل را مغلوب خود پل می‌کند
حسن تو چشم آینه را سیر می‌کند
ریگ در یک آب خوردن بحر را بر می‌کند

(۱) می‌دهد از حسن عالمگیر مجنون را خبر
(۲) خصم غالب را زبون، صبر و تحمل می‌کند
(۳) یوسف نداشت نعمت دیدار این قدر
(۴) تشنه جانان را کجا سیراب ساغر می‌کند؟

۱۶۷- با توجه به بیت زیر همه گزینه‌ها کاملاً درست است؛ به جز:

(زبان ۹۹)

«ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد»

(۱) در بیت «یک نهاد و دو فعل» به قرینه محذوف است.
(۲) در بیت یک ترکیب اضافی در ترکیب وصفی یافت می‌شود.
(۳) جمله اول از «نهاد + مفعول + متمم - فعل» تشکیل شده است.
(۴) بیت از یک جمله غیرساده تشکیل شده است و «که» حرف پیوند است.

۱۶۸- در کدام بیت، مضاف‌الیه مضاف‌الیه و صفت مضاف‌الیه، هر دو، وجود دارد؟

(مشترک خارج ۹۹)

طمع روی دل از تیره‌دلان نیست مرا
از جهان جز گره دل ثمری نیست مرا
نفس صبح قیامت نکند سرد مرا
گوشمالی که در این دور هنر داد مرا

(۱) زنگیان دشمن آیین بی‌زنگارند
(۲) گرچه چون سرو تماشاگاه اهل نظرم
(۳) عرق غیرت پیشانی خورشیدم من
(۴) قسمت یوسف بی‌جرم نشد از اخوان

۱۶۹- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟ (مشترک خارج ۹۹)

«آرام نیست آبله پایان شوق را» مانع نگردد از حرکت، آب را حباب»

- (۱) نهاد، متمم، مضاف‌الیه، نهاد
(۲) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، نهاد
(۳) نهاد، مفعول، مفعول، متمم
(۴) مسند، مفعول، مفعول، مضاف‌الیه

۱۷۰- در متن زیر، چند «صفت پیشین و چند ترکیب وصفی» وجود دارد؟ (مشترک خارج ۹۹)

«یک قرن بیشتر است که اختلافات و جنگ‌های داخلی مثل کاردی بر پهلوی این کشور نشسته است، اما در این فاصله اروپا قدم‌های بزرگی برای پیشرفت برداشته است. آن‌ها کارگاه‌های متعدد صنعتی ساختند.»

- (۱) دو - شش (۲) دو - هشت (۳) سه - هفت (۴) سه - هشت

۱۷۱- در کدام بیت، یک جمله «نهاد + مفعول + فعل» و یک جمله «نهاد + مسند + فعل» یافت می‌شود و فاقد مناد است؟ (مشترک خارج ۹۹)

- (۱) تا مگر مصائب شکست خویش را بازی درست
(۲) همیشه فکرت صائب شکار دل می‌کرد
(۳) غیر صائب که دمی می‌زند از سوز جگر
(۴) مرد نیرنگ خزان و نوبهاران نیستی
در پی خورشید تابان روز و شب چون ماه باش
کمند ناله او نیست دل شکار امروز
اثر از گرمی گفتار نمانده است امروز
در بساط خاک صائب غنچه تصویر باش

۱۷۲- با توجه به رباعی زیر، کدام گزینه غلط است؟ (مشترک خارج ۹۹)

- «در دام غمت دلم زبون افتاده است
شاید که بپرسی و دلم شاد کنی
(۱) جمله پایانی، مفعول جمله پیشین است.
(۲) در رباعی فوق «سه ترکیب اضافی» وجود دارد.
(۳) زبون و بی‌سکون، هر دو صفت‌اند و نقش «قیدی» دارند.
(۴) جمله «دلم شاد کنی» از «نهاد - مفعول + مسند + فعل» تشکیل شده است.

۱۷۳- در همه ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم آوا» دارد؛ به جز: (انسانی خارج ۹۹)

- (۱) چون برترین مقام ملک دون قدر ماست
(۲) باغ فردوس میارای که ما رندان را
(۳) ای صوفی سرگردان در بند نکونامی
(۴) در خلوص منت ار هست شکی تجربه کن
چندین به دست دیو زبونی چرا کنیم
سر آن نیست که در دامن جور آویزیم
تا درد نیاشامی زین درد نیازامی
کس عیار زر خالص نشناسد چو محک

۱۷۴- در مصراع‌های زیر، جمعاً چند فعل نیاز به مفعول دارد؟

(انسانی خارج ۹۹ خارج)

- (۱) بیار ساقی و همسایه گو دو چشم ببند
- (۲) عاشقان را نتوان گفت که بازای ز مهر
- (۳) من از کمند تو اول جو وحش می‌برمیدم
- (۴) ملامتم نکند هر که معرفت دارد

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۱۷۵- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

(انسانی خارج ۹۹ خارج)

«غافل نکند بستر گل، شبنم ما را در دیده‌ی روشن‌گهران خواب نیاید»

(۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد (۲) نهاد، مفعول، مسند، نهاد

(۳) نهاد، مسند، مفعول، مسند (۴) مسند، نهاد، مفعول، مسند

۱۷۶- در مصراع دوم همهٔ ابیات، مسند بر سایر اجزای جمله مقدّم شده است؛ به جز:

(انسانی خارج ۹۹ خارج)

- (۱) از بساط گل بی‌خار قدم می‌دزد
- (۲) می‌کند خنده خونین به ته پوست نهان
- (۳) کرد در دیدهٔ خورشید سیه مشرق را
- (۴) صائب از گلشن فردوس شود مستغنی

- زخمی آن پای که از خار مغیلان تو شد
- پسته از بس خجل از غنچهٔ خندان تو شد
- طالع آن صبح که از چاک گریبان تو شد
- آشنا دیده هرکس که به دیوان تو شد

۱۷۷- با توجه به رباعی زیر، همهٔ گزینه‌ها «کاملاً» درست هستند؛ به جز:

(انسانی خارج ۹۹ خارج)

روزی که سمن بر لب جو بر، روید
از مطرب آب بشنود ناله که او
خرم دل آن کس که لب جو جوید
بر رود خوشک‌ترانه‌ای می‌گوید»

- (۱) «ک» در خوشک نشانهٔ تقلیل است و «خوشک‌ترانه‌ای» نقش مفعولی دارد.
- (۲) در رباعی واژه‌ای یافت می‌شود که هم‌آوا دارد و حذف فعل نیز مشهود است.
- (۳) یک متمم به شیوهٔ کهن در ابیات دیده می‌شود و «مطرب آب» اضافهٔ تشبیهی است.
- (۴) زمان افعال مضارع اخباری و التزامی است و «سه جمله» به شیوهٔ بلاغی سروده شده است.

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

۱۷۸- در کدام بیت، حذف فعل وجود ندارد؟

(ریاضی ۹۸)

- (۱) گر بر وجود عاشق صادق نهند تیغ
- (۲) تو چه ارمغانی آری که به دوستان فرستی
- (۳) گوش بر ناله بلبل کن و بلبل بگذار
- (۴) هرگز آن دل بنمیرد که تو جانش باشی
- (۱) گوید بکش که مال سبیل است و جان فدا
- (۲) چه از این به ارمغانی که تو خویشتن بیایی
- (۳) تا نگوید سخن از سعدی شیرازی به
- (۴) نیکبخت آن که تو در هر دو جهانش باشی

۱۷۹- معنی واژه ردیف در کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

(ریاضی ۹۸)

- (۱) از دل سنگین لیلی کعبه جان ساختند
- (۲) خضر را زخم نمایان گشت عمر جاودان
- (۳) از هوسناکان حذر کن کاین گروه بی ادب
- (۴) می توان دامن بوی گل گرفت از دست باد
- (۱) از غبار خاطر مجنون بیابان ساختند
- (۲) تیغ سیراب تو را روزی که عریان ساختند
- (۳) مصر را بر یوسف بی جرم زندان ساختند
- (۴) وای بر جمعی که وقت خود پریشان ساختند

۱۸۰- نقش واژه های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

(ریاضی ۹۸)

«راز همه کرد افشا، ننموده رخ زیبا هم پرده درش بنگر، هم پرده نشینش بین»

- (۱) قید، نهاد، مضاف الیه، مسند
- (۲) بدل، مفعول، مضاف الیه، مسند
- (۳) مضاف الیه، مسند، مفعول، مسند
- (۴) مضاف الیه، مفعول، مفعول، نهاد

۱۸۱- در همه ابیات، مضاف الیه مضاف الیه وجود دارد، به جز:

(ریاضی ۹۸)

- (۱) خواهی که سرفراز شوی همچو زلف یار
- (۲) هر کس که دید قامت آن سرو سیم تن
- (۳) شد مدتی که دیده اختر شمار من
- (۴) مرید جذبه بی اختیار منصورم
- (۱) در پای یار سرکش خورشید چهره آفت
- (۲) ای بس که خاک پای صنوبر به دیده رفت
- (۳) یک شب ز عشق نرگس پر خواب او نخفت
- (۴) که سر عشق تو را در میان میدان گفت

۱۸۲- مفهوم «ان» در کدام واژه ها به ترتیب: «نشانه جمع، صفت فاعلی، نسبت، پسوند زمان» است؟

(ریاضی ۹۸)

- (۱) روندگان، سخن سرايان، گیلان، خزان
- (۲) مردان، کیان، سپندان، سپیده دمان
- (۳) سخنگویان، گرگان، کوهان، بامدادن
- (۴) نیاکان، خرامان، بابکان، نوبهاران

۱۸۳- در متن زیر چند «ترکیب وصفی و چند وابسته پیشین» به ترتیب، به کار رفته است؟

(تجربی ۹۸)

«این معلّم شریف باسواد، سفارش کرده بود که اگر سر قبر ویکتور هوگو رفتم، از جانب او فاتحه ای برای این نویسنده بزرگ بخوانم. این نامه مرا به فکر انداخت. متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.»

- (۱) شش، پنج
- (۲) هفت، چهار
- (۳) هفت، پنج
- (۴) هشت، پنج

۱۸۴- در همهٔ مصراع‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است، به جز:

(تجربی ۹۸)

- (۱) درون فروماندگان شاد کن
(۲) خداوند زر بر کند چشم دیو
(۳) کرم خوانده‌ام سیرت سروران
(۴) مژگان تو دل را هدف تیر ستم ساخت

۱۸۵- تعداد مسند در کدام ابیات، یکسان است؟

(تجربی ۹۸)

- (الف) در عالم زیبایی تو خواجهٔ معروفی
(ب) ساقی از این مقام شد صبح نشاط، شام شد
(ج) در سرم هست که خاک کف پای تو شوم
(د) با وجود تو نموده است امیدی ما را
- در گوشهٔ تنهایی من بندهٔ گمنام
خواب خوشم حرام شد بادهٔ خوش‌گوار هم
من بر اینم مگرم بخت موافق نشود
که رخ خوب تو دیباجهٔ هر امید است

- (۱) الف، د (۲) الف، ج (۳) ب، ج (۴) ب، د

۱۸۶- با توجه به بیت «دلدار که گفتا به توأم دل نگران است / گو می‌رسم اینک به سلامت، نگران باش» کدام مورد کاملاً درست است؟

(تجربی ۹۸)

- (۱) بیت فاقد مفعول است.
(۲) در بیت، چهار نهاد وجود دارد.
(۳) دو جملهٔ اسنادی در بیت وجود دارد.
(۴) دو واژهٔ مرکب در بیت وجود دارد.

۱۸۷- «ان» در کدام مصراع‌ها به ترتیب: «نشانهٔ جمع، صفت فاعلی، نشانهٔ نسبت» است؟

(تجربی ۹۸)

- (الف) کجا افتاد آن مجنون در این دوران نمی‌دانم
(ب) چه می‌خواهد از این مسکین سرگردان نمی‌دانم
(ج) به جز تو در همه گیتی دگر جانان نمی‌دانم
(د) در این حدیقه هنوز از سیاهکارانم
- (۱) الف، ب، د (۲) الف، د، ج (۳) د، الف، ب (۴) د، ب، ج

۱۸۸- نوع وابستهٔ وابسته در همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز:

(انسانی ۹۸)

- (۱) دیوانهٔ قلمرو صحرای وحشتیم
(۲) ای برق اگر به گوشهٔ آن بام بگذری
(۳) چون قضا سلسلهٔ زلف تو عالم‌گیر است
(۴) ناز است سدّ راه و گر نه در اشتیاق
- ما را سواد شهر بُود آیهٔ عذاب
آن‌جا که باد زهره ندارد خبر بری
گردنی نیست که در حلقهٔ زَنار تو نیست
فرقی میانهٔ دلِ ما و دلِ تو نیست

۱۸۹- در همهٔ ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم‌آوا» دارد؛ به جز:

(انسانی ۹۸)

- (۱) کدامین طالع این امداد کرده است
(۲) اگر در هم شوی بس ناصواب است
(۳) تفرّج را سوی سرو و سمن شد
(۴) اسیر محنت ایام بودن
- که شاه از مستمندان یاد کرده است
نه جرم تشنه و نه جرم آب است
گلستانی به تاراج چمن شد
به کام دشمنان ناکام بودن

۱۹۰- با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

(انسانی ۹۸)

- «گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان»
 الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.
 ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می‌شود.
 ۱) الف، ب ۲) الف، ج ۳) ب، د ۴) ج، د
- «هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس»
 ب) یک مسند در بیت وجود دارد.
 د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می‌خورد.
 ۳) ب، د ۴) ج، د

۱۹۱- معنی «ساختن» در کدام بیت متفاوت است؟

(انسانی ۹۸)

- ۱) بیارید داننده‌آهن‌گران
 ۲) دیدم که ملک فقر من از ملک جم به است
 ۳) کیمیای عشق او از خون دل‌ها ساختند
 ۴) دوستان و دشمنان را آب و آتش فعل باش
- یکی گرز سازند ما را گران
 زر وام کردم از رخ و خاتم بساختم
 عاشقانش در طلب زین روی جان‌ها باختند
 بدسگالان را بسوز و نیک‌خواهان را بساز

۱۹۲- الگوی (نهاد + مفعول + مسند + فعل) در کدام بیت یافت می‌شود؟

(انسانی ۹۸)

- ۱) بدین دو دیده حیران من هزار افسوس
 ۲) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل
 ۳) دیدن روی تو را دیده جان‌بین باید
 ۴) راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک
- که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم
 مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان
 وین کجا مرتبه چشم جهان‌بین من است
 بر زبان بود مرا آنچه تو را در دل بود

۱۹۳- اگر بخواهیم نمودار «وابسته وابسته» را در مصراع‌های زیر ترسیم کنیم، کدام مورد متفاوت است؟

(هنر ۹۸)

- ۱) باز آ و حلقه بر در رندان شوق زن
 ۳) معجزات پنج پیغمبر به رویش در پدید
- ۲) شرط است احتمال جفاهای دشمنان
 ۴) نرگس مست وی آزار دلم می‌طلبد

۱۹۴- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، کدام است؟

(هنر ۹۸)

- «در هوای گل روی تو بود خواجه را»
 ۱) مضاف‌الیه، مفعول، مسند، نهاد
 ۳) مضاف‌الیه، مفعول، نهاد، مسند
- ۲) مضاف‌الیه، مضاف‌الیه، مسند، نهاد
 ۴) متمم، مضاف‌الیه، نهاد، مسند

۱۹۵- با توجه به متن زیر، کدام گزینه غلط است؟

(هنر ۹۸)

- «نوجوانی میان‌بالا با بر و بازویی خوش‌تراش و رعنا، سوار بر اسبی سینه‌فراخ پیشاپیش سپاه خود، دروازه‌های غربی تهران را با هیجان و شور بسیار به قصد تبریز پشت سر می‌گذاشت.»
 ۱) در متن سه نقش تبعی (معطوف) آمده است.
 ۲) اجزای تشکیل دهنده عبارت «نهاد + مفعول + فعل» است.
 ۳) در کل متن، حذف فعل به قرینه معنوی دو بار یافت می‌شود.
 ۴) نقش «سوار بر اسبی سینه‌فراخ» و «پیشاپیش سپاه خود» هر دو قیدی است.

۱۹۶- در عبارت زیر، به ترتیب چند صفت پیشین و چند صفت پسین وجود دارد؟ (هنر ۹۸)

«وه که چه پاییز دلنوازی است. این برگ خشک که بر زمین سرد و بی‌روح می‌بینی نوای کدام نی روح‌بخش را می‌نوازد؟ مثل این است که پاییز همه‌ی نوا و نغمه‌اش را در جان زمین جاری می‌کند.»

(۱) پنج، شش (۲) پنج، پنج (۳) شش، هفت (۴) چهار، پنج

۱۹۷- کاربرد معنایی فعل «ماندن» در کدام بیت متفاوت است؟ (هنر ۹۸)

(۱) ای دل بشارتی دهمت محتسب نماند
(۲) دردا که یار در غم و دردم بماند و رفت
(۳) بر آن بودش اندیشه کاندلر جهان
(۴) مکن شادمانی به مرگ کسی

وز می جهان پر است و بت می‌گسار هم
ما را چو دود بر سر آتش نشاند و رفت
نماند کسی از نژاد مهران
که دهرت نماند پس از وی بسی

۱۹۸- اگر نقش واژه‌های قافیه: متممی، مفعولی، مسندی و اضافی باشد، ترتیب ابیات در کدام گزینه درست است؟ (زبان ۹۸)

(الف) در لباس دشمنی کردند با ما دوستی
(ب) گریه زندانی افلاک از هم نگسلد
(ج) غافلند از دستگاه مور قانع زیر خاک
(د) وه چه صیادی که از سهم تو شیران جهان

(۱) ب، د، الف، ج (۲) د، ج، الف، ب (۳) ب، الف، ج، د (۴) الف، د، ب، ج

شورچشمانی که داغ ما نمکدان ساختند
وای بر شمع که بهر نه شبستان ساختند
تنگ‌چشمانی که با ملک سلیمان ساختند
هم ز پهلوی نزار خود نیستان ساختند

۱۹۹- نمودار کدام گروه واژه، غلط است؟ (زبان ۹۸)

(۱) امتحانات بسیار فشرده رشته زبان
(۲) بهترین معمار خوش‌ذوق عمارت عالی‌قاپو
(۳) سه طاقه پارچه ابریشم بافت ایران
(۴) دوستان نسبتاً مجرب گروه آموزشی

۲۰۰- نقش واژه‌های مشخص‌شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟ (زبان ۹۸)

«سخن‌چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیک‌مرد سلیم»

(۱) نهاد، مسند، متمم، مفعول (۲) مسند، قید، مفعول، نهاد

(۳) مسند، قید، نهاد، مفعول (۴) نهاد، مسند، مفعول، مفعول

۲۰۱- در عبارت زیر، چند وابسته پیشین و پسین، به ترتیب، وجود دارد؟ (زبان ۹۸)

«دلم می‌خواست این نغمه آسمانی را همه بشنوند. همان کلمات شورانگیز که از داناترین استاد جهان شنیدم. کاش می‌شد یک لحظه همه را آشنا سازم.»

(۱) سه، پنج (۲) چهار، سه (۳) چهار، چهار (۴) پنج، چهار

۲۰۲- «گذشتن» در کدام عبارت، معنای متفاوت دارد؟

(زبان ۹۸)

- (۱) پس وی را گفتند: شما را بشارت باد که دقیانوس گذشت و ما خدای پرستیم.
- (۲) و جای هر کس در خدمت بارگاه و دیوان ضبط کردی تا از اندازه خویش نگذشتی.
- (۳) خردمند آن است که دست در قناعت زند که برهنه آمده است و برهنه خواهد گذشت.
- (۴) چون حال وی ظاهر است، زیاده از این نگویم که گذشته است و غایت آدمی مرگ است.

۲۰۳- در کدام گزینه وابسته‌ی وابسته وجود ندارد؟

(تالیفی ۹۸)

- (۱) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش
- (۲) نی حدیث راه پُر خون می‌کند
- (۳) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
- (۴) هر کسی از ظنّ خود شد یار من

۲۰۴- در کدام گزینه جمله‌ای با ساختار «نهاد + مفعول + مسند + فعل» وجود دارد؟

- (۱) نگاهم بی تو چون آینه شد پامال حیرانی
- (۲) ای نسیم سحر، از خود به فغانم، برسان
- (۳) هم‌آغوش جنون رنگ غفلت‌دیده‌ای دارم
- (۴) به تسلیم از کمال نسخه هستی مشو غافل

۲۰۵- در همه گزینه‌ها به جز گزینه نقش تمام کلمات مشخص شده، به ترتیب درست است.

- (۱) نسیم صبحم از من خویشتن‌داری نمی‌آید (مسند - نهاد)
- (۲) مشیت خاکی چون شود سیلاب را مانع ز بحر؟ (مضاف الیه - نهاد)
- (۳) ما پریشان‌نظران خود گره کار خودیم (بذل - بدل)
- (۴) های‌های گریه‌ام را خنده پندارند خلق (مفعول - مسند)

۲۰۶- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده در همه گزینه‌ها تماماً درست است، به جز بیت گزینه

- (۱) گر آن خورشیدرو را هم‌سفر با خویشتن بینم (مسند - مفعول)
- (۲) مطیع امر توأم گر دلم بخواهی سوخت (مفعول - مسند)
- (۳) غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک ببرد (صفت - قید)
- (۴) شاخکی تازه برآورد صبا بر لب جوی (مضاف الیه - نهاد)

۲۰۷- در کدام گزینه جمله‌ی مرکب وجود ندارد؟

(تالیفی ۹۸)

- (۱) عقل می‌خواست کز آن شعله چراغ افروزد
- (۲) اگر روم ز پی‌اش فتنه‌ها برانگیزد
- (۳) چون حسن عاقبت نه به رندی و زاهدی است
- (۴) هزار نقد به بازار کاینات آرند

۲۰۸- نقش قسمت مشخص شده در کدام گزینه با گزینه های دیگر یکسان نیست؟ (تالیفی ۹۸)

- | | |
|------------------------------------|----------------------------------|
| (۱) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب | ز هم رد نمودند هفتاد <u>حرب</u> |
| (۲) دم تیغ بر گردنش چون رسید | سر عمرو <u>صد گام</u> از تن پرید |
| (۳) برافراخت پس <u>دست</u> خیبرگشا | پی سر بریدن بیفشرد پا |
| (۴) چو نمود <u>رخ</u> شاهد آرزو | به هم حمله کردند باز از دو سو |

۲۰۹- در کدام گزینه دو نوع نقش تبعی آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------|
| (۱) همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ | همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟ |
| (۲) خورشید آسمان و زمین نور مشرقین | پروردهی کنار رسول خدا، حسین |
| (۳) خروشید و برجست لرزان ز جای | بدرید و بسپرد محضر به پای |
| (۴) یکی روبهی دید بی دست و پای | فرو ماند در لطف و صنع خدای |

۲۱۰- پسوند «ان» در واژه های مشخص شده به ترتیب از چه نوعی می باشد؟ (تالیفی ۹۸)

- | | |
|---|--|
| ز هر ناحیت کاروان ها <u>روان</u> | به دیدار آن صورت بی روان |
| تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش؛ تا زان پس | به هر جانب که رو آری درفش <u>کاویان</u> بینی |
| شهریاران بود و خاک مهربانان این دیار | مهربانی کی سرآمد <u>شهریاران</u> را چه شد |
| <u>بامدادن</u> که تفاوت نکند لیل و نهار | خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار |
| (۱) نسبت ساز - صفت فاعلی ساز - زمان - جمع | (۲) صفت فاعلی ساز - نسبت ساز - زمان - جمع |
| (۳) نسبت ساز - صفت فاعلی ساز - جمع - زمان | (۴) صفت فاعلی ساز - نسبت ساز - جمع - زمان |

۲۱۱- در کدام گزینه نقش دستوری واژه های مشخص شده به درستی تعیین شده است؟

- | | |
|---|--|
| «چه غم دیوار امت را که دارد چون <u>تو</u> پشتیبان | چه پاک از موج بحر آن راکه باشد نوح <u>کشتیان</u> » |
| (۱) مفعول، نهاد، مسند، مضاف الیه | (۲) متمم، نهاد، مفعول، نهاد |
| (۳) مفعول، مسند، نهاد، مسند | (۴) متمم، متمم، مفعول، مسند |

۲۱۲- با توجه به ابیات زیر نقش کدام واژه با واژه های دیگر متفاوت است؟ (تالیفی ۹۸)

- | | |
|----------------------------------|-----------------------------------|
| «چون نداری <u>ناخن</u> درنده تیز | با ددان آن به که کم گیری ستیز |
| هر که با پولادبازو پنجه کرد | <u>ساعد</u> مسکین خود را رنجه کرد |
| باش تا دستش ببندد، روزگار | پس به کام دوستان <u>مغزش</u> برآر |
| (۱) ناخن | (۲) ساعد |
| | (۳) رنجه |
| | (۴) مغز |

۲۱۳- در کدام گزینه واژه‌ی دو تلفظی آمده است؟

- (۱) دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو
- (۲) این فصل، فصل من و دوست، فصل شکوفایی ما
- (۳) با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم
- (۴) چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم

(تالیفی ۹۸)

امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو
برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو
در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو
من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو

۲۱۴- در کدام گزینه‌ها جمله‌ی مرکب آمده است؟

- (الف) اگر با پدر جنگ جوید کسی
- (ب) مر او را رسد کبریا و منی
- (ج) کلاه سعادت یکی بر سرش
- (د) تا کمال علم او ظاهر شود
- (هـ) چون گرفتی عبرت از گرگ دنی
- (و) هم به چشم خود جمال خود بدید
- (۱) الف - ب - د - هـ (۲) الف - ب - هـ - و

(تالیفی ۹۸)

پدر بی‌گمان خشم گیرد بسی
که ملکش قدیم است و ذاتش غنی
گلیم شقاوت یکی در برش
این همه اسرار در صحرا نهاد
پس تو روبه نیستی شیر منی
منتی بر چشم نابینا نهاد
(۳) هـ - و - ج - د (۴) ب - ج - د - هـ

۲۱۵- در کدام گزینه هر دو نوع واو عطف و ربط آمده است؟

- (۱) گر دیگران به عیش و طرب خرم‌اند و شاد
- (۲) عشق را رهنمای و ره نبُود
- (۳) چون عقل و هوش و دین و دلت را شراب برد
- (۴) در گناه و در نیاز از دوست هر کس را سؤال

(تالیفی ۹۸)

ما را غم نگار بُود مایه‌ی سرور
در طریقت سر و کُله نبُود
آهنگ این سفر به چه اسباب می‌کنی
ز آن‌که جز بخشایش و بخشش نفرمایی جواب

۲۱۶- زمان افعال مشخص‌شده در ابیات زیر، در کدام گزینه به ترتیب آمده است؟

(تالیفی ۹۸)

- (الف) کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را؟
- (ب) ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد
- (ج) پیشانی عفو تو را پُرچین نسازد جرم ما
- (۱) ماضی التزامی - ماضی بعید - ماضی ساده
- (۲) ماضی نقلی - ماضی التزامی - مضارع التزامی
- (۳) ماضی نقلی - ماضی بعید - ماضی التزامی
- (۴) ماضی نقلی - ماضی التزامی - ماضی ساده

(تالیفی ۹۸)

۲۱۷- در عبارت زیر به ترتیب چه تعداد و چند نوع وابسته‌ی وابسته وجود دارد؟

«در هوای نسبتاً گرم بهار دانش‌آموزان را به اردوی علمی و تفریحی کاشان بردیم. در یکی از اردوگاه‌های خارج شهر اسکان یافتیم. اردوگاهی زیبا به رنگ آبی آسمانی. از اردوگاه تا شهر را با اتوبوس پدر دوستم طی کردیم.»
(۱) پنج - چهار (۲) پنج - سه (۳) چهار - سه (۴) چهار - چهار

۲۱۸- اگر ابیات زیر را به سبب وجود تناسب‌های «تضاد، ترادف، تضمن، تناسب» بین واژگان آن‌ها، به ترتیب بیاوریم، کدام گزینه این ترتیب را درست نشان می‌دهد؟

(تالیفی ۹۸)

- الف) هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک
 ب) گل عزیز است غنیمت شمردش صحبت
 ج) با جور و جفای تو نسازیم چه سازیم؟
 د) هر خشت که بر کنگره ایوانی است
 (۱) د - ب - ج - الف (۲) الف - ج - ب - د
 (۳) الف - ب - ج - د (۴) د - ج - ب - الف

(تالیفی ۹۸)

آهو روشی کبک خرامی نفرستاد
 وز آن خط چون سلسه دامی نفرستاد
 از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت
 کاتش ز عکس عارض ساقی در آن گرفت
 آن‌چه خود داشت ز بیگانسه تمنا می‌کرد
 طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد
 عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
 عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

۲۱۹- در افعال پایانی کدام گزینه، تغییر معنا ایجاد نشده است؟

- (۱) سوی من وحشی صفت عقل رمیده
 دانست که خواهد شدنم مرغ دل از دست
 (۲) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی عشق
 آن روز شوق ساغر می، خرمم بسوخت
 (۳) سال‌ها دل طلب جام‌جم از ما می‌کرد
 گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است
 (۴) در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
 جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت

(تالیفی ۹۸)

۲۲۰- در همهی گزینه‌ها هم‌رای حرف اضافه و هم‌رای مفعولی به کار رفته است، به جز گزینهٔ

- (۱) در شیشه‌خانه آینه را نیست اعتبار
 (۲) سیل را خاشاک در زنجیر نتواند کشید
 (۳) چو حجت نماند جفاجوی را
 (۴) اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

(تالیفی ۹۸)

۲۲۱- در همه گزینه‌ها به جز گزینه‌ی، از شیوه بلاغی استفاده شده است.

- (۱) دلیران میدان گشوده نظر
 (۲) که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد
 (۳) دم تیغ بر گردنش چون رسید
 (۴) بیامد به دشت و نفس کرد راست

(تالیفی ۹۸)

۲۲۲- نوع «را» ی به کار رفته در کدام گزینه، با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

- (۱) سبزه‌ی خوابیده را بیدار سازد آب و من
 (۲) همی داد مژده یکی را دگر
 (۳) هر جا که ز پای تو غباری است
 (۴) طوبی و سدره گر به قیامت به من دهند

- چون شوم مست از شراب ناب خوابم می‌برد
 که بخشود بر بی‌گنه دادگر
 ما را ز بهشت یادگاری است
 یک‌جا فدای قامت رعنا کنم تو را

۲۲۳- نقش واژه مشخص شده در کدام گزینه صحیح نیست؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی
 - ۲) به نام کردگار هفت افلاک
 - ۳) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 - ۴) چو در وقت بهار آبی پدیدار
- یقین دانم که بی شک جان جانی (مسند)
که پیدا کرد آدم از کفی خاک (نهاد)
تویی هم آشکارا هم نهانم (مسند)
حقیقت پرده برداری ز رخسار (مفعول)

۲۲۴- در کدام گزینه جمله‌ی مرکب وجود دارد؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) دل رمیده ما را که پیش می‌گیرد؟
 - ۲) سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
 - ۳) طمع در آن لب شیرین نکردنم اولی
 - ۴) تا عاشقان به بوی نسیمش دهند جان
- خبر دهید به مجنون خسته از زنجیر
همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
ولی چگونه مگس از پی شکر نرود
بگشود نافه‌ای و در آرزو ببست

۲۲۵- در کدام گزینه نقش تبعی نیامده است؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) من به هر جمعیتی نالان شدم
 - ۲) دید پیمبر نه به چشمی دگر
 - ۳) که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد
 - ۴) بیامد به دشت و نفس کرد راست
- جفت بدحالان و خوشحالان شدم
بلکه بدین چشم سر، این چشم سر
برانگیخت ابرش برافشانند گرد
پس آنگه باستاد و هم‌رزم خواست

۲۲۶- در همهٔ ابیات به استثنای بیت، مفعول، مقدّم بر سایر ارکان موجود در جمله است.

(تالیفی ۹۸)

- ۱) رخ شاه کاوس پر شرم دید
 - ۲) خرد را گر نبخشد روشنایی
 - ۳) ملک این‌جا بایدت انداختن
 - ۴) کرم بین و لطف خداوندگار
- سخن گفتنش با پسر نرم دید
بماند تا ابد در تیره رای
ملک این‌جا بایدت در باختن
گنه بنده کرده است و او شرمسار

۲۲۷- نوع «واو» به کار رفته در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها یکسان نیست؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) آن که بر فرق تاج از زر کرد
 - ۲) خورد عالم را و بندد بر شکم سنگ مزار
 - ۳) پیش ما بینی کریمانی که گاه مائده
 - ۴) دلبَر جان‌رُبای عشق آمد
- در لحد رفت و خاک بر سر کرد
سیرچشمی در نهاد خاک مردم‌خوار نیست
ماکیان بر در کنند و گربه در زندان سرا
سر بُر و سرِ نمای عشق آمد

۲۲۸- تناسب‌های معنایی در ترکیب‌های تمام گزینه‌ها یکسان است، به جز گزینه (تالیفی ۹۸)

- (۱) (عدل - داد) ، (جنگ - حرب) ، (نور - ضیا) ، (تیره - تار)
- (۲) (دست - بدن) ، (سبز - رنگ) ، (کشتی - ورزش) ، (مصرع - شعر)
- (۳) (پدر - خانواده) ، (مدرسه - دانشگاه) ، (کشتی - ناو) ، (اصفهان - خوزستان)
- (۴) (مهر - کین) ، (صیف - شتا) ، (ترغیب - ممانعت) ، (خوف - رجا)

۲۲۹- نقش تبعی در کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) برای من مگری و مگو دریغ! دریغ!
 - (۲) هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست
 - (۳) گفت دیناری بده پنهان و خود را و رهان
 - (۴) لب و دندان سنائی همه توحید تو گوید
- به دام دیو درافتی دریغ آن باشد
ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟
گفت کار شرع کار درهم و دینار نیست
مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی

۲۳۰- در همهی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی، واژه‌ای وجود دارد که تغییر معنا یافته است. (تالیفی ۹۸)

- (۱) به دستور فرمود تا ساربان
 - (۲) گر می‌گریزم از نظر مردمان «رهی»
 - (۳) شوخ شیخ آورد تا بازوی او
 - (۴) چو سوفارش آمد به پهنای گوش
- هیون آرد از دشت صد کاروان
عیبم مکن که آهوی مردم ندیده‌ام
جمع کرد آن جمله پیش روی او
ز شاخ گوزنان برآمد خروش

۲۳۱- در کدام گزینه ویژگی سبکی «دو حرف اضافه برای یک متمم» وجود ندارد؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد
 - (۲) مپندار این شعله افسرده گردد
 - (۳) به رستم بر آن‌گه ببارید تیر
 - (۴) کمان به‌زه را به بازو فکند
- بیداد ظالمان شما نیز بگذرد
که بعد از من افروزد از مدفن من
تهمت بدو گفت: بر خیره خیر
به بند کمر بر بزد تیر چند

۲۳۲- در کدام گزینه تحول معنایی واژه مشخص شده، با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) ور ایدون که زین کار هستم گناه
 - (۲) چو او را بدیدند برخاست غو
 - (۳) بدان جامه‌ی شوخ در پیش تخت
 - (۴) بشد تیز رهام با خود و گیر
- جهان‌آفرینم ندارد نگاه
که آمد ز آتش برون شاه نو
بیفتاد و گفت ای شه نیک‌بخت
همی گرد رزم اندر آمد به ابر

۲۳۳- ردیف از نظر معنایی در کدام گزینه متفاوت است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) مستم کن آن چنان که ندانم زه بی‌خودی
 - (۲) بر بوی آن که جرعه جامت به ما رسد
 - (۳) دل را که مرده بود، حیاتی به جان رسید
 - (۴) زاهد غرور داشت، سلامت نبرد راه
- در عرصه‌ی خیال که آمد، کدام رفت
در مصطبه دعای تو هر صبح و شام رفت
تا بویی از نسیم می‌آش در مشام رفت
رند از ره نیاز به دارالسلام رفت

۲۳۴- در کدام گزینه صفت بیانی نمی‌یابید؟

(تالیفی ۹۸)

- | | |
|--|---|
| ۱) کم دهدت گیتی بسیاردان | بِه که بسنجی کم و بسیار را |
| ۲) یکی زین سفره، نان خشک برد آن دیگری حلوا | قضا گویی نمی‌دانست رسم میزبانی را |
| ۳) هزاران دانه افشاندیم و یک گل زان میان نشکفت | بِه شورستان تبه کردیم رنج باغبانی را |
| ۴) چراغ آسمانی بود عقل اندر سر خاکی | ز باد عجب (= غرور) کشتیم این چراغ آسمانی را |

۲۳۵- در کدام گزینه تعداد صفت بیانی (به عنوان وابسته پسین) بیشتر است؟

(تالیفی ۹۸)

- | | |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) لفظی فصیح شیرین، قدی بلند چابک | رویی لطیف زیبا، چشمی خوش کشیده |
| ۲) آن لعل دلکشش بین، وان خنده دل آشوب | وان رفتن خوششش بین، وان گام آرمیده |
| ۳) یاقوت جان‌فزایش، از آب لطف زاده | شمشاد خوش خرامش، در ناز پروریده |
| ۴) از تاب آتش می، برگرد عارضش خوی | چون قطره‌های شبنم، بر برگ گل چکیده |

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سماعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید. همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

پاسخ نامه دستور

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴
۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴
۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴
۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴

۵۱	۱	۲	۳	۴
۵۲	۱	۲	۳	۴
۵۳	۱	۲	۳	۴
۵۴	۱	۲	۳	۴
۵۵	۱	۲	۳	۴
۵۶	۱	۲	۳	۴
۵۷	۱	۲	۳	۴
۵۸	۱	۲	۳	۴
۵۹	۱	۲	۳	۴
۶۰	۱	۲	۳	۴
۶۱	۱	۲	۳	۴
۶۲	۱	۲	۳	۴
۶۳	۱	۲	۳	۴
۶۴	۱	۲	۳	۴
۶۵	۱	۲	۳	۴
۶۶	۱	۲	۳	۴
۶۷	۱	۲	۳	۴
۶۸	۱	۲	۳	۴
۶۹	۱	۲	۳	۴
۷۰	۱	۲	۳	۴
۷۱	۱	۲	۳	۴
۷۲	۱	۲	۳	۴
۷۳	۱	۲	۳	۴
۷۴	۱	۲	۳	۴
۷۵	۱	۲	۳	۴
۷۶	۱	۲	۳	۴
۷۷	۱	۲	۳	۴
۷۸	۱	۲	۳	۴
۷۹	۱	۲	۳	۴
۸۰	۱	۲	۳	۴
۸۱	۱	۲	۳	۴
۸۲	۱	۲	۳	۴
۸۳	۱	۲	۳	۴
۸۴	۱	۲	۳	۴
۸۵	۱	۲	۳	۴
۸۶	۱	۲	۳	۴
۸۷	۱	۲	۳	۴
۸۸	۱	۲	۳	۴
۸۹	۱	۲	۳	۴
۹۰	۱	۲	۳	۴
۹۱	۱	۲	۳	۴
۹۲	۱	۲	۳	۴
۹۳	۱	۲	۳	۴
۹۴	۱	۲	۳	۴
۹۵	۱	۲	۳	۴
۹۶	۱	۲	۳	۴
۹۷	۱	۲	۳	۴
۹۸	۱	۲	۳	۴
۹۹	۱	۲	۳	۴
۱۰۰	۱	۲	۳	۴

۱۰۱	۱	۲	۳	۴
۱۰۲	۱	۲	۳	۴
۱۰۳	۱	۲	۳	۴
۱۰۴	۱	۲	۳	۴
۱۰۵	۱	۲	۳	۴
۱۰۶	۱	۲	۳	۴
۱۰۷	۱	۲	۳	۴
۱۰۸	۱	۲	۳	۴
۱۰۹	۱	۲	۳	۴
۱۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۱۹	۱	۲	۳	۴
۱۲۰	۱	۲	۳	۴
۱۲۱	۱	۲	۳	۴
۱۲۲	۱	۲	۳	۴
۱۲۳	۱	۲	۳	۴
۱۲۴	۱	۲	۳	۴
۱۲۵	۱	۲	۳	۴
۱۲۶	۱	۲	۳	۴
۱۲۷	۱	۲	۳	۴
۱۲۸	۱	۲	۳	۴
۱۲۹	۱	۲	۳	۴
۱۳۰	۱	۲	۳	۴
۱۳۱	۱	۲	۳	۴
۱۳۲	۱	۲	۳	۴
۱۳۳	۱	۲	۳	۴
۱۳۴	۱	۲	۳	۴
۱۳۵	۱	۲	۳	۴
۱۳۶	۱	۲	۳	۴
۱۳۷	۱	۲	۳	۴
۱۳۸	۱	۲	۳	۴
۱۳۹	۱	۲	۳	۴
۱۴۰	۱	۲	۳	۴
۱۴۱	۱	۲	۳	۴
۱۴۲	۱	۲	۳	۴
۱۴۳	۱	۲	۳	۴
۱۴۴	۱	۲	۳	۴
۱۴۵	۱	۲	۳	۴
۱۴۶	۱	۲	۳	۴
۱۴۷	۱	۲	۳	۴
۱۴۸	۱	۲	۳	۴
۱۴۹	۱	۲	۳	۴
۱۵۰	۱	۲	۳	۴

۱۵۱	۱	۲	۳	۴
۱۵۲	۱	۲	۳	۴
۱۵۳	۱	۲	۳	۴
۱۵۴	۱	۲	۳	۴
۱۵۵	۱	۲	۳	۴
۱۵۶	۱	۲	۳	۴
۱۵۷	۱	۲	۳	۴
۱۵۸	۱	۲	۳	۴
۱۵۹	۱	۲	۳	۴
۱۶۰	۱	۲	۳	۴
۱۶۱	۱	۲	۳	۴
۱۶۲	۱	۲	۳	۴
۱۶۳	۱	۲	۳	۴
۱۶۴	۱	۲	۳	۴
۱۶۵	۱	۲	۳	۴
۱۶۶	۱	۲	۳	۴
۱۶۷	۱	۲	۳	۴
۱۶۸	۱	۲	۳	۴
۱۶۹	۱	۲	۳	۴
۱۷۰	۱	۲	۳	۴
۱۷۱	۱	۲	۳	۴
۱۷۲	۱	۲	۳	۴
۱۷۳	۱	۲	۳	۴
۱۷۴	۱	۲	۳	۴
۱۷۵	۱	۲	۳	۴
۱۷۶	۱	۲	۳	۴
۱۷۷	۱	۲	۳	۴
۱۷۸	۱	۲	۳	۴
۱۷۹	۱	۲	۳	۴
۱۸۰	۱	۲	۳	۴
۱۸۱	۱	۲	۳	۴
۱۸۲	۱	۲	۳	۴
۱۸۳	۱	۲	۳	۴
۱۸۴	۱	۲	۳	۴
۱۸۵	۱	۲	۳	۴
۱۸۶	۱	۲	۳	۴
۱۸۷	۱	۲	۳	۴
۱۸۸	۱	۲	۳	۴
۱۸۹	۱	۲	۳	۴
۱۹۰	۱	۲	۳	۴
۱۹۱	۱	۲	۳	۴
۱۹۲	۱	۲	۳	۴
۱۹۳	۱	۲	۳	۴
۱۹۴	۱	۲	۳	۴
۱۹۵	۱	۲	۳	۴
۱۹۶	۱	۲	۳	۴
۱۹۷	۱	۲	۳	۴
۱۹۸	۱	۲	۳	۴
۱۹۹	۱	۲	۳	۴
۲۰۰	۱	۲	۳	۴

۲۰۱	۱	۲	۳	۴
۲۰۲	۱	۲	۳	۴
۲۰۳	۱	۲	۳	۴
۲۰۴	۱	۲	۳	۴
۲۰۵	۱	۲	۳	۴
۲۰۶	۱	۲	۳	۴
۲۰۷	۱	۲	۳	۴
۲۰۸	۱	۲	۳	۴
۲۰۹	۱	۲	۳	۴
۲۱۰	۱	۲	۳	۴
۲۱۱	۱	۲	۳	۴
۲۱۲	۱	۲	۳	۴
۲۱۳	۱	۲	۳	۴
۲۱۴	۱	۲	۳	۴
۲۱۵	۱	۲	۳	۴
۲۱۶	۱	۲	۳	۴
۲۱۷	۱	۲	۳	۴
۲۱۸	۱	۲	۳	۴
۲۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۲۹	۱	۲	۳	۴
۲۳۰	۱	۲	۳	۴
۲۳۱	۱	۲	۳	۴
۲۳۲	۱	۲	۳	۴
۲۳۳	۱	۲	۳	۴
۲۳۴	۱	۲	۳	۴
۲۳۵	۱	۲	۳	۴
۲۳۶	۱	۲	۳	۴
۲۳۷	۱	۲	۳	۴
۲۳۸	۱	۲	۳	۴
۲۳۹	۱	۲	۳	۴
۲۴۰	۱	۲	۳	۴
۲۴۱	۱	۲	۳	۴
۲۴۲	۱	۲	۳	۴
۲۴۳	۱	۲	۳	۴
۲۴۴	۱	۲	۳	۴
۲۴۵	۱	۲	۳	۴
۲۴۶	۱	۲	۳	۴
۲۴۷	۱	۲	۳	۴
۲۴۸	۱	۲	۳	۴
۲۴۹	۱	۲	۳	۴
۲۵۰	۱	۲	۳	۴